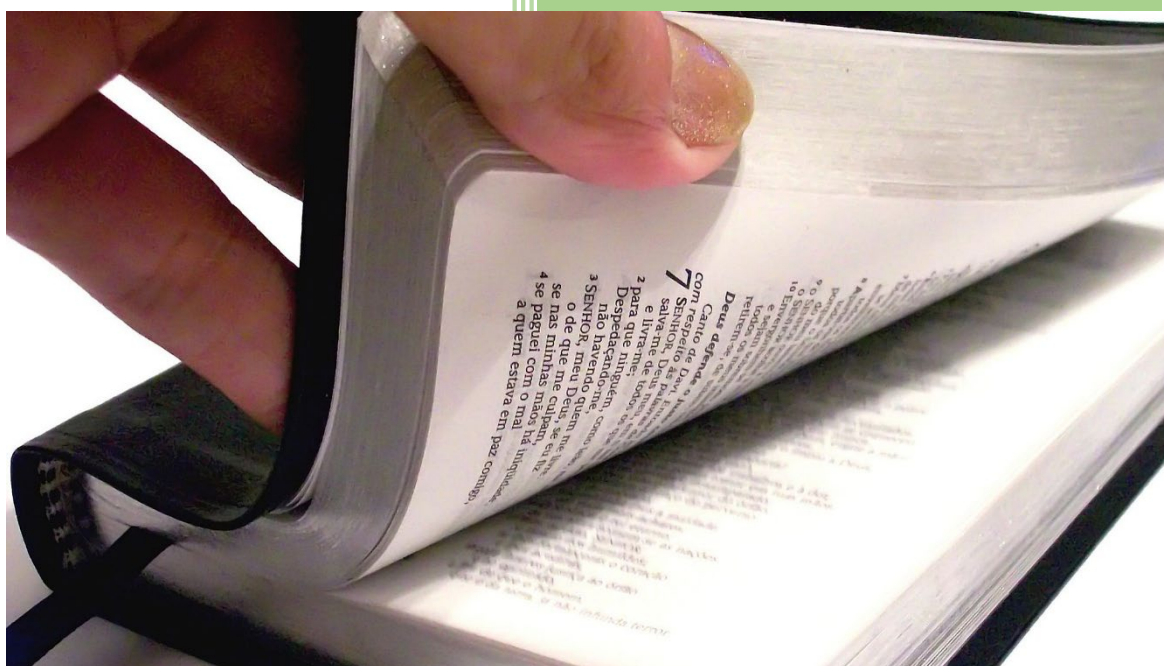


اولین قدم ها در خواندن کتاب مقدس



اولین قدم ها در خواندن کتاب مقدس - یادداشت ها

مقدمه

کتاب مقدس کتاب بزرگی است و خواندن آن زمان زیادی می برد. برداشتن آن و خواندن آن از ابتدا تا انتها مانند هر کتاب دیگری چندان آسان نیست. جاهایی وجود دارند که برای خوانندگان جدید چندان منطقی نیستند، مانند لاویان. جاهایی وجود دارد که ممکن است خواننده آنها را خسته کننده بداند، مانند فهرست افراد در تواریخ جاهایی وجود دارد که زبان مانند برخی از پیامبران پیچیده و نمادین است. خواندن بخش های دشوار کتاب مقدس مانند این است که سعی کنید غذای جامد بخوریم در حالی که فرد فقط به شیر عادت دارد. هضم آن دشوار است. توصیه می کنیم به تدریج نحوه صحبت کردن کتاب مقدس را یاد بگیرید و به آرامی با افراد و رویدادهای موجود در آن آشنا شوید. این همان چیزی است که این برنامه خواندن برای آن است.

یک نشانک همراه با این دوره وجود دارد که می تواند در کتاب مقدس باقی بماند.

این برنامه 6 ماهه خواندن بر اصول و همچنین مهم ترین افراد و رویدادها تمرکز دارد. در درجه اول بر روی حقایق تمرکز نمی کند، که با خواندن بیشتر یاد خواهید گرفت. این بر روی روش صحیح زندگی تمرکز می کند که برای خواننده مهم است که از آن آگاه شود. این برنامه توضیح می دهد که چرا متن ها انتخاب شده اند و در آنها باید به چه چیزی توجه کرد.

اگر برنامه با خواندن یک متن در روز دنبال شود، برنامه 6 ماه طول می کشد. با این حال، اگر قسمت های بیشتری در یک روز خوانده شود، برنامه کمتر طول می کشد. اگر 3 متن در روز خوانده شود، برنامه 2 ماه طول می کشد. این به خواننده بستگی دارد که انتخاب کند چه سرعتی را می خواهد پیشرفت کند.

ما برای شما برکت خدا را در خواندن آرزو می کنیم. خدا خشنود خواهد شد که بخوانید آنچه را که او نوشته است بخوانید. به هر حال، او آن را نوشت تا خوانده شود و از ما می خواهد که از آن درس بگیریم.

برای یافتن متون کتاب مقدس، باید به فهرست جلو نگاه کنید تا بفهمید کتاب های مختلف کتاب مقدس کجا هستند. 66 کتاب در کتاب مقدس وجود دارد. در منابع زیر، کتاب کتاب مقدس آورده شده است و به دنبال آن فصل و سپس (در صورت لزوم) آیات آورده شده است. کتاب، فصل و آیات راهی سریع برای شناسایی هر بخشی از کتاب مقدس است.

1 ماه

روز 1: مزمور 1

مزمور 1 مقدمه ای بر کتاب مورد علاقه بسیاری از مردم است - مزامیر این مقدمه خوبی برای مزامیر است، اما همچنین مقدمه خوبی برای کتاب مقدس است. دو راه در زندگی وجود دارد. راه خدا و راه انسان وجود دارد. تنها اگر راه خدا را دنبال کنیم، خدا را خشنود خواهیم کرد و برکت او را دریافت خواهیم کرد. مزمور 1 انسان را به درختی تشبیه می کند که شکوفا می شود یا خشک می شود. کسی که شکوفا می شود و رشد می کند، کسی است که راه درست را دنبال می کند و در کلام خدا تعمق می کند. این کتاب به ما می آموزد که باید به طور منظم کتاب مقدس را بخوانیم و به آن فکر کنیم. در حالت ایده آل، ما این کار را روزانه انجام خواهیم داد. بنابراین، متون به صورت قرائت روزانه آورده می شوند. مردی که کتاب مقدس را نمی خواند مانند مواد گیاهی خشک شده است که فایده ای ندارد و منفجر می شود.

روز دوم: تثبیه 30: 11-20

این متن نزدیک به پایان پنج کتاب موسی معروف به تورات است. این خلاصه ای از آنچه در پنج کتاب اول گفته شده است - برای همه یک انتخاب وجود دارد. انتخاب یک انتخاب مرگ و زندگی است. این مانند مزمور 1 است به این معنا که می گوید دو راه وجود دارد: راه خدا و راه انسان. هر کسی می تواند راه خدا را دنبال کند و زندگی را به دست آورد، اگر این چیزی باشد که انتخاب می کند. انتخاب آلترناتیو انتخاب زندگی بدون خدا است و به مرگ پایدار ختم می شود.

روز سوم: امثال 2

کتاب امثال به حکمت خدا می پردازد. این توسط خردمندترین مرد روی زمین در آن زمان، پادشاهی به نام سلیمان نوشته شده است. او زندگی را به عنوان دو راه توصیف می کند. اولاً راه خرد وجود دارد که به چیزهای خوب منجر می شود. و ثانیاً راه ستمکاران وجود دارد که به برعکس منتهی می شود. شریران قطع خواهند شد و درستکاران زنده خواهند ماند. انتخاب همان انتخابی است که در دو متن قبلی در مزامیر و تثنیه خواندیم. کتاب مقدس در پیام خود ثابت قدم است، مهم نیست که کجا می خوانید. یک چیز را به روش های مختلف می گوید. اینگونه است که می دانیم پیام درست را یاد می گیریم، زیرا بیش از یک بار آن را می شنویم.

روز 4: جیمز 3

سه متن قبلی از عهد عتیق آمده است. عهد عتیق نامی است که به تمام کتاب هایی که قبل از مسیح نوشته شده اند داده شده است. دو متن بعدی از عهد جدید آمده است. عهد جدید بخش دوم و آخر کتاب مقدس است که عیسی و شاگردانش را پوشش می دهد. عهد جدید همان چیزی را می گوید که عهد عتیق می گوید. جیمز کتابی کاربردی و قابل درک است. پایان یعقوب 3 می گوید که دو نوع حکمت وجود دارد. حکمت خدا از بالا و حکمت از جهان وجود دارد. این حکمت خداوند است که خوشایند و دوست داشتنی است. پیام او بر اساس پیام عهد عتیق ساخته شده است. یعقوب 3 همچنین در مورد قدرت زبان صحبت می کند. زبان چیز خطرناکی است و باید کنترل شود. توصیه صحیح!

روز 5: متی 6: 25-7: 14

اکنون برای اولین بار با سخنان عیسی روبرو می شویم. این از معروف ترین سخنرانی عیسی مسیح گرفته شده است که به عنوان "موعظه روی کوه" در متی فصل های 5-7 شناخته می شود. بخشی که ما انتخاب کرده ایم نشان می دهد که چگونه خدا می داند که ما به غذا و پوشاک نیاز داریم و باید به او اعتماد کنیم که ما را تأمین می کند. این به ما امکان می دهد بدون نگرانی زندگی کنیم. فصل 7 به ما توصیه می کند که یکدیگر را قضاوت نکنیم زیرا نحوه قضاوت دیگران به این معنی است که خدا ما را قضاوت می کند. این بخش با این آموزش به پایان می رسد که دو راه در زندگی وجود دارد. این پیامی است که ما قبلاً از عهد عتیق آموخته ایم. در واقع، بیشتر تعالیم عیسی در مورد توضیح پیام عهد عتیق بود. عیسی به ما می گوید که باید با دقت به دنبال راه درست باشیم. یافتن این راه آسان نیست، اما این راه منجر به زندگی می شود. خواندن کتاب مقدس به شما کمک می کند تا این راه را پیدا کنید.

در چند روز آینده، ما اولین قدم های خود را برای یادگیری در مورد خدا بر خواهیم داشت.

روز 6: 1 سموئیل 2: 10-1

این دعای هانا است. هانا همسری نازا بود. شوهرش دو همسر داشت. همسر دوم بچه دار شد و زندگی هانا را بسیار دشوار کرد. حنا به خدا نذر کرد که اگر خدا به او پسری بدهد، او را به خدا خواهد داد. خدا به هانا پسری داد. دعای حنا دعای شکرگزاری برای آن پسر بود. در دعا، او اطلاعات مهمی در مورد خدا و نحوه عملکرد خدا به ما می دهد. خدا می تواند همه کارها را انجام دهد - و ما همه چیز را منظور داریم! او می تواند زندگی ببخشد و او می تواند زندگی را بگیرد. او می تواند ثروت بدهد و ثروت بگیرد. هیچ مانند خدا وجود ندارد. خدا از کسانی که به او اعتماد می کنند مراقبت می کند، همانطور که از حنا مراقبت می کند. منطقی است که مردم به خدا اعتماد کنند و مراقبت او را دریافت کنند. چند متن بعدی نیز چیزهای مهمی در مورد خدا به ما می آموزد.

روز هفتم: مزمو 103

این زیباترین مزامیر است که درباره خدا به ما می آموزد. خدا حیات می بخشد و شفا می دهد. خدا نه به راحتی خشمگین می شود و نه خشن است. در واقع، خدا با ما آنطور که شایسته آن هستیم رفتار نمی کند. مزمو به ما در مورد شخصیت یا شخصیت خدا می آموزد. خدا مهربان و مهربان است، خشم کند و دوست دارد. ما آنقدر خوشبخت هستیم که خدا اینگونه است.

تصور کنید اگر خدا خشمگین و خشن بود، زندگی چگونه بود. خدا به ویژه به کسانی که از دستورات او اطاعت می کنند محبت می کند. خدا برای همه اینها سزاوار ستایش ما است، همانطور که فرشتگان نیز او را ستایش می کنند. این اولین برخورد ما با فرشتگان است. فرشتگان رسولان خدا هستند که پیام های خدا را حمل می کنند و از دستورات خدا اطاعت می کنند. آنها موجودات روحی هستند که شبیه انسان هستند.

روز هشتم: مزمور ۱۳۹

مزامیر 139 توضیح می دهد که چرا درک همه چیز در مورد خدا دشوار خواهد بود. ذهن و توانایی های خدا فراتر از درک ما است. خدا ما را شخصا می شناخت حتی زمانی که در رحم مادرمان رشد می کردیم. قدرت های خدا آنقدر عظیم هستند که می تواند ذهن ما را بخواند. او می داند که ما کجا هستیم و چه می کنیم. ما نمی توانیم از او پنهان شویم. این خبر خوب و بد است. وقتی در مشکل هستیم و برای کمک دعا می کنیم، خوب است. وقتی کارها را اشتباه انجام می دهیم چندان خوب نیست. نویسنده دیوید بود، مردی که واقعا متعهد به انجام کار درست بود. داوود بسیاری از مزامیر را نوشت. داوود از کسانی که از نام خدا سوء استفاده می کردند و از قوانین خدا سرپیچی می کردند متنفر بود. اینها چیزهایی هستند که خدا نیز از آنها متنفر است. ما باید مراقب باشیم که از نام خدا سوء استفاده نکنیم و باید مراقب باشیم که آنچه را که خدا به ما می گوید انجام دهیم. خدا می داند اگر این کار را نکنیم.

روز 9: حزقیال 18

این اولین خوانش ما از بخش بزرگی از کتاب مقدس است که به عنوان "پیامبران" شناخته می شود. پیامبران سخنان خدا را بیان می کردند و اغلب در مورد آنچه خدا در آینده انجام خواهد داد صحبت می کردند. آنها معمولا زمانی که قوم اسرائیل شرور بود توسط خدا فرستاده می شدند تا مردم را خوب کنند. در حزقیال فصل 18 می آموزیم که خدا از قومش چه می خواهد. خدا می خواهد که افراد شریر توبه کنند. توبه به معنای تغییر است. خدا می خواهد قومش از انجام کارهای بد تغییر کنند و شروع به انجام کارهای خوب کنند. خدا چیز مهمی در مورد خودش به ما می گوید. خدا از مرگ شریران لذت نمی برد. خدا از تنبیه افراد شریر لذت نمی برد! این برعکس تفکر انسان است، جایی که انسان اغلب از سقوط دشمن خوشحال می شود. اما خدا به روشی که انسان فکر می کند فکر نمی کند. حتی وقتی خدا باید شریران را از بین ببرد، انجام این کار به او هیچ لذتی نمی دهد. چیزی که او را خشنود می کند این است که کسانی که در او گم شده اند روی می آورند و تغییر می کنند. وقتی مردم توبه می کنند و پرهیزکار می شوند، خشنود می شود.

روز دهم: مزمور ۲۳

این یکی از معروف ترین فصل های کتاب مقدس است. در مورد خدا به ما می آموزد. خدا مانند یک شبان است. قوم او مانند گوسفندان او هستند. خدا خود را "پادشاه" یا "حاکم" نمی نامد، حتی اگر او باشد. او مانند یک شبان رفتار می کند و خود را به عنوان یک شبان معرفی می کند. نقش چوپان یک نقش خدمتگزار و مراقب است. این کاری است که خدا انجام می دهد. او در طول زندگی به قومش اهمیت می دهد. او آنها را از طریق خطرات زندگی به جایی هدایت می کند که تا ابد با خدا در معاشرت خواهند بود. به کلمات "برای همیشه" توجه کنید. خدا از این کلمات همانطور که واقعا منظور دارند استفاده می کند. او در مورد چیزهای ابدی صحبت می کند. ما از خواندن کتاب مقدس یاد خواهیم گرفت که منظور او واقعا زندگی ابدی است. بسیاری از مردم مزمور را از بر یاد گرفته اند. این به این دلیل است که وقتی زندگی شان سخت می شود بتوانند کلمات زیبایی آن را به خاطر بسپارند و خیالشان راحت باشد.

در پنج قرائت آخر، ما در مورد خدا و اینکه او چگونه است یاد گرفته ایم. ما فکر می کنیم که شما موافق خواهید بود که اگرچه خدا بسیار بزرگ است، اما او شخصیتی دوست داشتنی دارد و ارزش دانستن را دارد. همه این قرائت ها از عهد عتیق آمده است، جایی که بسیاری فکر می کنند خدا خشن است. این یک درک نادرست است. خدا در عهد عتیق و عهد جدید همان خدای مهربان است. در چند روز آینده، ما به قسمت هایی که مربوط به حکمت هستند نگاه خواهیم کرد.

روز یازدهم: جامعه 3

جامعه 3 فصل زیبایی است که به ما در مورد زمان می آموزد. همه چیز زمان خود را دارد. زمان مناسبی برای همه چیز وجود دارد. مواقعی وجود دارد که باید یک کار را انجام داد و گاهی اوقات باید برعکس آن را انجام داد. ما به خرد نیاز داریم

تا بدانیم چه زمانی کارهای درست را انجام دهیم. هر کاری که انسان انجام می دهد، خدا می بیند و مورد قضاوت قرار خواهد گرفت. خدا انسان را آزمایش می کند تا ببیند آیا آنها بهتر از حیوانات هستند یا خیر. انسان باید از غرایز حیوانی خود فراتر رود و نشان دهد که بیش از یک حیوان است. یعنی او باید از راه های خدا پیروی کند. ما باید در مورد نحوه استفاده از زمان خود دقت کنیم. زندگی ما کوتاه است و باید عاقلانه زندگی کنیم.

روز دوازدهم: جامعه 12

جامعه در فصل پایانی خود به موقع موضوع خود را ادامه می دهد. فصل 12 توصیفی از پیروی است. از خواننده دعوت می شود قبل از اینکه سن توانایی های او را از بین ببرد، خالق خود را به یاد بیاورد. در اینجا پیروی به روشی غیرمعمول توصیف می شود. به عنوان مثال، تاریخ شدن ستارگان و ابرها توصیفی از بینایی ضعیف هستند (آیه 2). لرزش و خم شدن عضلات و استخوان های قدیمی هستند (آیه 3). بیشتر زبان مورد استفاده برای یک شهر قدیمی و ویران شده مناسب تر است. شما قادر خواهید بود سایر ویژگی ها را با کمی فکر تفسیر کنید. این فصل نمونه ای از نیاز به فکر کردن در مورد اینکه پیام واقعا چیست است. در بسیاری از جاها، کتاب مقدس از ما می خواهد که به جای خواندن ساده همه چیز به آنچه گفته می شود فکر کنیم. کتاب جامعه با بیانیه ای ساده به پایان می رسد که نمی توان آن را اشتباه فهمید. "از خدا بترسید و فرمان های او را نگاه دارید، زیرا این تمام وظیفه انسان است" (آیه 13). این خلاصه ای از کشف آنچه خردمندترین مرد سلیمان در زندگی خود یافت را خلاصه می کند. آنها کلمات عاقلانه ای هستند که ما باید به خاطر بسپاریم و به عنوان یک اولویت در زندگی خود قرار دهیم.

روز سیزدهم: مزمور 49

مزمور 49 همچنان در مورد طرز تفکر خدا تعلیم می دهد. در این مورد، خدا به ما می گوید که در مورد افراد ثروتمند چه فکری می کند. ثروتمندان به جای خدا به خود اعتماد می کنند. ما نباید به افراد ثروتمند حسادت کنیم زیرا آنها برای مدت طولانی دوام نمی آورند. آنها ممکن است تا زمانی که زنده هستند از زندگی لذت ببرند، اما مانند حیوانات خواهند مرد (همانطور که در جامعه 3: 18 آموختیم). این پایان آنها خواهد بود. در مقابل، کسانی که آنچه را که خدا می خواهد انجام می دهند، آینده ای خواهند داشت. آنها زندگی خود را از قبر نجات خواهند داد (آیه 15). یعنی از مردگان برمی خیزند تا زنده شوند. این موضوعی است که در سراسر کتاب مقدس به ویژه در عهد جدید آموزش داده شده است. کتاب مقدس در مورد زندگی و مرگ و راه حل خدا برای مرگ به ما می آموزد.

روز چهاردهم: جامعه 5

ما همچنان در جامعه 5 به خدا و ثروت فکر می کنیم. اولاً، خدا را در نظر بگیرید. وقتی با خدا یا در مورد خدا صحبت می کنیم، باید مراقب سخنان خود باشیم. این تعجب آور نیست زیرا خدا بسیار بزرگ است و می داند که ما چه می گوئیم. بهتر است آنچه را که می گوئیم کنترل کنیم و وقتی در حضور خدا هستیم کمتر صحبت کنیم. ثانیاً، ما در مورد ثروت بیشتر می آموزیم. ما یاد می گیریم که مرد ثروتمند از ثروت خود با مشکلات زیادی مواجه می شود. وقتی ثروتمند می شود، به خدمتکارانی نیاز دارد که در نهایت ثروت او را مصرف کنند تا به ثروت بیشتری نیاز داشته باشد. مردان ثروتمند هرگز به داشتن ثروت کافی راضی نیستند. به زبان ساده، مردان ثروتمند هرگز راضی نیستند. ثروت شادی را نمی خرد. بهتر است کار کنیم و از دستمزد و چیزهایی که در این زندگی داریم راضی باشیم. قناعت بهتر از ثروت است.

روز پانزدهم: امثال 3

هم امثال و هم جامعه توسط سلیمان نوشته شده اند. امثال 3 به ما می آموزد که باید دستورات خدا را نگه داریم و از تعالیم خدا پیروی کنیم. این مانند کلمات دیگر سلیمان در پایان جامعه است. اگر به دستورات خدا عمل کنیم - برکت عمر طولانی و رفاه - به ما و عده برکت داده شده است. خدا باید کانون زندگی ما باشد. ما باید به خدا اعتماد کنیم که زندگی ما را هدایت کند. ما باید

خدا را در کلام و ثروت خود احترام بگذاریم. حکمت خدا بهتر از هر چیزی است که پول می تواند بخرد. می تواند به ما زندگی، افتخار و آرامش بدهد. ممکن است زمان های انضباط وجود داشته باشد. ما باید اینها را بپذیریم و از آنها درس بگیریم. اگر ما شاگرد هستیم، پس خدا با ما مانند فرزندان خود رفتار می کند. کودکان برای رفتار به راهنمایی در روش های صحیح نیاز دارند. راه های خدا همیشه بهترین هستند.

روز شانزدهم: اشعیا 40

در چند روز آینده، ما به یادگیری بیشتر در مورد خدا باز خواهیم گشت. این بار به سراغ اشعیا نبی می رویم. اشعیا 40 یک فصل عالی است. با گفتن قصد خدا برای کمک به اورشلیم که به عنوان "صهیون" نیز شناخته می شود، شروع می شود. در مورد عظمت خدا به ما گفته شده است. در مقایسه با خدا، همه ملل جهان مانند قطره ای در سطل یا مانند خاک روی ترازو هستند! این به ما حس می دهد که عظمت خدا در مقایسه با انسان متناسب است. همچنین مقایسه ای بین خدا و بت هایی که مردم می ساختند و می پرستیدند به ما داده می شود. بت ها نمی توانند حرکت کنند یا کاری انجام دهند، در حالی که خدا آسمان ها را آفریده است. خدا مانند انسان خسته نمی شود. هیچ محدودیتی برای درک خدا وجود ندارد. انسان نباید فکر کند که خدا نمی داند در زندگی او چه اتفاقی می افتد. خدا همه چیز را می داند. کسانی که به او توکل کنند برکت خواهند یافت. آنها می دوند و خسته نمی شوند. آنها مانند عقاب اوج خواهند گرفت.

روز هفدهم: اشعیا 45

قسمت آخر اشعیا کمی شبیه مزامیر است. عالی و آموزنده است. ما چند تا از آنها را انتخاب خواهیم کرد. اشعیا 45 با صحبت در مورد پادشاهی به نام کوروش شروع می کند که خدا او را خواهد فرستاد. خدا بر زمین کنترل دارد و همه چیز را بر اساس نقشه خود ترتیب می دهد. خدا این توانایی را دارد که این چیزها را انجام دهد. کوروش پادشاه آینده ایران خواهد بود و کاری را که خدا در نظر داشت در زمان مناسب انجام خواهد داد. خدا ترتیبی می دهد که مردم کارهای مختلفی را به عنوان بخشی از برنامه بزرگ خود انجام دهند. خدا می تواند چیزهای خوب و آنچه را که ما چیزهای "بد" می نامیم، به ارمغان بیاورد. این بدان معنا نیست که خدا منشأ شرارت است، اما به این معنی است که او می تواند انسان را بخاطر گناهش مجازات کند. انسان مانند گل در دستان خدای کوزه گر است. همانطور که یک گلدان سفالی نمی تواند با خالق خود دعوا کند، انسان نیز نباید با خالق خود دعوا کند. خداوند زمین را بخشی از هدف خود قرار داد تا انسان بتواند بر روی آن زندگی کند. نقشه او این است که بشریت را نجات دهد و او انسان را فرا می خواند که بیاید و نجات پیدا کند. این یک برنامه عالی است و خداوند آن را محقق خواهد کرد.

روز 18: اشعیا 55

فراخوان خدا به مردم برای نجات به شکل درخواستی از مردم است که بیایند و بنوشند. این زبان معنوی است که نشان می دهد خواننده باید بخواد که از پیام خدا بنوشد و نجات یابد. این پیام شامل وعده خدا به داوود است که بعداً در مورد آن خواهیم خواند. ما دوباره یاد می گیریم که خدا متفاوت از انسان فکر می کند. تفاوت بین خدا و انسان مانند تفاوت بین آسمان و زمین است. وقتی انسان برنامه ریزی می کند، بیشتر آنچه می گوید اتفاق نمی افتد. در مقابل، وقتی خدا کلامش را می گوید، کلمات اتفاق می افتند. هدف نهایی کلام خدا ایجاد شادی و آرامش در این دنیا است. این نماد حتی شادی کوه ها و درختان است. از آنجایی که کلام خدا همیشه به هدف خود می رسد، این اتفاق خواهد افتاد. این نمونه دیگری از برنامه خدا برای ایجاد عصر بهتر است.

روز نوزدهم: تثیبه 10: 12-22

ما در مورد عظمت خدا از زوایای دشوار زیادی آموخته ایم. خدا از ما می خواهد که نسبت به یادگیری این موضوع چه واکنشی نشان دهیم؟ ما باید از خدا بترسیم، در راه های او قدم برداریم، خدا را دوست داشته باشیم و دستورات او را نگاه داریم. این متن از تثیبه همان چیزی است که خدا در ابتدا به قوم خود اسرائیل گفت. او به ما می گوید که چرا اسرائیل را به عنوان قوم خاص خود انتخاب کرد. این به خاطر پدران اصلی ملت بود. هنگامی که آنها در ابتدا به مصر مهاجرت کردند، فقط هفتاد نفر از آنها بودند. اکنون آنها به اندازه ستارگان آسمان بودند. خدا اطلاعات بیشتری در مورد خودش به ما می دهد. او نسبت به مردم تعصب ندارد. او به ویژه بیوه ها، بی پدران و بیگانگان را دوست دارد. خدا سزاوار ستایش قومش است.

روز بیستم: پیدایش 1

تا کنون، ما در مورد خدا و راه های خدا آموخته ایم. خداوند به انسان وظیفه داده است که به جای پیروی از خواسته های خود، راه های خود را دنبال کند. ما یاد گرفته ایم که خدا چقدر بزرگ است. حالا این را درک می کنیم، به ابتدای کتاب مقدس برمی گردیم و می خوانیم که زندگی چگونه آغاز شد. جهان به عنوان سیاره ای پوشیده از آب و تاریکی آغاز شد. سپس خدا چیزهای مختلفی را در روزهای مختلف آفرید. شش روز طول کشید. انسان در پایان روز ششم آفریده شد، گویی پایان بزرگ. او تنها چیزی بود که شبیه خدا بود. او خاص بود. او فرمانروای سایر موجودات زنده شد.

روز 21: پیدایش 2

پس از 6 روز خلقت، خدا از کار آفرینش خود استراحت کرد. خدا در روز هفتم استراحت کرد. این الگو را برای هفته هفت روزه ما تعیین کرد. جزئیات بیشتری در مورد اینکه چگونه خدا مرد و زن را آفریده است به ما داده می شود. آدم از خاک آفریده شده بود اما قبل از اینکه بتواند زنده بماند، باید نفس خدا را به او می داد. او را در باغی قرار دادند تا وظیفه مراقبت از آن را داشته باشد. به او دستور داده شد که از درخت معرفت نیک و بد نخورد. اگرچه خلقت بسیار خوب بود، اما یک چیز خوب نبود. برای انسان خوب نبود که تنها باشد. هیچ یک از حیوانات نتوانستند نیاز او را برآورده کنند. پس خدا یک یاور آفرید - زنی که از بدن خودش آمده بود. با انجام این کار، خداوند اولین زوج انسانی و همچنین رابطه ازدواج را آفرید.

روز 22: مزمور 104

فصل های اولیه پیدایش پایه و اساس کتاب مقدس هستند. بارها در مکان های مختلف به وقایع اشاره می شود. یکی از این موارد مزمور 104 است. مزامیر فصل 104 ویژگی های خلقت را توصیف می کند که خدا وقتی همه چیز را مرتب می کرد به آنها توجه می کرد. ما به طراحی دقیق آب توجه می کنیم. این امر مانع از پوشاندن زمین مانند گذشته شد و نیازهای حیات گیاهی و جانوری را برآورده می کند. خداوند خورشید، ماه و ستارگان را مرتب کرد تا حیوانات چرخه روزانه داشته باشند. خداوند آنچه را که برای زندگی و حتی لذت بردن از زندگی نیاز دارد فراهم می کند. اما به همان راحتی که خدا زندگی داد، می تواند آن را از بین ببرد. انسان بدون نفس از خدا به خاک باز می گردد. این حقایق باید باعث شود که خدا را برای زندگی و برکتی که هر روز به ما می دهد شکر کنیم.

روز 23: پیدایش 3

در ابتدا خدا همه چیز را بسیار خوب آفرید. پیدایش فصل 3 به ما می گوید که انسان آن را خراب کرده است. او از فرمانی که خدا به او داده بود سرپیچی کرد. پیدایش 3 "سقوط انسان" را ثبت می کند. جانوری بود که می توانست حرف بزند و استدلال کند. این به حوا این ایده را داد که از درخت شناخت خیر و شر که خدا آن را ممنوع کرده بود، بخورد. حوا این ایده را دوست داشت و به 3 دلیل فکر کرد که چرا باید غذا بخورد. او آدم را تشویق کرد که همین کار را انجام دهد و او نیز غذا خورد. خدا به آنچه انجام می دادند آگاه بود. سپس ما قضاوت خدا را در مورد این سه نفر داریم - مرد، زن و وحش. هر سه مجرم بودند و مجازات شدند. جانور به یک مار گنگ تبدیل شد. زن باید درد زایمان را تحمل می کرد و شوهرش را که بر او حکومت می کرد تحمل می کرد. آدم در تمام عمرش از درد کار سخت رنج می برد تا اینکه به زمین بازگشت. به عبارت دیگر، آدم قرار بود بمیرد. اگرچه صریحاً به ما گفته نشده است، اما باید استنباط کنیم که حوا و مار نیز مرده اند. و انسان از باغ خدا تبعید شد. این از یک اصل در کتاب مقدس پیروی می کند که نافرمانی انسان را از خدا جدا می کند.

روز بیست و چهارم: جامعه 9

مرگ یک واقعیت است. دانشی که انسان مجبور به زندگی با آن بوده است. انسان زندگی می کند و سپس می میرد. خدا به ما می گوید که در مورد مرگ و وضعیت مردگان در جامعه 9 چیست. همه به یک شکل خواهند مرد. حتی درستکاران و شریکان نیز به همین ترتیب می میرند. وقتی آنها می میرند، به ما می گویند که مردگان چیزی نمی دانند. این پایان آنهاست. بنابراین، خداوند به انسان توصیه می کند که تا زمانی که زندگی را دارد از آن نهایت استفاده را ببرد. هیچ نمی داند چه زمانی عاقبت او فرا می رسد.

روز 25: مزمور 90

مزمور 90 طول عمر انسان را با خدا در تضاد قرار می دهد. خدا ابدی است. زمان برای خدا مشکلی ایجاد نمی کند. نزد خدا هزار سال درست مثل یک روز است. در مقایسه با خدا، انسان مانند علفی است که رشد می کند و سپس خشک می شود و از بین می رود. انسان ممکن است 70 یا 80 سال عمر کند، اما این هنوز در مقایسه با خدا چیزی نیست. به دلیل کوتاه بودن عمر، باید از زمان خود عاقلانه استفاده کنیم. چه کسی می داند زندگی ما چه زمانی به پایان می رسد؟ ممکن است خدا تصمیم بگیرد که زمان ما زودتر از آنچه فکر می کنیم به پایان برسد. هر روز که از خواب بیدار می شویم، می توانیم خدا را برای هدیه زندگی او شکر کنیم.

روز 26: یوحنا 11: 1-44

ما در مورد مرگ آموخته ایم. گاهی اوقات، به ندرت، خدا مردم را از مردگان بازگردانده است. در یوحنا 11 ما نمونه ای از ایلعازر را داریم. ایلعازر دوست عیسی بود که مرد اما توسط عیسی از مردگان برخاست. این فصل به ما می آموزد که خدا می تواند بر مرگ غلبه کند. کسی که او وظیفه انجام این امر را بر عهده داده است، عیسی است. بنابراین عیسی "رستاخیز و زندگی" است. این بدان معناست که از طریق عیسی، شاگردان امید به رستاخیز از مرده بودن دارند و می توانند دوباره زنده شوند. این به ما می آموزد که در آینده رستاخیز مردگان خواهد بود.

روز 27: یوحنا 5: 1-30

ما در مورد رستاخیز مردگان آموخته ایم. در اینجا متن دیگری وجود دارد که این را آموزش می دهد. یوحنا 5 در مورد زمانی برای ما می گوید که عیسی یک مرد لنگ را شفا داد. در بحثی که در ادامه می آید، عیسی کاری را که خدا به او مأمور کرده است توضیح می دهد. بخشی از این کار رستاخیز مردگان است. این زمان آینده ای است که صدای پسر خدا - عیسی - مردگان را زنده خواهد کرد. در این زمان داوری در مورد اینکه چه کسانی شاگردان واقعی هستند گنجانده شده است. آنهایی که شاگردان واقعی هستند باز هم می میرند، ولی اگر این کار را بکنند، از مردگان برمی خیزند. به همین دلیل، آنها به گونه ای توصیف می شوند که گویی از مرگ به زندگی منتقل شده اند. این زبان معنوی برای این واقعیت است که شاگردان واقعی با وجود اینکه ابتدا بمیرند، زنده خواهند شد.

روز بیست و هشتم: یوشع ۲۴: ۱-۲۷

کتاب مقدس توصیفی از رابطه خدا با قومش و افراد است. از این فصل می آموزیم که خدا از قومش چه انتظاری دارد و خدا چگونه با آنها تعامل می کند. هر کسی که می خواهد کتاب مقدس را درک کند، باید در مورد برخی از این افراد و رویدادهای مهم تاریخ اسرائیل بیاموزد. یوشع فصل 24 مروری بر تاریخ اولیه اسرائیل است. خود یوشع در آستانه مرگ بود و مسئولیت را به بزرگان قوم اسرائیل واگذار می کرد. او به آنها می گوید که تاریخ آنها با ابراهیم، سپس اسحاق و سپس یعقوب آغاز شد. بعدها موسی فرستاده شد تا مردم را از مصر بیرون بیاورد. موسی مسئولیت را به یوشع واگذار داد که مردم را در تصرف سرزمین کنعان رهبری کرد. هنگامی که یوشع می خواست مسئولیت خود را به مردم واگذار کند، یوشع مردم را برای خدمت به خدا مشورت می کند. مردم موافقت می کنند که این کار را انجام دهند. آنها پیمان بستند که از خدا پیروی کنند.

روز 29: اعمال رسولان 7: 1-53

اکنون بر اساس آنچه از یوشع ۲۴ آموخته ایم می سازیم. در اینجا در اعمال رسولان 7، تاریخ اولیه اسرائیل با جزئیات بیشتری به ما داده شده است. تاریخ آنها با ابراهیم آغاز می شود، زمانی که خدا ابراهیم را انتخاب کرد و با او صحبت کرد. تاریخ از طریق اسحاق و یعقوب می گذرد. سپس در مورد یوسف که پسر یعقوب بود به ما گفته می شود. در مورد زندگی موسی که شریعت خدا را در کوه سینا دریافت کرد، بیشتر به ما گفته شده است. از یوشع نام برده می شود و سپس اشاره ای کوتاه به داوود می شود. درس تاریخ با شکایت از خود اسرائیلی ها به پایان می رسد. آنها همیشه در برابر اطاعت از خدا و دستورات

او مقاومت کرده بودند. اسامی که ذکر کردیم برخی از استثنائات در این مورد بودند. ما در ماه 2 درباره ابراهیم و داوود بیشتر خواهیم آموخت.

روز 30: اول قرننیا 13

ماه اول خواندن کتاب مقدس را با یک متن دوست داشتنی به پایان می‌رسانیم که همه باید بدانند. این فصلی در مورد عشق و عشق واقعی است. عشق با رفتار نشان داده می‌شود. عشق بهتر از هر چیز دیگری است. خدا از روی محبت عمل می‌کند. خدا اینگونه رفتار می‌کند. آیه قبل از فصل 13 عشق را "عالی‌ترین راه" می‌نامد. آیه پس از فصل 13 از ما می‌خواهد که راه عشق را دنبال کنیم.

ما خواندن کتاب مقدس خود را شروع کرده ایم که دو راه برای زندگی وجود دارد. راه انسان یا راه خدا. ما ماه اول را با یادگیری در مورد راه عشق، که راه خدا است، به پایان می‌رسانیم. راه طبیعی انسان راهی برای عشق نیست. خدا از ما می‌خواهد که راه محبت را دنبال کنیم.

آنچه در ماه اول آموختیم و آنچه می‌توانیم در ماه دوم انتظار داشته باشیم

ما شروع به خواندن کتاب مقدس کردیم و به تعدادی از قسمت‌ها از جاهای مختلف نگاه کردیم. ما آموخته ایم که کتاب مقدس زندگی را به دو روش توصیف می‌کند. راه خدا وجود دارد که راه حکمت است و به زندگی منجر می‌شود. و راه انسان وجود دارد، که راه حماقت است و منجر به مرگ. خدا به ما حق انتخاب داده است.

ما به آنچه کتاب مقدس در مورد خدا و انسان می‌گوید نگاه کرده ایم. این دو کاملاً متفاوت هستند. ما در مورد عظمت خدا و شخصیت خدا یاد گرفتیم. ما در مورد دیدگاه خدا نسبت به زمان و اینکه چگونه زندگی را آفریده است، آموخته ایم. زندگی ما برکتی است که باید از آن سپاسگزار باشیم. و ما در مورد انسان آموخته ایم. انسان در زمان خود محدود است و خواهد مرد. با این حال، کتاب مقدس همچنین در مورد رستناخیز از مردگان به ما می‌آموزد. انسان به زندگی بهتر امید دارد.

ما یاد گرفتیم که کتاب مقدس حاوی تاریخ زیادی است. این کتابی در مورد رابطه خدا با انسان است. اگر انسان از حق اطاعت کند، با او خوب خواهد بود. عکس این نیز صادق است. کتاب مقدس رابطه درستی با خدا ارائه می‌دهد. ما در مورد آنچه خدا می‌خواهد در ماه دوم خواندن کتاب مقدس بیشتر خواهیم آموخت.

در طول ماه آینده، ما همچنین در مورد شخصیت‌های مهم - قابیل، نوح، ابراهیم، داوود و عیسی بیشتر خواهیم آموخت. ما همچنین حکمت بیشتری اضافه خواهیم کرد و آموزه‌های مربوط به ملکوت آینده خدا را معرفی خواهیم کرد.

روز 31: مزمور 8

مزمور 8 به ما کمک می‌کند تا همه چیز را در چشم انداز قرار دهیم. وقتی به آسمان نگاه می‌کنیم، احساس کوچکی می‌کنیم. از آنجایی که خدا آسمان‌ها را آفرید، نگاه کردن به بالا باعث می‌شود در مقایسه با خدا احساس کوچکی کنیم. این باعث می‌شود که ما قدر عظمت خدا را بدانیم، که بزرگتر از چیزهایی است که او ساخته است. خدا انسان را آفرید تا بر مخلوقاتش حکومت کند. انسان حکومت می‌کند زیرا خدا او را می‌خواست. اما انسان چگونه حکومت می‌کند؟ ما باید در مورد انسان در مقایسه با خدا فکر کنیم و اینکه آیا انسان هدفی را که خدا او را برای آن در نظر گرفته است برآورده می‌کند یا خیر.

روز 32: مزمور 19

مزمور 19 موضوع نگاه کردن به آسمان را ادامه می‌دهد. وقتی کسی به ستارگان نگاه می‌کند، به جلال خدا نگاه می‌کنیم - عظمت خدا. مهم نیست به چه زبانی صحبت می‌کنیم. وقتی به بالا نگاه می‌کنیم، باعث می‌شویم به آنچه به ما می‌گوید فکر کنیم. مثل این است که کسی به زبانی جهانی با ما صحبت کند و بگوید که خدا آنها را آفریده و او بزرگ است. خورشید به دامادی تشبیه می‌شود که از اتاق خود می‌آید یا قهرمانی که در یک مسابقه شرکت می‌کند.

سپس مزمور در نیمه راه تغییر می‌کند تا در مورد قانون خدا صحبت کند. ما در تعجب هستیم که چه ارتباطی بین قوانین خدا و آسمان وجود دارد. آیا آسمان‌ها بر اساس دستورات خدا عمل می‌کنند؟ آنها باید باشند. مانند آسمانها، قوانین خدا در نوع خود

شگفت انگیز هستند. می تواند ما را احیا کند، به ما خرد بدهد، به ما شادی بدهد، به ما نور و درک بدهد. از طلا ارزشمندتر و شیرین تر از عسل است. همه اینها به این دلیل است که ما را در مسیر درست نگه می دارد. این ما را در مسیر درست زندگی راهنمایی می کند. با توجه به اینکه قوانین خدا در کتاب مقدس وجود دارد و می تواند به ما کمک زیادی کند، چرا ما کتاب مقدس را روزانه نمی خوانیم؟

روز 33: مزمور 119: 1-24

مزمور 119 بسیاری از مردم را ناامید می کند زیرا طولانی ترین فصل کتاب مقدس است. اما پر از جزئیات در مورد قانون خدا و چگونگی استفاده از آن برای هدایت زندگی ما است. آیه 1 مقدمه خوبی است، زیرا به ما می گوید که چگونه می توانیم در مسیر درست قدم برداریم و در برابر خدا بدون تقصیر باشیم. کلام خدا می تواند راهنمای ما در زندگی باشد تا به ما در مسیر درست کمک کند. می تواند ما را از گناه دور نگه دارد. وقتی به خود قانون فکر می کنیم، می بینیم که فوق العاده است. شایسته توجه ماست.

روز 34: مزمور 119: 89-112

در این بخش از طولانی ترین فصل کتاب مقدس، به خواندن ارزش شریعت خدا ادامه می دهیم. ابدی است و هیچ محدودیتی برای کمال آن ندارد. ما می توانیم شریعت را دوست داشته باشیم و حکمت آن را بدست آوریم. در این صورت از اطرافیانمان عاقل تر خواهیم شد. قانون خدا شیرین تر از عسل است. مانند نوری است که پیش روی ما می تابد و راه درست را برای ما روشن می کند. می تواند ما را در زندگی راهنمایی کند تا با شادی به پایان سفر برسیم.

روز 35: تثنیه 5

10 فرمان بهترین نمونه در کتاب مقدس از قانون خدا هستند. آنها اساس تمدن و قانون گذاری غرب هستند. تثنیه 5 تکرار خروج 20 است که در آن 10 فرمان برای اولین بار داده شد. با این حال، خواندن تثنیه کمی بیشتر زمینه را ارائه می دهد تا به شما امکان می دهد بیشتر آنچه اتفاق افتاده را درک کنید. هنگامی که 10 فرمان داده شد، با صداهای بلند، آتش، ابر و تاریکی عمیق همراه بود. صدای دستورات به قدری عالی بود که برای ترس و اطاعت مردم طراحی شده بود. این فصل با اشاره دیگری به لزوم راه رفتن در راه درست و انحراف نکردن از آن به پایان می رسد.

روز 36: تثنیه 6

این فصل از 10 فرمان ادامه می یابد. اگر اسرائیل از فرمان ها پیروی می کرد، خدا تضمین می کرد که اوضاع برای مردم خوب پیش می رود. سپس یکی از مهم ترین آیات تعالیم یهودی را داریم، آیه 4 - "ای اسرائیل، بشنو، یهوه خدای ما، خداوند یکی است". این بسیار مهم است که یهودیان نام آن را "شما" - به معنای "شنیدن" - داده اند. فقط یک خدا وجود داشت و او باید شنیده شود. این باید به کودکان آموزش داده شود تا نسل بعدی از آن مطلع شود. دستورات باید در زندگی آنها قابل مشاهده باشد تا فراموش نشوند. آنها باید از راه خدا پیروی می کردند و از راه های جهان پیروی نمی کردند. اطاعت از شریعت خدا آنها را عادل می کند - یعنی آنها را با خدا درست می کند.

روز 37: مزمور 37

موضوع پیروی از راه درست در سراسر کتاب مقدس ادامه دارد. مزمور 37 مکان دیگری است که تفاوت بین کسانی که راه درست را دنبال می کنند و کسانی که راه اشتباه را دنبال می کنند بسیار روشن است. این مزمور برای جلوگیری از وسوسه مردم برای ترک راه درست نوشته شده است. مردم باید همچنان به او اعتماد کنند زیرا در نهایت درست خواهد شد. انجام کارهای درست منجر به صلح، برکت و آینده ای عالی خواهد شد. کسانی که از راه های شرورانه پیروی می کنند برای مدتی زندگی می کنند، اما بعد از آن از بین خواهند رفت. نویسنده پادشاه داوود است که در این مرحله پیرمردی است. او تجربیات خود را در زندگی منعکس می کند. او هرگز ندیده است که پرهیزکاران توسط خدا رها شده باشند. این کار با تشویق قوم خدا به انجام کار درست به پایان می رسد.

روز 38: مزمور 34

مزمور فصل 34 توضیح می دهد که چگونه پیروی از راه درست منجر به برکات بزرگ می شود. کسی که در راه راست قدم می گذارد "عادل" نامیده می شود. این بدان معنا نیست که او کامل است، بلکه به این معنی است که او واقعا راه درست را دنبال می کند. مانند همه مردم، آنها مشکل خواهند داشت. تفاوت بین درستکاران و شریران در این است که خدا از درستکاران مراقبت می کند و آنها از این مشکلات نجات خواهند یافت. خدا فرشته خود را می فرستد تا از قومش مراقبت کند. خدا پناهگاه خواهد بود. این یک مزمور دوست داشتنی است که می تواند به ما در مشکلاتمان آرامش بدهد.

روز 39: پیدایش 4

اکنون به یک رویداد مهم در اوایل تاریخ بشر باز می گردیم. در مورد خانواده اول، اوضاع در مورد فرزندان آدم خوب پیش نرفت. یکی از فرزندان، هابیل، از خدا پیروی کرد. فرزند دیگری، قابیل، این کار را نکرد. الگوی دو روش زندگی در مورد دو فرزند آدم اتفاق افتاد. قائلان راه خود را انتخاب کردند. این راه حسادت و قتل بود. هابیل راه خدا را برگزید. همه ما به طور غیرمستقیم فرزندان آدم هستیم. ما نیز این انتخاب را داریم که کدام راه را در زندگی دنبال کنیم. قائلان به الگویی از نفرت تبدیل می شود و آنچه برادران نباید در کتاب مقدس انجام دهند. برادران طوری طراحی شده بودند که یکدیگر را دوست داشته باشند. عشق راه خدایندانه است. اما قائلان راه ناخدایی را انتخاب کردند.

روز 40: پیدایش 6

ما پیدایش 5 را از دست داده ایم زیرا شجره نامه است. کتاب مقدس بسیاری از این موارد را دارد. اینها داده می شوند زیرا به ما کمک می کند همه چیز را در یک چشم انداز قرار دهیم. همچنین به ما می گوید که خدا همه چیز را می بیند و به خانواده ها علاقه مند است. اگرچه بازه زمانی این شجره نامه 1500 سال را در بر می گیرد، اما ما اطلاعات کمی در مورد آن داریم. این فصل ما را به خانواده نوح و وقایع زندگی او می برد. درس های زیادی وجود دارد که توسط دنیای نوح گرفته شده است. نوح با بقیه جهان متفاوت بود زیرا از راه های خدا پیروی می کرد. خود جهان به خشونت و دور از آنچه خدا می خواست فرو رفته بود. خدا با فرستادن سیل چرخه خشونت انسانی را متوقف کرد. خدا از نوح و خانواده اش استفاده کرد تا با ساختن یک کشتی دوباره با انسان شروع کنند. پوشاندن جهان با سیل مانند بازگشت به حالت اولیه در ابتدا بود که آب زمین را پوشانده بود. این یک شروع تازه بود.

روز 41: پیدایش 9

پیدایش فصل های 7 و 8 زمان و وقایع سیل را توصیف می کند. در پیدایش 9، نوح از کشتی بیرون آمده بود و قربانی های سوختنی را به عنوان هدیه شکرگزاری به خدا قربانی کرده بود. در پاسخ، خدا به نوح برکت داد. رنگین کمان نشانه این است که خدا دوباره جهان را سیل نخواهد کرد. از طریق نوح بود که خدا جهان را نجات داد و صلح را به آن آورد. نوح به الگویی از "نجات" (کلمه ای طولانی به معنای "نجات") در کتاب مقدس تبدیل می شود. خدا برای نوح و خانواده اش روشن کرد که آنها نباید مانند مردم خشن قبل از طوفان باشند. قتل مجاز نیست. جدا از دلیل واضح، دلیل دیگر این قانون این است که انسان به صورت خدا آفریده شده است و در عمل قتل تصویر خدا نابود می شود. همچنین از انسان خواسته شد که گوشتی را که خون در آن است نخورد.

خدا این قوانین و برکات را در شرایط پیمان تعیین کرد. این توافقی بین خدا و انسان است که هر دو طرف به سهم خود در توافق عمل می کنند. خدا این کار را کرد تا دنیا مانند قبل از طوفان به خشونت فرو نرود و خدا نیاز به نابودی دوباره جهان را داشته باشد. این فصل با وقایع خانواده نوح به پایان می رسد. به نظر می رسد که هام فقط برهنگی پدرش را دیده است. با این حال، وقتی به استفاده از این اصطلاح در کتاب مقدس نگاه می کنیم، برهنگی اغلب به رابطه جنسی اشاره دارد. معمولاً معنای ساده کلمات بیشتر است و ما باید کتاب مقدس را جستجو کنیم تا معنای کامل آنچه نوشته شده را درک کنیم.

روز 42: پیدایش 12

در پیدایش فصل 12 با انسان خاصی آشنا می شویم که توسط خدا انتخاب شده است. ابراهیم به آنچه خدا گفت ایمان داشت و از آنچه خدا از او خواست اطاعت کرد. در عوض، خدا به ابراهیم قول داد. ابراهیم فرزندان زیادی داشت. در زمان این قول، همسرش نازا بود. خدا وعده داد که همه ملت های روی زمین از طریق ابراهیم برکت خواهند یافت. این بدان معناست که ابراهیم برای همه مهم است. خدا همچنین قول داد که سرزمین کنعانیان را به ابراهیم و فرزندان او بدهد.

روز 43: پیدایش 15

در پیدایش فصل 15، خدا وعده های خود را به ابراهیم تکرار کرد. ابراهیم هنوز فرزندی نداشت و هنوز به عنوان یک غریبه در سرزمین کنعان زندگی می کرد. خداوند وعده خود را با مشعل و کوره ای که از بین دو نیمه حیوانات عبور می کرد، تأیید کرد. این شکل پیمان در آن روزها بود (ارمیا 34: 18-19 را ببینید). خدا به طور موثر می گفت، "اگر به قولم عمل نکنم، بگذار از وسط نصف شوم." این راهی بود برای گفتن اینکه این عهد خدا قطعی است. خدا همچنین مشکلاتی را برای فرزندان ابراهیم پیشگویی کرد. این زمانی اتفاق می افتد که فرزندان او - یا فرزندان او - همانطور که این کلمه در کتاب مقدس نیز به معنای آن است - به یک کشور خارجی بروند. این اتفاق در زمان یوسف رخ داد، زمانی که آنها به مصر رفتند، جایی که قبل از اینکه موسی آنها را بیرون ببرد، به عنوان برده به پایان رسیدند.

روز 44: 1 سموئیل 17

حالا به سراغ یک شخصیت بزرگ دیگر از کتاب مقدس می رویم - دیوید. داوود پسر جوانی بود که خدا او را انتخاب کرد زیرا قلبش درست بود. در اول سموئیل 17 نبرد معروف بین داوود و جالوت را داریم. شائول پادشاه از مبارزه با این دشمن غول پیکر می ترسید و می خواست یکی از افرادش به جای آن بجنگد. دیوید یک ناشناخته بود. پیروزی او بر جالوت او را به شهرت رساند. این یک پیروزی ایمان بود زیرا داوود به خدا اعتماد کرد که او را نجات دهد. زندگی داوود پیچیده شد زیرا پیروزی او باعث حسادت پادشاه شد. بعداً در مورد یک چرخش ناگوار از وقایع خواندیم، جایی که پادشاه داوود را شکار کرد. بسیاری از مزامیر توسط داوود در این دوره دشوار زندگی اش نوشته شده است. تنها پس از فرار به کشوری دیگر و مرگ پادشاه بود که داوود توانست برگردد و پادشاه شود.

روز 45: 1 تواریخ 17

مانند ابراهیم، داوود یک مرد استثنایی با ایمان بود. خدا مانند ابراهیم به داوود قول داد. این وعده ها بسیار غیرمعمول بود. خداوند وعده داد که فرزندان این دو نفر مهم را برکت دهد. هر دوی این وعده ها در بسیاری از جاها در بقیه کتاب مقدس ذکر شده است. اول تواریخ ۱۷ آنچه را که خدا به داوود وعده داده بود ثبت می کند. داوود فرزندی خواهد داشت که بر تخت سلطنت خود پادشاه خواهد شد. این نسل خانه ای برای خدا می سازد و تا ابد سلطنت می کند. کلمات "برای همیشه" به این معنی است که این پسر نمی تواند سلیمان باشد. او همچنین پسر خدا نامیده می شود. ما مطمئن هستیم که شما می توانید بفهمید که این فرزند چه کسی خواهد بود!

روز 46: مزمور 32

بسیاری از مزامیر توسط داوود نوشته شده است. ما اطلاعات زیادی در مورد زندگی داوود از کتاب های تاریخ سموئیل، پادشاهان و تواریخ داریم. مزامیر افکار و احساسات داوود را در مراحل مختلف زندگی اش به ما می دهد. در یک مرحله، داوود مرتکب گناه بزرگی شد، با صحنه سازی مرگ یک شوهر و سپس با گرفتن زن. این گناه مضاعف قتل و زنا چیزی بود که داوود عمیقاً از آن پشیمان شد. او به شدت به خاطر آن مجازات شد و زندگی او به یک سری مشکلات تبدیل شد. اما نگرش او به گناه و پشیمانی او چیزی است که می توانیم از آن درس بگیریم. این می تواند به ما بگوید که خدا در مورد گناه چه نظری دارد و چگونه گناهکار باید از خدا درخواست بخشش کند. اگر گناه کنیم، لازم نیست احساس کنیم که وضعیتمان ناامید کننده است. ما باید گناه خود را با خدا بپذیریم و به محبت و بخشش بزرگ خدا تکیه کنیم. خدا مایل است کسانی را که به گناه اعتراف می کنند، از دل متأسف هستند و مصمم هستند که اشتباه را تکرار نکنند، ببخشد.

روز 47: مارک 1

و عده هایی که خدا به ابراهیم و داوود داده بود، از فرزندی صحبت می کرد که همه ملت های جهان به وسیله او برکت خواهند یافت. آنها از پسری صحبت کردند که پسر خدا نیز خواهد بود. کسی که برای پادشاه شدن نیز به دنیا آمده است. این عیسی است. در سری فصل های بعدی، آغاز و پایان خدمت عیسی را معرفی خواهیم کرد. همچنین برخی از آموزه های او را معرفی می کنیم. ما انجیل مرقس را انتخاب کرده ایم تا در مورد آغاز خدمت او به ما بگوید، زیرا مختصر است، از شجره نامه های طولانی اجتناب می کند و از زبان معنوی اجتناب می کند. این انجیل به سادگی جزئیات را به ما می دهد. این به ما می گوید که چگونه به عیسی در غسل تعمید عطایای روحانی داده شد که او را قادر ساخت تا بیماران را شفا دهد. همچنین کمی در مورد پسر عموی او، یحیی تعمید دهنده به ما می گوید.

روز 48: متی 5

تعالیم عیسی به بهترین وجه در «موعظه روی کوه» دیده می شود. ما قبلاً بخشی از آن را خوانده ایم. اکنون به قسمت اول نگاه خواهیم کرد. با یک سری نعمت معروف به نام "سعادت" شروع می شود. تمرکز آموزه بر این است که ایماندار دارای نگرش و شخصیت درست باشد. عیسی همچنین در مورد شریعت موسی تعلیم می دهد و معنای واقعی قوانین را آشکار می کند. به عنوان مثال، قتل از قلبی می آید که از دیگری عصبانی است. عیسی به ما می گوید که عصبانی نشویم، بلکه با دیگران در صلح و آرامش زندگی کنیم. مثال دیگر زنا است. در اینجا مشکل واقعا شهوت است. شهوت باید کنترل شود. به این ترتیب، عیسی به منبع مشکل می رود و ایماندار را به داشتن قلب درست تشویق می کند. اگر صادق باشیم، خواهیم دید که معیارهای تعالیم عیسی سخت تر از بخش هایی از شریعت موسی است. البته، عیسی نیز آنچه را که موعظه می کرد انجام داد.

روز 49: لوقا 10:25 تا 11:13

متن لوقا 10 مثل سامری خوب را به ما می آموزد. این به ما می آموزد که چه کسی همسایه ماست. همسایه ما هر کسی بدون در نظر گرفتن ملیت است. این می آموزد که دوست داشتن همسایه به چه معناست. ما باید تمام تلاش خود را برای کمک به نیازمندان انجام دهیم. سپس با یک خانواده مهم و خواهران، مری و مارتا آشنا می شویم. ما می توانیم مانند مارتا باشیم و نگران چیزهای این زندگی باشیم. اما بهتر است مانند مریم باشیم و تصمیم بگیریم که در مورد چیزهای روحانی از عیسی یاد بگیریم.

لوقا فصل 11 به این دلیل انتخاب شده است که همه ایمانداران باید در مورد دعا یاد بگیرند و یاد بگیرند که چگونه دعا کنند. دعای خداوند نقطه شروع خوبی است. به ما می آموزد که سعی کنیم چیزها را از دیدگاه خدا ببینیم و چیزهای معقول را بخواهیم. ما باید سعی کنیم نه تنها دعای سرور را تکرار کنیم، بلکه باید از آن به عنوان الگویی برای سخنان خودمان استفاده کنیم.

روز 50: لوقا 18

لوقا 18 نیز در مورد دعا است. این در مورد نیاز به ادامه دعا و توقف نکردن دعا است. اگر دعا کردن را شروع نکرده اید، پس باید همین امروز دعا کنید. خدا نیازی به زبان فانتزی یا گفتار آموزش دیده ندارد. آنچه او می خواهد کلمات فروتنانه از قلب و کلماتی است که بر اساس آنچه از خواندن کتاب مقدس او آموخته ایم انتخاب شده اند. خدا می خواهد با ما رابطه داشته باشد. وقتی کتاب مقدس را می خوانیم، می شنویم که او با ما صحبت می کند. وقتی دعا می کنیم، خدا می شنود که ما با او صحبت می کنیم. اگر نگران این هستیم که خدا نمی خواهد دعای ما را بشنود، پس به این فکر کنید که چگونه خدا حتی می خواهد بچه های کوچک نزد او بیایند. بخش پایانی فصل شامل یک سوال حیاتی است. "چگونه می توانیم زندگی ابدی داشته باشیم؟" پاسخ مهم است و با آنچه قبلاً خوانده ایم سازگار است. ما باید فرمان های عیسی را نگه داریم. باید توجه داشته باشیم که به دست آوردن زندگی ابدی با ملکوت خدا مرتبط است. ما پادشاهی خدا را پس از خواندن وقایع پایان خدمت عیسی معرفی خواهیم کرد. عیسی در پایان فصل به این موضوع اشاره می کند. عیسی می دانست که چه اتفاقی برای او خواهد افتاد و باید با مرگی بی رحمانه بمیرد. تصور کنید!

روز 51: لوقا 23

لوقا فصل 23 با رهبران یهودیان شروع می شود که عیسی را نزد فرماندار رومی می برند تا حکم اعدام را بگیرند. یهودیان اختیار صدور حکم اعدام را نداشتند، زیرا رومیان بر آنها حکومت می کردند. اما عدالت اجرا نشد. یهودیان رومی ها را تحت فشار قرار دادند تا خواسته های آنها را برآورده کنند و یک مرد بی گناه کشته شد. یهودیان پادشاه خود را با کمک رومیان کشتند. خدا وقایع را دید. او باعث شد که تاریکی بر زمین بیاید زیرا تاریکی روحانی در حال پیروزی بود. چه فصل غم انگیزی در کتاب مقدس و در تاریخ بشر!

روز 52: لوقا 24

مرگ عیسی پایان داستان او نبود. خدا مداخله کرد و دید که عدالت برقرار شد. او عیسی را از مردگان برخیزانید. شاگردان آنقدر شگفت زده شدند که به متقاعد کردن زیادی نیاز داشتند. عیسی توضیح داد که مرگ و رستاخیز او در هر سه بخش عهد عتیق پیشگویی شده است - شریعت موسی (5 کتاب اول)، پیامبران و مزامیر (که شامل بخشی از ایوب تا غزل سلیمان است). عیسی باید توضیح می داد که چرا اینطور است. اکنون که او از مردگان برخاسته بود، پیام توبه و آمرزش گناهان باید به تمام جهان می رسید. انجیل با برکت دادن عیسی به شاگردان و رفتن به بهشت به پایان می رسد. خوشحالی شاگرد به عنوان شکر از خدا ابراز شد.

روز 53: اعمال رسولان 1

عمل رفتن عیسی به بهشت اغلب "معراج" نامیده می شود. جزئیات این رویداد در اعمال رسولان فصل 1 آمده است. این کتاب از کتاب مقدس بیشتر به عنوان "اعمال رسولان" شناخته می شود، زیرا آنچه را که رسولان پس از رفتن عیسی به آسمان انجام دادند توصیف می کند. عیسی پس از رستاخیز، به شاگردانش ظاهر شد و در مورد ملکوت خدا صحبت کرد. شاگردان این سوال واضح را از او پرسیدند - ملکوت خدا چه زمانی اتفاق می افتد؟ عیسی در پاسخ گفت که آنها نباید بدانند. در عوض، آنها باید بر شهادت دادن به پیام عیسی در سراسر جهان تمرکز کنند. این کار قرار بود از اورشلیم شروع شود. سپس عیسی در ابری از کوه زیتون به آسمان رفت، که کوهی درست در شرق اورشلیم بود و مشرف به آن بود. به ما گفته شده است که عیسی مسیح در بهشت نمی ماند بلکه به همان روش باز می گردد. در این میان، شاگردان به ملاقات و دعا با هم ادامه دادند. یهودا به عنوان یک رسول توسط ماتیاس جایگزین شد. کلمه "رسول" به معنای "فرستاده" است، زیرا رسولانی که توسط عیسی برای موعظه فرستاده شدند.

روز 54: مزمو 72

مانند مرگ و رستاخیز عیسی، ملکوت خدا در سراسر کتاب مقدس آموزش داده شده است. ما به چند متن نگاه خواهیم کرد که در آنها پادشاهی خدا در عهد عتیق آموزش داده شده است. اولین آنها مزمو 72 است. در مورد پادشاهی صحبت می کند که با عدالت سلطنت می کند. به ویژه، او تضمین می کرد که عدالت برای فقرا و نیازمندان اجرا می شود. سلطنت او زمان عدالت و صلح خواهد بود. عدالت کلمه ای طولانی است که به سادگی به معنای انجام کار درست است. پادشاه اطمینان حاصل می کرد که مردم پادشاهی او آنچه را که درست است انجام می دهند. پادشاهی او زمان فراوانی خواهد بود. سلطنت پادشاه مدت طولانی خواهد بود - به اندازه خورشید. مزمو با این واقعیت به پایان می رسد که همه ملت ها از طریق او برکت خواهند یافت. اینها سخنان وعده ای است که خدا به ابراهیم داده است. این عیسی است که تضمین خواهد کرد که وعده خدا به ابراهیم محقق شود.

روز 55: اشعیا 35

اشعیا توصیفات زیادی از ملکوت خدا دارد. اشعیا 35 یکی از آنهاست. این به ما تصویری از زمان آینده می دهد که با توصیفات ملکوت خدا در جاهای دیگر مطابقت دارد. این زمانی است که گل ها در بیابان رشد می کنند. زبان ساده نیست، اما مشخص است که چه می گوید. خوشحال شدن زمین به این معنی است که زمانی است که زمین برکت می یابد. ما می توانیم با کمی فکر معنای آن را بفهمیم. این زمانی است که معلولان شفا می یابند. زمانی است که تهدید حیوانات وحشی از بین می رود. جاده ای وجود دارد که به صهیون می رود که کلمه دیگری برای اورشلیم است. کسانی که در این راه قدم می زنند، شادی ابدی خواهند داشت و دیگر غم و اندوه نخواهند داشت. این زمان برکت بزرگ برای زمین است.

روز 56: مکاشفه 21

حالا به سراغ آخرین کتاب کتاب مقدس می رویم. در فصل های پایانی کتاب مقدس تصویری از اینکه زمین در پایان چگونه خواهد بود، به دست می آوریم. زبان نمادین است. مانند یک آسمان جدید و یک زمین جدید است. ایمانداران صالح به عنوان اورشلیم جدید نماد می شوند - یعنی تعداد زیادی از آنها در راه درست از خدا پیروی کرده اند. این شهر را "آسمانی" می نامند که به معنای خداپرستی است. آنها از نظر جسمی با خدا بر روی زمین زندگی خواهند کرد. دیگر گریه و درد وجود ندارد. حتی دیگر مرگی وجود ندارد. این اورشلیم نمادین به عنوان عروس نیز توصیف می شود. اگر عروس وجود داشته باشد، پس شوهر وجود دارد. شوهر عیسی است که به او "بره" نیز می گویند. او بره است زیرا وقتی مرد، مانند بره ای بود که به ذبح می رود. زمان برعکس زمان ابتدای کتاب مقدس است. به جای تاریکی، اکنون فقط نور وجود دارد. به جای دریا، فقط خشکی وجود دارد. ما می بینیم که خدا ما را از یک دریای طوفانی تاریک در آغاز به پادشاهی نور در پایان می برد. ما تضاد یا شباهت های زیادی بین آغاز و پایان کتاب مقدس می بینیم. این به ما اطمینان می دهد که پیام آن سازگار است.

روز پنجاه و هفتم: مکاشفه ۲۲

این آخرین فصل کتاب مقدس است. ما می توانیم شباهت های بیشتری را با آغاز کتاب مقدس ببینیم. به جای دریا، که نمی تواند زندگی خشکی را پشتیبانی کند، ما آب زندگی را داریم که باید آب شیرین باشد و بتواند حیات را پشتیبانی کند. به جای درخت زندگی در پیدایش که گم شد، درخت زندگی را داریم که پیدا شد. به جای نفرین پیدایش، یاد می گیریم که نفرین برداشته می شود. این فصل تأیید می کند که این کلمات قابل اعتماد و درست هستند. به ما اطلاع داده شده است که عیسی به زودی می آید تا این زمان را به ارمغان بیاورد. ما می توانیم با درخواست نهایی این فصل موافق باشیم - بیا، خداوند عیسی، و این زمان را بیاورید.

روز 58: متی 25

بیشتر آموزه های عیسی در مورد آمادگی برای ملکوت خدا بود. در متی 25، سه مثل به ما داده شده است که به ما می آموزد که باید برای آن آماده باشیم. مثل ده باکره به ما می آموزد که باید نور خود را بدرخشیم. این نماد زندگی بر اساس انجیل است. مثل استعدادها به ما می آموزد که وقتی زمان ملکوت فرا می رسد، نباید در ایمان خود تنبل باشیم. مثل گوسفند و بز به ما می آموزد که باید در ایمان خود فعال باشیم و به نیازمندان کمک کنیم. به ما می آموزد که دوری وجود خواهد داشت. این زمانی است که ایمانداران در مورد اینکه آیا آنها وفادار هستند یا خیر قضاوت می شوند. خدا مؤمنان جعلی را در پادشاهی خود نمی خواهد، بنابراین زمانی فرا می رسد که مؤمنان مانند گوسفند و بز طبقه بندی می شوند. فقط ایماندارانی که نور خود را می تابند، در ایمان خود فعال هستند و به نیازمندان کمک می کنند، در ملکوت خدا استقبال خواهند شد. شاید برای شما تعجب آور باشد که همه در ملکوت خدا نخواهند بود. ممکن است برای شما تعجب آور باشد که قضاوتی وجود دارد. اما این آموزه تنها نیست. در این مورد در خواندن فردا بیشتر خواهید خواند.

روز 59: متی 13: 24-52

متی فصل 13 مجموعه ای دیگر از تمثیل ها در مورد ملکوت خدا دارد. اینها به ما می آموزند که خدا به شریکان و درستکاران اجازه می دهد تا در کنار هم رشد کنند، اما پس از آن جدایی یا دوری وجود خواهد داشت. در این زمان شریکان کنار گذاشته می شوند و درستکاران به پادشاهی برده می شوند. موضوع دوری در مثل تور ماهی آمده است، جایی که ماهی های خوب نگهداری می شوند و ماهی های بد نابود می شوند. تمثیل های دانه خردل و مخمر تعلیم می دهد که ملکوت خدا از کوچک شروع می شود اما بعداً تمام زمین را پر می کند. تمثیل های گنج و مروارید بزرگ به ما می آموزند که ملکوت خدا آنقدر خوب خواهد بود که ارزش آن را دارد که تمام آنچه را که در زندگی داریم بدهیم تا آن را پیدا کنیم و وارد آن شویم.

روز 60: لوقا 13

لوقا فصل 13 حاوی سخنان عیسی در مورد پادشاهی است. این با مسئله بلایا شروع می شود و اینکه آیا شرورهای خاص در اثر فجایع نابود می شوند یا خیر. عیسی به این پاسخ می دهد و می گوید که همه ما باید مراقب باشیم. ما باید مطمئن شویم که توبه کرده ایم و به خدا روی آورده ایم در غیر این صورت مانند کسانی که در فاجعه هستند از بین خواهیم رفت.

عیسی در مورد تاختستان به ما می گوید که نمادی از ملت اسرائیل است. عیسی نمی خواست آن را نابود کند و می خواست به آن فرصت یک سال دیگر بدهد. منظور عیسی از این کار این بود که می خواست به اسرائیل فرصت بیشتری برای توبه بدهد.

پس از معجزه شفابخش دیگری، شاگردان می پرسند که چند نفر نجات خواهند یافت و وارد ملکوت خدا خواهند شد؟ عیسی در پاسخ می گوید که مثل این است که به دنبال دری کوچک بگردیم. پیدا کردن آن سخت است و بسیاری آن را پیدا نمی کنند. به ما گفته شده است که ابراهیم، اسحاق، یعقوب و پیامبران و همچنین مردم از سراسر جهان در آنجا خواهند بود. ولی بعضی از قوم خدا آنجا نخواهند بود. این واقعیت که افرادی از سراسر جهان در آنجا حضور خواهند داشت به ما امید می دهد.

آنچه در ماه دوم یاد گرفتیم و آنچه می توانیم در ماه سوم انتظار داشته باشیم

ما با خواندن در مورد قوانین خدا شروع کردیم. اینها به بزرگی آسمان ها هستند و می توانند به زندگی و برکت منجر شوند. با پیروی از قوانین خدا، می توانیم در راه درست با خدا گام برداریم. خدا تفاوت بین راه راه درستکاران و شریران را می بیند. نمونه هایی از این موارد در مورد قاتن و هابیل و خانواده نوح در مقایسه با مردم جهان دیده شد. این شرارت انسان بود که باعث شد خدا طوفان را بفرستد، همه انسانهای دیگر را نابود کند و از خاندان نوح شروع کند.

ما در مورد ایمان ابراهیم و داوود می خوانیم و اینکه چگونه خدا وعده های خاصی به آنها داد. هر دو وعده آمدن عیسی را پیشگویی میکردند. سپس در مورد آغاز، مرگ، رستاخیز، عروج و بازگشت آینده عیسی می خوانیم. ما در مورد ملکوت خدا که عیسی به ارمغان آورد یاد گرفتیم. عیسی در تمثیلهای خود درباره این زمان آینده پادشاهی آموزش داد. بسیاری از افراد راه پادشاهی خدا را پیدا نخواهند کرد. اگر می خواهیم آنجا باشیم باید با دقت به دنبال ورود به آن باشیم.

اکنون که در مورد مهم ترین نام های کتاب مقدس آشنا شدیم، به برخی از افراد مهم دیگر نگاه خواهیم کرد. ما در مورد پسران ابراهیم و موسی یاد خواهیم گرفت. ما درک بیشتری از حکمت و اطلاعات بیشتری در مورد اینکه ملکوت خدا چگونه خواهد بود اضافه خواهیم کرد. سپس با 12 شاگرد عیسی و معنای شاگرد بودن آشنا خواهیم شد.

روز 61: پیدایش 22

وعده خدا به ابراهیم به این معنی بود که ابراهیم باید پسری داشته باشد. ابراهیم تا 100 سالگی پسری نداشت که مدت ها از سن عادی بچه دار شدن گذشته بود. این بدان معناست که ابراهیم باید به وعده خدا ایمان می آورد، حتی اگر از نظر انسانی غیرممکن به نظر می رسید. این وعده به این معنی بود که خدا باید معجزه ای انجام دهد تا یک زوج پیر بتوانند پسری داشته باشند. پسر به دنیا آمد و اسحاق نامیده شد که به معنای "خنده" است. هر کسی که در مورد تولد اسحاق می شنید، می خندید!

در پیدایش 22 می خوانیم که خدا ابراهیم را با اسحاق آزمایش کرد. ابراهیم مجبور شد پسر خود را بکشد. ابراهام توانست در این آزمون قبول شود. وقتی نوبت به آن رسید، ابراهیم ایمان خود را به خدا بالاتر از عشقش به اسحاق قرار داد. و خدا مداخله کرد تا ابراهیم نیازی به کشتن پسرش نداشته باشد. این رویداد به ما یادآوری می کند که خدا چه چیزی را پشت سر گذاشت وقتی اجازه داد پسرش عیسی کشته شود. جایی که این اتفاق افتاد بعدها محل معبد خدا در اورشلیم و سپس جایی بود که پسر خدا در آن کشته شد! پیدایش فصل 22 تنها یک نمونه از بسیاری از الگوهای زندگی عیسی است که در کتاب مقدس می بینیم.

روز 62: پیدایش 26

چیز زیادی در مورد زندگی اسحاق به ما گفته نشده است. پیدایش فصل 26 چند چیز مهم را به ما می گوید. ما می فهمیم که ابراهیم از قوانین خدا پیروی کرده است، اگرچه به طور خاص نمی دانیم که آنها چه قوانینی بودند. احتمالاً بسیاری از دستورات بخشی از شریعت موسی شدند. خدا قولی را که به ابراهیم به اسحاق داده بود تکرار کرد. این بدان معناست که این وعده از طریق پسر دیگرش اسماعیل انجام نشد، بلکه فقط به اسحاق منتقل شد. ما در مورد ازدواج اسحاق و اهمیت رابطه جنسی فقط در ازدواج یاد می گیریم. در نهایت، ما با شخصیت اسحاق آشنا می شویم. او حتی زمانی که همسایگانش در تضاد بودند، در صلح زندگی می کرد. با وجود اینکه حق با او بود، با آنها نجنگید. در عوض، او عقب نشینی کرد و به خدا اعتماد کرد که از او و خانواده اش مراقبت کند. این نمونه ای از این است که چگونه به خدا اعتماد کنید و همسایه خود را دوست داشته باشید.

روز 63: پیدایش 28

اسحاق دو قلوهایی به نام های عیسو و یعقوب داشت. هر دوی این پسران با ایمان خود و با یکدیگر کشمکش داشتند. یعقوب نقطه عطفی در زندگی خود داشت که در پیدایش فصل 28 می خوانیم. او خوابی دید که در آن خدا وعده ای را که خدا به ابراهیم و اسحاق داده بود تکرار کرد. یعقوب با نذر کردن به خدا به این رویا پاسخ داد. وعده ای که به ابراهیم داده شده بود به پسرش اسحاق و نوه اش یعقوب تکرار شد. وعده به آنها و فرزندانشان بود. این بدان معنی است که اکنون در اختیار قوم اسرائیل است که از نوادگان یعقوب بودند. ابراهیم، اسحاق و یعقوب با هم به عنوان پدران قوم اسرائیل شناخته می شوند.

روز 64: پیدایش 35

یعقوب قبل از بازگشت به مدت 20 سال به کشور ارام (سوریه امروزی) رفت. یعقوب به سوگندی که یعقوب داده بود، وفادار بود. خدا نیز به عهد وفادار بوده و از او مراقبت کرده بود. خدا یعقوب را با همسران، صیغه ها، فرزندان، گله ها و گله ها برکت داده بود. یعقوب به همان جایی بازگشت که در آن نذر اصلی خود را به خدا بست. خدا دوباره در این مکان به یعقوب ظاهر شد. خدا وعده خود را به یعقوب تکرار کرد و نام یعقوب را از یعقوب به اسرائیل تغییر داد. نام دوازده پسر یعقوب به ما گفته می شود. هنگامی که هر یک از خانواده های آنها به گروه های بزرگتر تبدیل شدند، به عنوان دوازده قبیله اسرائیل شناخته شدند. این دوازده قبیله جدا نگه داشته شدند و به آنها قلمروهای مجزا در سرزمین اسرائیل داده شد.

روز 65: پیدایش 45

یکی از پسران یعقوب از بقیه مهمتر شد. این یوسف بود. یوسف پسر مورد علاقه یعقوب بود که منجر به حسادت دیگران شد. در بخش غم انگیزی از تاریخ خانواده، یوسف توسط برادرانش به عنوان برده فروخته شد و به مصر برده شد. برادران و پدرش تصور می کردند که یوسف مرده است، البته به دلایل مختلف. داستان یوسف فصل های زیادی را در پایان پیدایش اشغال می کند. خدا با یوسف بود، به طوری که یوسف پس از فرعون به دومین مرد مهم مصر تبدیل شده بود. هنگامی که قطعی شدیدی رخ می داد، یوسف کسی بود که خدا از او برای اطمینان از در دسترس بودن غذا استفاده می کرد. پیدایش 45 دیدار احساسی برادرانی است که برای خرید غذا نزد یوسف آمده بودند. آخرین باری که او را دیده بودند، یوسف مرد جوانی بود که او را به عنوان برده فروختند. یوسف که شبیه یک مصری بود، هویت خود را برای برادران شوکه شده فاش کرد. یوسف مرد خوبی بود و برادرانش را می بخشید. او حتی برای آنها غذا تهیه کرد. در زمان مناسب، خانواده یعقوب برای زندگی در مصر آمدند، جایی که از یک خانواده 70 نفره به یک ملت تبدیل شدند.

روز 66: خروج 3

ما چیزی از زمان اسرائیل در مصر، از زمان بین یوسف و شخص مهم بعدی، موسی، نمی دانیم. پس از سالها اقامت در مصر، تعداد آنها افزایش یافت و آنها به یک ملت تبدیل شدند. مصر می ترسید که بنی اسرائیل برای آنها بیش از حد قدرتمند شوند، بنابراین آنها را به برده تبدیل کردند. آنها زندگی این بردگان را تلخ کردند. خدا با صحبت با موسی و فرستادن او به اسرائیل مداخله کرد. خروج 3 از این رویارویی در آنچه به عنوان "بوته سوزان" شناخته می شود، به ما می گوید. خدا خود را به موسی به عنوان خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب معرفی کرد. او به موسی می گوید که او را می فرستد تا فرزندان آنها را از بردگی نجات دهد و آنها را به سرزمینی که به ابراهیم، اسحاق و یعقوب وعده داده شده بود، ببرد.

روز 67: خروج 4

موسی از خدا پرسید که چرا فرزندان یعقوب باید او را باور کنند؟ در پاسخ، خداوند به موسی این توانایی را می دهد که سه نشانه معجزه آسا انجام دهد. عصای او می تواند به مار و سپس دوباره عصا تبدیل شود. دستش می توانست جدام شود و دوباره برگردد. او توانست آب رودخانه نیل را به خون تبدیل کند. این همان چیزی است که وقتی او با اسرائیلی ها ملاقات کرد اتفاق افتاد و آنها او را باور کردند. در موارد نادر، خداوند به مردم توانایی معجزه کردن را می دهد. شناخته شده ترین نمونه آن عیسی و شاگردانش هستند.

موسی هنوز برای انجام وظیفه خدا اعتماد به نفس نداشت. او شکایت کرد که در صحبت کردن خوب نیست. خدا برادرش هارون را به او داد تا به او کمک کند. در حالی که موسی در حال بازگشت به مصر بود، خدا موسی را تهدید کرد که موسی را خواهد کشت زیرا موسی پسرش را ختنه نکرده بود. ختنه بخشی از وعده خدا به ابراهیم بود و مستلزم ختنه شدن همه فرزندان پسر بود. این فصل به ما می آموزد که کسانی که خدا انتخاب می کنند باید از دستورات اطاعت کنند. اگر موسی قوم اسرائیل را رهبری می کرد و خودش به دستورات عمل نمی کرد، مشکل ساز بود. این داستان همچنین به ما می آموزد که خدا بزرگترین مردم را از دیدگاه انسانی برای رهبری قوم خود انتخاب نمی کند.

روز 68: خروج 24

داستان اینکه چگونه موسی قوم را از اسرائیل خارج کرد در فصل های اولیه و میانی خروج پوشش داده شده است. موسی آنها را به کوهی به نام کوه سینا هدایت کرد و در آنجا 10 فرمان و 70 قانون دیگر را دریافت کرد. موسی این قوانین را برای رهبران مردم توضیح داد و آنها توافق کردند که آنها را حفظ کنند. خروج فصل 24 آن توافق بین مردم و خدا را توصیف می کند که به عهد موسی یا عهد موسی معروف شد. مانند وصیت نامه، این عهدی بود که با مرگ مهر و موم شده بود. مرگ گاو نر بود و خونش بر مردم پاشیده شد. عهد این بود که اسرائیل خدا را پرستش کند و دستورات او را نگه دارد. از طرف خدا، عهد این بود که خدا از اسرائیل به عنوان قوم خاص خود مراقبت کند. هنگامی که پیمان بسته شد، یک رویداد بسیار نادر اتفاق افتاد. خدا اجازه داد که خودش دیده شود. دقیقاً چقدر دیده شد و چه چیزی دیده شد ما نمی دانیم. ممکن است فرشته ای باشد که خدا را نمایندگی می کند. پس از آن، موسی برای 40 شبانه روز دیگر به کوه فراخوانده شد. هنگامی که مردم به کوه نگاه کردند، مانند آتشی سوزان به نظر می رسید که موسی در آن وارد شد.

روز 69: تثبیه 9 تا 10:11

تثبیه 9 و 10 خلاصه ای از آنچه در کوه سینا اتفاق افتاد را به ما ارائه می دهد. همه چیز خوب پیش نرفت. در حالی که موسی 40 شبانه روز در کوه بود، اسرائیل بی تاب شد، بت گوساله ای از طلا ساخت و شروع به پرستش آن کرد. چنین نافرمانی در زمانی که اسرائیل در بیابان بودند به یکی از ویژگی های اسرائیل تبدیل شد. در کوه سینا، موسی از خدا خواست که مردم را ببخشد. در نتیجه، خدا به موسی دو لوح سنگی داد که 10 فرمان روی آنها نوشته شده بود. اینها در یک صندوقچه چوبی به نام کشتی قرار می گرفتند. 10 فرمان به عنوان "شهادت" یا شرایط عهد خدا با اسرائیل شناخته شد. هنگامی که اسرائیل سفر کرد، آنها با کشتی سفر کردند. همچنین به عنوان "صندوق عهد" شناخته می شد. این گواه عهد اولیه بین خدا و اسرائیل بود.

روز 70: عبرانیان ۱۱

اکنون که با شخصیت های اصلی عهد عتیق آشنا شدیم، می توانیم فصل معروف ایمان را بخوانیم. ایمان اعتماد به واقعیت چیزهایی است که نمی توانیم ببینیم. عبرانیان فصل 11 به ما می گوید که اگر ایمان نداشته باشیم نمی توانیم خدا را خشنود کنیم. وقتی به زندگی شخصیت های کتاب مقدس نگاه می کنیم، متوجه می شویم که همه آنها ایمان داشتند. آنها با ایمان زندگی می کردند. آنها برای ایمانشان رنج کشیدند و با ایمان مردند. آنها آنچه را که به آنها وعده داده شده بود دریافت نکردند. ابراهیم، اسحاق و یعقوب همگی بدون دریافت وعده مردند. آنها همچنان این وعده ها را دریافت خواهند کرد زیرا خدا دروغ نمی گوید. آنها وعده ها را همزمان دریافت خواهند کرد که سایر مؤمنان برای ایمانشان پاداش خواهند گرفت. این هنوز در زمان آینده است.

روز 71: جیمز 2

ما می توانیم در مورد ایمان در نیمه دوم یعقوب 2 بخوانیم. تنها ایمانی که خدا برای آن ارزش قائل است، ایمان فعال است. ایمان با کلمات نشان داده نمی شود که ما با یک سیستم مذهبی موافق هستیم. ایمان تنها در صورتی ایمان است که زنده باشد. ایمان باید در عمل عمل کرد و دیده شود. یعقوب دو مثال می زند - ابراهیم و راحاب که هر دو در عبرانیان فصل 11 ذکر شده اند. در هر دو مورد، ایمان آنها عمل می شود. در غیر این صورت، اگر ایمان عمل نشود، ایمان مرده است.

جیمز یک نامه عملی است. بخش اول یعقوب 2 به ما در مورد طرفداری می آموزد. ما نباید ثروتمندان را بر فقرا ترجیح دهیم. خدا فقرای جهان را که ایمان دارند برگزیده است تا در ملکوت او باشند. ما به خاطر اعمالمان مورد قضاوت قرار خواهیم

گرفت، بنابراین باید مطمئن شویم که تعصب نداریم. وقتی دیگران را قضاوت می‌کنیم، باید مهربان باشیم. اگر ما مهربان باشیم، پس خدا بر ما رحم خواهد کرد. رحمت بر داوری پیروز می‌شود! چه بیانیه بزرگی است!

روز 72: عبرانیان 12

مروری بر شخصیت های ایمان در عبرانیان فصل 11 با درخواست از ما برای داشتن زندگی وفادارانه دنبال می‌شود. ما باید از حواس پرتی های این زندگی دوری کنیم و چشمان خود را به عیسی دوخته باشیم. سپس ما قادر خواهیم بود مسابقه زندگی را به روش درست اجرا کنیم. خود عیسی از لذت دنیوی دست کشید تا بتواند از پاداش آینده بهره مند شود. همانطور که با ایمان زندگی می‌کنیم، با کشمکش‌ها روبرو خواهیم شد. ما باید اینها را بپذیریم که گویی خدا مانند فرزندان ما را تنبیه می‌کند. همانطور که یک پدر فرزندان خود را از طریق تنبیه راهنمایی می‌کند تا مانند او بزرگ شوند، خدا نیز ما را تنبیه می‌کند تا بتوانیم مانند خدا باشیم. خدا این کار را برای منفعت دراز مدت ما انجام می‌دهد تا ما مقدس شویم. امید ما امیدی بهتر از آن چیزی است که اسرائیل در کوه سینا دید. با این حال، ما باید از خدا بترسیم تا بتوانیم در ملکوت او باشیم.

روز 73: امثال 4

عبرانیان فصل 12 به ما گفت که خدا با ما مانند پسران رفتار می‌کند. امثال همچنین با ما مانند پسران رفتار می‌کند و به ما توصیه می‌کند که چگونه در راه درست راه برویم. این به ما می‌گوید که بیش از هر چیز در راه های خدا عاقل شویم. خرد ما را با آرامش و فیض و سلامتی و زندگی برکت خواهد داد. با خرد می‌توانیم بدون افتادن بدویم. با خرد می‌توانیم از دام های خارج شدن از مسیر درست جلوگیری کنیم. ما باید این خرد را در قلب خود قرار دهیم. ما باید از قلب خود محافظت کنیم زیرا این همان چیزی است که هستیم. اگر قلب ما خوب است، پس ما خوب هستیم. اگر قلب ما بد است، پس ما بد هستیم. ما باید از قلب خود بالاتر از هر چیز محافظت کنیم.

روز 74: امثال 10

در امثال توصیه های زیادی در مورد چگونگی عاقل بودن وجود دارد. امثال 10 بخش طولانی کتاب را با بسیاری از توصیه های فردی شروع می‌کند. بهتر است آیات را یکی یکی بخوانید و مکتب کنید و قبل از رفتن به آیه بعدی به آنچه گفته شده فکر کنید. توجه داشته باشید که در این فصل 15 بار از کلمه "درستکار" استفاده شده است. پرهیزکاران کسانی هستند که نزد خدا به درستکاری زندگی می‌کنند و کارهای درست را انجام می‌دهند. مخالف عادلان شریکان است و برعکس برای خردمندان احق هستند. ما می‌توانیم از راه درست یاد بگیریم و می‌توانیم از راه اشتباه یاد بگیریم. ما باید راه درست را دنبال کنیم و از راه اشتباه دوری کنیم. پیروی از راه درست زندگی و برکت به ارمان می‌آورد.

روز 75: امثال 11

امثال 11 تقریباً به اندازه فصل قبل از کلمه "عادل" استفاده می‌کند. هر دو فصل به شما درک درستی از برخی از توصیه های این کتاب مهم می‌دهد. ما باید سعی کنیم این توصیه را در قلب خود قرار دهیم تا بتواند قدم های ما را هدایت کند. ما باید کل امثال را بخوانیم تا کاملاً عاقل شویم. در حالی که خواندن امثال بسیار خوب است، ما باید به بخش های مهم دیگر کتاب مقدس برویم تا به جای یک کتاب، کل کتاب مقدس را درک کنیم.

روز 76: غلاطیان 5: 16-6: 10

ما می‌توانیم حکمت خدا را از تمام قسمت های کتاب مقدس بگیریم. در این متن از غلاطیان، تفاوت بین راه درست و راه غلط را می‌بینیم. راه اشتباه را «اعمال طبیعت گناه آلود» یا «کارهای جسمانی» می‌نامند. در اینجا "گوشه" اصطلاحی است که به معنای چیزهای منفی طبیعت انسان است. لیستی از این چیزهای منفی ارائه شده است. اینها در تضاد با فهرستی از چیزهای مثبت است که توسط کسی که به روشی خدایسندانه یا درست فکر می‌کند، به دست می‌آید. در این متن چیزهای مثبت «ثمرات روح» نامیده می‌شوند. آنها مانند میوه ها، چیزهای خوبی هستند که خدا به دنبال تولید آنها است. اگر ما مانند یک درخت هستیم، پس باید درختی مثمر باشیم که میوه های خوبی تولید می‌کند نه درختی که میوه های بد تولید می‌کند. درست همانطور

که عیسی از رفتارهای منفی اجتناب کرد و رفتارهای مثبت را دنبال کرد، ما نیز باید این کار را انجام دهیم. اگر با کسی روبرو شویم که نتواند به روش درست زندگی کند، باید به او کمک کنیم تا به راه درست بازگردد. این بدان معنا نیست که ما می توانیم آنچه را که دوست داریم انجام دهیم. همانطور که نامه می گوید، آنچه را که می کاریم درو خواهیم کرد. اگر رفتارهای منفی بکاریم، ویرانی را درو خواهیم کرد. اگر رفتارهای مثبت بکاریم، زندگی ابدی را درو خواهیم کرد.

روز 77: متی 13: 1-23

مثل بذر احتمالاً مهمترین مثلی است که عیسی تعلیم داد. مانند بسیاری از مثل ها، در مورد پادشاهی بود. پیام ملکوت مانند بذری است که در جاهای مختلف می افتد. بذر تنها در صورتی رشد می کند که روی زمین مناسب بیفتد. رشد بذر مانند واکنش قلب انسان به پیام ملکوت است. کسانی هستند که پیام حتی شروع به رشد نمی کند. اینها مانند دانه ای هستند که توسط پرندگان خورده می شود. کسانی هستند که انجیل را به خوبی دریافت می کنند اما وقتی مشکل یا آزار و اذیت پیش می آید نظر خود را تغییر می دهند. این مانند فرود بذر روی زمین صخره ای است. دانه هایی وجود دارد که در میان خارها فرود می آیند. آنها بزرگ می شوند اما سپس برای رشد خوب تلاش می کنند. اینها مانند کسانی هستند که کلام را می شنوند اما از نگرانی ها و ثروت آشفته می شوند. سپس دانه ای وجود دارد که رشد می کند و رشد می کند و میوه می دهد. اینها کسانی هستند که در ملکوت خدا خواهند بود. این مثل پیام ضمنی را برای همه ما حمل می کند - چگونه به پیام ملکوت پاسخ خواهیم داد؟

روز 78: اشعیا 11

اکنون چندین متن را اضافه می کنیم که در مورد پادشاهی صحبت می کنند. ما قبلاً برخی از این کارها را در پایان ماه گذشته انجام دادیم. بسیاری از واضح ترین تصاویر پادشاهی از اشعیا نبی است. زبان نیاز به کمی توضیح دارد. با صحبت در مورد جسی که پدر پادشاه داوود بود شروع می شود. شجره نامه پادشاهان داوود با مرگ آخرین پادشاه اسرائیل بریده شد. اما یک پادشاه جدید، یک شاخه جدید، رشد خواهد کرد. این عیسی است. اشعیا می گوید که او با هدایای روحی خدا که عیسی بود برکت خواهد یافت. عیسی با عدالت و عدالت خواهد آمد. در میان حیوانات آرامش برقرار خواهد شد و زمین پر از شناخت خدا خواهد بود. در زمان او، اسرائیل توسط همسایگان متخاصم سرکوب خواهد شد. این همسایه ها مفید خواهند بود!

روز 79: اشعیا 32

اشعیا فصل 32 سلطنت آینده یک پادشاه را توصیف می کند. عدالت و عدالت وجود خواهد داشت. شریکان از راه خود فرار نخواهند کرد، بلکه به عنوان شریر آشکار خواهند شد. احمق به عنوان یک احمق آشکار خواهد شد. نجیب به عنوان نجیب افشا خواهد شد. شفای معلولان وجود خواهد داشت. این فصل از صحبت در مورد آینده به مشکلات زمان حال فاصله دارد، اما سپس به برکت آینده باز می گردد. این اعطای روح خدا است که منجر به برکات زمان آینده می شود. حاصلخیزی محصولات زراعی و دام وجود خواهد داشت. عدالت و عدالت وجود خواهد داشت که منجر به صلح می شود. این پادشاهی آینده توسط انسان نمی تواند ساخته شود. اما زمانی فرا می رسد که خدا مداخله می کند و جهان را به چیزی بهتر تبدیل می کند. این ملکوت خداست.

روز 80: اشعیا 60

اشعیا 60 همچنین به ما از آینده ای می گوید که برای قوم خدا با شکوه است. مرکز آن شهر اورشلیم است که "صهیون" نیز نامیده می شود. ملت ها عزت و ثروت را برای این شهر به ارمغان خواهند آورد و به قوم خدا در سفر به شهر کمک خواهند کرد. ملت ها به خدا خدمت خواهند کرد. اگر ملت ها این کار را نکنند، مجازات خواهند شد. صهیون عصر طلایی صلح و رفاه را تجربه خواهد کرد. در زبان مجازی، دیوارها را "رستگاری" و دروازه ها را "ستایش" می نامند. شرایطی که قبلاً دیده نشده است تجربه خواهد شد. خداوند نور شهر را فراهم خواهد کرد. دیگر غم و اندوهی وجود نخواهد داشت. درستکاران تا ابد زنده خواهند ماند، به این معنی که به آنها حیات جاودان داده شده است. مردم مانند گیاهانی توصیف می شوند که بارور هستند.

روز 81: اشعیا 2: 5-1 و 65: 17-25

اشعیا 2 دوباره از پادشاهی مستقر در اورشلیم به ما می گوید. بر روی کوهی است که کوه صهیون است. قانون خدا در شهر آموزش داده خواهد شد. خداوند در میان ملت ها قضاوت خواهد کرد و تضمین خواهد کرد که صلح وجود دارد. این منجر به زمانی خواهد شد که نه تنها جنگی وجود ندارد، بلکه حتی سلاح یا ارتش نیز وجود ندارد. اکنون زمان آتش بس بین ارتش ها نیست. زمان صلح کامل است. این زمان آنقدر با کشورهای امروز جهان متفاوت است که مانند شروعی تازه است، دوره ای متفاوت. اشعیا 65 آن را به عنوان آسمان و زمین جدید توصیف می کند. آسمان ها و زمین فیزیکی هنوز وجود دارند زیرا از اورشلیم و خانه ها و درختان صحبت می کند. آنچه جدید است نظم جدید است، جایی که مردم (در جاهای دیگر آسمان و زمین نامیده می شوند) جدید و متفاوت هستند. بخشی از این تفاوت در آرامش، اشتغال، عمر طولانی و صلح با خدا دیده می شود که از آن لذت می برند. قبلا هرگز چنین چیزی دیده نشده است. تعالیم اشعیا و سایر متون به ما در مورد دوره آینده می آموزد که در آن صلح واقعی بر روی زمین و حسن نیت در میان انسان ها وجود دارد. این ملکوت خداست.

روز 82: مرقس 3: 19-1 و 6: 1-12

عیسی کسی است که پادشاه ملکوت خدا خواهد بود. او در مورد پادشاهی در مثلهاش تعلیم داد. مردم به روش های مختلف به این پیام پاسخ دادند، همانطور که در مثل بذر می خوانیم. مرقس 3 واکنش های شدید را به ما می دهد. بعضی ها خیلی بد پاسخ دادند و خواستند عیسی را بکشند! دیگران با تمایل به پیروی از عیسی پاسخ دادند. از میان کسانی که به خوبی پاسخ دادند، عیسی دوازده نفر را به عنوان رسولان ویژه خود انتخاب کرد. کلمه "رسول" به معنای "فرستاده" است. عیسی باید این افراد را برای موعظه ملکوت خدا می فرستاد. او به آنها اختیار داد تا مردم را نیز شفا دهند، که گواه حقیقت پیام آنها بود. نام دوازده رسول در این متن آمده است. پطرس، یوحنا و یعقوب شناخته شده ترین رسولان شدند و برخی از نامه های عهد جدید را نوشتند. در مرقس 6، عیسی آنها را فرستاد تا موعظه کنند و به روشی که عیسی شفا داد، شفا دهند. با استفاده از حواریون، پیام پادشاهی توانست به افراد بسیار بیشتری برسد.

روز 83: متی 10

متی 10 حاوی اطلاعات بیشتری در مورد اعزام دوازده رسول است. اصول مربوط به موعظه پیام ملکوت و شفا را ارائه می دهد. جنبه های خوب و بد این کار وجود داشت. خوب این بود که آنها حتی می توانستند بیماری های روانی را شفا دهند و مردگان را زنده کنند. بد این بود که آنها واکنش بدی از سوی افراد در قدرت دریافت می کردند. قرار بود همان واکنشهای افراطی وجود داشته باشد که خود عیسی دریافت کرد. این شامل واکنش خانواده های خود آنها نیز می شد. عیسی به آنها گفت که اکنون نباید انتظار صلح بر روی زمین را داشت. به آنها در مورد نحوه رسیدگی به این موضوع توصیه شد. آنها باید مانند مارها عاقل بودند اما مانند کبوترها بی ضرر بودند. آنها قرار نبود بجنگند. آنها باید به شهادت دادن برای پیام ادامه دهند و صلیب خود را حمل کنند تا خدا آنها را به عنوان شاگردان واقعی تأیید کند. شاگردان واقعی برای خدا مهم هستند، بنابراین می توانند در این مورد آرامش داشته باشند. کسانی که از آنها استقبال می کنند نیز از عیسی استقبال می کنند. آنها پاداشی دریافت خواهند کرد.

روز 84: یوحنا 13: 1-17

چالش های شاگرد بودن عیسی با نزدیک شدن به پایان خدمت عیسی روشن تر شد. حتی دو نفر از شاگردان تقلا کردند. عیسی پیشگویی کرد که یهودا به او خیانت خواهد کرد. عیسی همچنین پیشگویی کرد که پطرس حتی دوست او بودن را انکار خواهد کرد. این فصل باعث می شود که به این فکر کنیم که شاگرد عیسی بودن برای ما چه معنایی دارد. عیسی مسیح گفت که اگر همدیگر را دوست داشته باشیم، همه انسان ها خواهند دانست که ما شاگردان عیسی هستیم. عیسی نشان داد که دوست داشتن دیگری به چه معناست. او پاهای شاگرد را شست. برخلاف امروز که ما کفش می پوشیم و پاهایمان معمولاً تمیز است، در آن روزها صندل می پوشیدند و پاهایشان همیشه کثیف بود. عیسی با شستن پاهای یهودا نمونه ای بود که چگونه حتی بزرگترین آنها نیز باید خدمتگزار کمترین ها باشد.

روز 85: یوحنا 15

یوحنا فصل 15 در شام آخر اتفاق می افتد که آخرین وعده غذایی عیسی با شاگردانش بود. برخی از آخرین پیام هایی را دارد که عیسی به شاگردانش آموزش داد. عیسی خود را تاک می نامد. او شاگردانش را شاخه توصیف می کند. این بدان معناست که شاگردان و عیسی متحد هستند، درست مانند تاک فقط یک تاک. ما فقط می توانیم خدا، باغبان، را با متحد ماندن و همکاری با هم در این تاک خشنود کنیم. ما این کار را با دوست داشتن یکدیگر انجام می دهیم. عیسی بزرگترین عشقی را که کسی می توانست با مردن برای دیگران نشان داد. ما دوستان عیسی هستیم اگر به دستورات او عمل کنیم و ثمرات روحانی به بار آوریم. اگر میوه (یعنی انگور) تولید نکنیم، بخشی از تاک بودن فایده ای ندارد. عیسی هشدار می دهد که شاگردی شامل پذیرش این است که دیگران شما را دوست نخواهند داشت. وقتی شاگردان در مورد عیسی به دیگران آموزش می دهند، به این معنی است که آنها واکنش مشابهی دریافت خواهند کرد که خود عیسی دریافت کرد. برای کمک به آنها، هدایای روحی خدا به آنها داده می شد.

روز 86: جیمز 1

یعقوب به نام عیسی برای شاگردانی که در سراسر کشورها پراکنده شده اند می نویسد. او به مسیحیان یهودی نامه نوشت زیرا به دوازده قبیله نامه می نوشت. آنها پراکنده شده اند، به این معنی که آنها پناهنده شده اند. آنها در روند پراکندگی رنج خواهند برد. یعقوب به آنها نامه می نویسد تا در مورد مشکلاتشان مثبت فکر کنند. رنج کشیدن برای ایمان باعث ایجاد استقامت می شود که برای تبدیل شدن به یک مسیحی بالغ ضروری است. کسی که در آزمایش ها استقامت می کند، وعده زندگی ابدی را که وعده داده شده است، دریافت خواهد کرد. کسانی که از وسوسه رنج می برند باید بدانند که وسوسه ها از درون فرد می آیند و نه از بیرون. ما باید اینها را تحت کنترل داشته باشیم و فراموش نکنیم که مسیحی بودن به چه معناست. ما به ویژه باید آنچه را که می گوئیم کنترل کنیم. پیام نهایی بخشی از معنای مسیحی بودن است - ما نباید مانند مردم جهان باشیم و باید از نیازمندان مانند یتیمان و بیوه ها مراقبت کنیم.

روز هشتاد و هفتم: اعمال رسولان ۲

نام کامل کتاب اعمال رسولان «اعمال رسولان» است. این کتاب آنچه را که رسولان پس از رفتن عیسی به آسمان انجام دادند توصیف می کند. از آنجایی که آنها "مسیحیان" جدیدی بودند، می توانیم با نگاه کردن به نمونه آنها یاد بگیریم که اولین مسیحیان چه کردند. اعمال رسولان 2 توضیح می دهد که چگونه رسولان و شاگردان اولیه روح را از خدا دریافت کردند. این کمک از سوی خدا به آنها این توانایی را داد که کلام خدا را آموزش دهند و همچنین توانایی صحبت کردن به زبان های دیگر را داشته باشند. هنگامی که یهودیان کشورهای دیگر پیام پطرس را شنیدند، سخنان او را به زبان تولد خود شنیدند. آنها که از این موضوع شگفت زده شده بودند، به آنچه پیتر می گفت گوش دادند. پطرس در مورد مرگ و رستاخیز عیسی صحبت کرد و اینکه چگونه عیسی تحقق وعده ای بود که خدا به داوود داده بود. او همچنین به مردم گفت که چه کاری باید انجام دهند. آنها نیاز داشتند که توبه کنند و برای آمرزش گناهان تعمید بگیرند. این منجر به تعمید 3000 نفر شد. بعد به ما گفته می شود که شاگردان عیسی چه کاری انجام دادند - آنها تعالیم رسولان را حفظ کردند، در مشارکت به هم پیوستند، نان می شکستند و با هم دعا می کردند. آنها همه چیز را به اشتراک گذاشتند.

روز هشتاد و هشتم: اعمال رسولان ۳

اعمال رسولان 3 ویژگی دیگری از هدیه روحی دارد که به شاگردان داده شده است - شفا. پطرس مرد لنگی را که در ورودی معبد می نشست شفا داد. او باید به خوبی شناخته شده باشد. وقتی او شفا یافت، آنچه اتفاق افتاد شاهد بزرگی برای نام عیسی بود. سپس هدف از هدیه شفا را می بینیم - به عنوان شاهدی بر آموزه ای که داده شد. البته مردم می خواستند بدانند چه اتفاقی افتاده است. آنها با دقت گوش دادند که پطرس درباره عیسی توضیح می داد. او در توضیحات خود به تعالیم موسی، پیامبران و وعده به ابراهیم اشاره کرد. همه در مورد آمدن عیسی آموزش دادند.

روز 89: اعمال رسولان 4

شفای مرد لنگ چنان چشمگیر بود که حاکمان یهودی از آن آگاه بودند. آنها واکنش بدی نشان دادند و پطرس و یوحنا را دستگیر کردند. همانطور که عیسی قبلا به آنها گفته بود - برخی از مردم به نام عیسی و برخی دیگر بد پاسخ می دهند. پطرس به رهبران یهودی گفت که تنها به نام عیسی است که مردم می توانند نجات پیدا کنند. در پاسخ، حاکمان شاگردان را از صحبت کردن به نام عیسی منع کردند. پطرس پاسخ داد که آنها باید از خدا اطاعت کنند تا از انسان. این کاری است که یک شاگرد باید انجام دهد وقتی بین راه های انسان و راه های خدا تضاد وجود دارد. خدا باید اول بیاید. پس از آزادی، شاگردان در دعا خدا را شکر کردند. شاگردان به انجام کاری که در اعمال رسولان ۲ انجام داده بودند ادامه دادند - همه چیز را با هم شریک کردند و دعا کردند. در واقع، آنها به معیاری برای اشتراک گذاری رسیدند که شاگردان باید از آن پیروی کنند. شاگردان باید با دیگران متحد شوند و دارایی خود را متعلق به خود ندانند. مسیحیان اولیه هیچ فرد نیازمندی در جامعه خود نداشتند زیرا آنها چیزهای زیادی را به اشتراک می گذاشتند. این بدان معناست که همه آنها غذا و لباس داشتند.

روز 90: لوقا 14

ما این ماه را با فصل دیگری در مورد شاگردی به پایان می رسانیم. اولین حادثه در خانه یک فریسی است و نیاز به فروتنی و مراقبت از نیازمندان را آموزش می دهد. هر دو موضوع موضوعاتی در سراسر کتاب مقدس هستند که ایمانداران باید از آنها پیروی کنند. سپس ما مثل ضیافت بزرگ را داریم. ملکوت خدا مانند ضیافتی است که همه به آن دعوت می شوند. وقتی مردم از پذیرش دعوت امتناع می کنند، باید به دیگران آموزش داده شود. کسانی که به پیام انجیل گوش نمی دهند، دعوت برای ورود به ملکوت خدا را رد می کنند. بخش پایانی این فصل به ما می آموزد که شاگرد شدن هزینه دارد. این شامل برخی از سختی ها خواهد بود. برخی از اعضای خانواده ما حتی ممکن است مانع از تبدیل شدن ما شوند. برای شاگرد شدن هر سختی که باشد، پس باید با آن سختی روبرو شد. یک شاگرد شاگرد عیسی است اگر صلیب خود را بردارد و آن را حمل کند.

آنچه در ماه سوم یاد گرفتیم و آنچه می توانیم در ماه چهارم انتظار داشته باشیم

در طول ماه گذشته ما به خانواده ابراهیم نگاه کردیم، از طریق اسحاق، یعقوب و سپس دوازده پسرش از جمله یوسف. ما در مورد موسی و عهد خدا با قوم اسرائیل در آن زمان آموختیم. با این دانش، ما عبرانیان 11 را می خوانیم و با استفاده از نمونه هایی در زندگی آنها در مورد ایمان یاد گرفتیم. این آنچه را که ما آموخته ایم تأیید کرد - که عهد جدید بر اساس عهد عتیق است. ما بیشتر در مورد راه صالحان از امثال آموختیم، و سپس بیشتر در مورد ملکوت خدا. عادلان به ملکوت خدا وارد خواهند شد. برای انجام این کار، ما باید شاگرد عیسی شویم. ما شروع به یادگیری در مورد شاگردی کردیم و با دوازده شاگرد شروع کردیم.

در ماه چهارم با برخی دیگر از شخصیت های مهم کتاب مقدس، به ویژه سلیمان پادشاه، یحیی تعمید دهنده و پولس رسول آشنا خواهیم شد. ما درک بیشتری از حکمت خدا اضافه خواهیم کرد. ما بر نقش ها و مسئولیت های مسیحی در ازدواج، کار و شهروندان یک کشور تمرکز خواهیم کرد. ما در مورد تعمید و بخشش بیشتر خواهیم آموخت. ما خواهیم آموخت که چگونه انجیل از پیامی که فقط برای یهودیان بود به پیامی تبدیل شد که به غیر یهودیان نیز رسید که به عنوان غیر یهودیان نیز شناخته می شوند.

روز 91: 1 پادشاهان 3

ما ماه چهارم را با یادگیری در مورد پادشاه بزرگ سلیمان آغاز می کنیم. سلیمان پسر داوود پادشاه بود. او احتمالا ثروتمندترین مرد جهان در زمان خود بود و سلطنت خود را با تبدیل شدن به خردمندترین مرد آغاز کرد. اول پادشاهان 3 به ما می گوید که چگونه این اتفاق افتاد. این نمونه ای از خرد او را ارائه می دهد. سلیمان نویسنده امثال، جامعه، غزل غزل سلیمان و مزمور 72 شد. پیشنهاد خدا به سلیمان یک پیشنهاد منحصر به فرد بود. خدا مایل بود که سلیمان را به یک آرزو برساند. چند نفر از ما آنچه را که سلیمان انتخاب کرد انتخاب می کردیم؟ سلیمان در نوشته های خود ما را تشویق می کند که حکمت را از کلام خدا انتخاب کنیم.

روز 92: امثال 1

ما امثال 2 تا 4 را خوانده ایم و در مورد نوع نصیحت در کتاب امثال آموخته ایم. حالا به فصل اول برمی گردیم که در واقع مقدمه ای بر خرد است. به ما می گوید که خرد چه کاری می تواند برای ما انجام دهد. این می تواند به ما کمک کند تا آنچه را که درست، عادلانه و درست است انجام دهیم. از آنجایی که این کاری است که خدا انجام می دهد، به این معنی است که می تواند به ما کمک کند تا خداشناس باشیم. وقتی امثال یا هر بخشی از کتاب مقدس را می خوانیم، باید با نگرش یادگیری از آن بخوانیم. اگر فکر کنیم از قبل آن را می دانیم، پس یاد نخواهیم گرفت. اگر گوش می دهیم تا یاد بگیریم، یاد خواهیم گرفت. این مستلزم فروتنی ما است. ما باید نگرشی فروتنانه داشته باشیم که به این معنی است که همه چیز را از قبل نمی دانیم و می خواهیم از خدا بیاموزیم. همچنین مستلزم ترس از خدا است، همانطور که ممکن است از پدر خود بترسیم. ما باید پسران و دختران خردمند باشیم و به آنچه پدر آسمانی ما به ما می آموزد گوش دهیم. از دیدگاه پدرمان، او از ما می خواهد که قبل از اینکه او در دعاهایمان به ما گوش دهد، به او گوش دهیم.

روز 93: امثال 22:17 تا 23:34

در دو روز آینده، بخشی از امثال معروف به 30 گفته حکیمان را خواهیم خواند. این خلاصه ای از آنچه در جای دیگری از امثال آمده است، نیست، بلکه بخشی از توصیه های مهم است. فصل 23 توصیه هایی در مورد خوردن و آشامیدن دارد. توصیف مست بودن توضیح می دهد که چرا کتاب مقدس مخالف مستی است. کمتر مشخص است که چرا غذا خوردن یک مشکل است. مفهوم این است که صرف زمان و تلاش زیادی برای تغذیه خود با بهترین طعم ها انرژی نایب است. به همین ترتیب، ما نباید خود را برای ثروتمند شدن خسته کنیم.

روز 94: امثال 24

امثال 24 آخرین گفته های خردمندان را به علاوه برخی نظرات اضافی را پوشش می دهد. آیه اول یک موضوع تکراری است که در سراسر کتاب مقدس رخ می دهد. به ستمکاران حسادت نکنید و نمی خواهید مانند آنها باشید. این مهم است، زیرا در ستمکاران ممکن است وسوسه شوند که مانند شریران باشند، با تلاش برای به دست آوردن آنچه دارند. کتاب مقدس به ما می گوید که این افراد در قبال رفتارشان پاسخگو هستند و در برابر داوری خود قرار خواهند گرفت. آنها عدالتی را که شایسته آن هستند دریافت خواهند کرد. به جای اینکه مانند شریران باشیم، باید زندگی خود را بر اساس خرد بسازیم که قدرت و قدرت می بخشد. خرد به ما می آموزد که اولویت ها و اهداف زندگی ما چه باید باشد.

روز 95: اول پادشاهان 8: 22-66

شاید بزرگترین لحظه زندگی سلیمان تکمیل معبد خدا بود. این مرکز پرستش اسرائیل برای خدا بود. این کلیسا برای جایگزینی خیمه قابل حملی که اسرائیل از آن استفاده می کرد ساخته شد. مهمترین بخش این خیمه، صندوق عهد بود. این یک جعبه طلایی حاوی ده فرمان بود. صندوق عهد که در زمان موسی بسته شده بود، در مرکز معبد قرار گرفت. وقتی این اتفاق افتاد، جلال خدا به شکل ابر معبد را پر کرد. خدا در کوه سینا به مردم ظاهر شده است، با خیمه سفر کرده است، و اکنون در معبد اورشلیم استراحت کرده است. از این زمان به بعد، خدا حضور خود را با اورشلیم مرتبط می کند.

سلیمان اهمیت معبد را به عنوان مکانی که خدا برای نام خود انتخاب کرده بود برای مردم توضیح داد. اگرچه خدا در آسمان زندگی می کرد، اما این قطعه ای از زمین بود که به انسان اجازه داد او را پرستش کند. سلیمان می دانست که ممکن نیست خدای قادر متعال در یک قطعه زمین کوچک محبوس شود. سپس سلیمان دعای بسیار مهمی را ایراد کرد. ممکن است این دعایی نباشد که انتظار داشته باشید در این رویداد بشنوید. او اساساً در مورد مواقعی صحبت کرد که اسرائیل به دلیل گناه خود با مشکل مواجه می شد. سپس، هنگامی که اسرائیل خود را فروتن می کند، توبه می کند و به معبد دعا می کند، آنگاه خدا می شنود و کمک می کند. چیزی که غیرمعمول است این است که خدا حتی به دعای خارجی ها گوش می دهد!

روز 96: 1 پادشاهان 9

وقف معبد خدا توسط سلیمان چنان رویداد مهمی بود که اکنون باید پاسخ خدا به سلیمان و قوم اسرائیل را بخوانیم. خدا برای اولین بار از معبد با سلیمان صحبت کرد و نشان داد که حضور او در معبد است. خدا گفت که او همیشه مراقب معبد خواهد بود

و قلبش آنجا خواهد بود. خدا با سلیمان و سلسله اش خواهد بود، به شرطی که آنها به خداپرستی ادامه دهند. او به سلیمان و پسرانش در مورد نافرمانی هشدار داد. متأسفانه این کلمات ضروری بود. هم سلیمان و هم بسیاری از پسرانش به نافرمانی متهم شدند. سلیمان مانند همه پادشاهان بزرگ بسیاری از پروژه های ساختمانی را آغاز کرد و از طریق تجارت یا وسایل دیگر از کشورهای دیگر ثروت به دست آورد. سلیمان بسیار ثروتمند شد.

روز 97: 1 پادشاهان 10

در اوج عظمت سلیمان، سلیمان توسط بسیاری از مردم دیدار شد. مشهورترین دیدار ملکه سبا بود که در اول پادشاهان 10 ثبت شده است. عیسی در عهد جدید به این دیدار اشاره کرده است. او آنچه را که دیده و تجربیاتش را توصیف می کند. این مانند یک شاهد مستقل از عظمت سلیمان است. او غرق در آنچه می دید بود. او پادشاهی را دید که با عدالت و عدالت سلطنت می کند و باعث خوشحالی مردم می شود. سلیمان از نظر ثروت و خرد بزرگترین بود.

روز 98: مزمور 15

سلیمان توانست در معبد با خدا صحبت کند و برکت کسب کند. این فقط سلیمان نیست که می تواند در نزدیکی خدا در کوه مقدس او زندگی کند. مزامیر فصل 15 توضیح می دهد که چگونه یک ایماندار می تواند با خدا زندگی کند. این می تواند اتفاق بیفتد اگر یک ایماندار مراقب نحوه زندگی خود باشد. آنها باید از عدالت و راستی پیروی کنند. آنها باید در آنچه می گویند مراقب باشند. ما متذکر می شویم که برای زندگی با خدا، مؤمن باید با همسایگان خود خوب رفتار کند. دوست داشتن خدا شامل دوست داشتن همسایه است. عیسی این را زمانی می دانست که در متی 22 آیه 36 از او پرسیده شد، "بزرگترین فرمان چه بود؟" عیسی حتی یک پاسخ به این سوال نداد. او دو پاسخ داد. او گفت که این دوست داشتن خدا و دوست داشتن همسایه است. برای نشان دادن عشق خود به خدا و زندگی با خدا، باید یکدیگر را دوست داشته باشیم.

روز 99: مزمور 27

نویسنده مزمور 27 آرزوی زندگی در خانه خدا را بیان می کند. او می داند که اگر در آنجا زندگی می کرد، خدا او را از همه دشمنانش محافظت می کرد. دیوید، نویسنده دشمنان زیادی دارد. ارتش هایی بودند که سعی در دستگیری او داشتند و شاهان دروغین و سرکوبگران نیز وجود دارند. داوود می دانست که به شرطی که در مسیر درست قدم بردارد، خدا از او محافظت می کند و جانش را نجات می دهد. حتی اگر پدر و مادرش به او کمک نمی کردند، داوود می دانست که خدا کمک خواهد کرد. با کمک و حمایت خدا، ایماندار می تواند شاد شود و به خدا هدایای درست بدهد. برای اینکه این اتفاق بیفتد، ایماندار باید با خدا حق داشته باشد.

روز 100: مزمور 33

مزمور 33 در مورد ایمانداری است که از هر چیزی که از طرف خدا می آید خوشحال می شود. این کلام خدا است که موضوع این ستایش است. کلام خدا درست و راست و عادلانه است. در کلام خدا ما همچنین وفاداری و محبت را می بینیم. درست است که این چیزها را ستایش کنیم. این همان کلام بزرگ خداست که آسمانها را آفرید و آنها را مهار کرد. وقتی خدا صحبت می کند، همیشه اتفاق می افتد. مثل مردی نیست که زیاد حرف بزند، وعده های زیادی بدهد و بعد اتفاق کمی بیفتد. با خدا، برنامه و هدف او در کلام خدا دیده می شود و این اتفاق خواهد افتاد. این شامل وعده هایی مانند ملکوت خدا نیز می شود. بنابراین، مردم جهان باید از خدا بترسند. کسانی که از خدا پرهیزگار هستند، سعادتمند خواهند بود. این ارتش ها یا سلاح های انسانی نیستند که در این دنیا حکومت می کنند، این خدا است. خدا انسان را از آسمان تماشا می کند و هر کاری را که انسان انجام می دهد در نظر می گیرد.

روز 101: یوحنا 1

اکنون وارد عهد جدید می شویم تا در مورد زندگی یحیی تعمید دهنده و عیسی بیاموزیم. ما با یوحنا 1 شروع می کنیم که صحنه را برای آمدن آنها فراهم می کند. کلام خدا موضوع آغاز انجیل یوحنا است. در ابتدا آنجا بود. خدا از طریق آن زندگی و نور

را آفرید. از طریق آن، خدا یوحنا را فرستاد تا این نور را توضیح دهد و شهادت دهد. پس از آن، خدا عیسی را فرستاد تا آن را تعلیم دهد. عیسی نور بزرگتر بود زیرا فقط کلماتی نبود که او گفت. همه چیز در مورد او بر اساس کلمه بود. وقتی مردم به عیسی نگاه می کردند، می توانستند کلام خدا را در عمل ببینند. یوحنا به مردم توضیح داد که او مسیح موعود نیست. این پیامبر بزرگی بود که عهد عتیق پیش بینی کرده بود که خواهد آمد. این عیسی بود که مسیح بود. یحیی وقتی دید که روح از آسمان نازل می شود شاهد این امر بود. یوحنا به شاگردان خود عیسی نبی را نشان داد تا آنها نیز بتوانند از عیسی پیروی کنند. دلیل اینکه خدا هم یحیی و هم عیسی را فرستاد این بود که به مردم این فرصت را بدهد که فرزندان خدا شوند و از خدا متولد شوند. از طریق کار آنها، ما نیز می توانیم فرزندان خدا شویم.

روز 102: متی 3

متی 3 در مورد کار یحیی تعمید دهنده به ما می گوید. یحیی سعی کرد مردم را به توبه برساند. توبه به معنای تغییر است. یوحنا سعی کرد مردم را وادار کند که از راه های انسان به راه های خدا تغییر دهند. این کار همه پیامبران است - که مردم را از راه های شیطانی خود به راه های خدا برگردانند. یحیی یکی از پیامبران بزرگ بود. او مانند همه پیامبران پیام هشدار دهنده ای برای افراد شریر داشت. اگر مردم توبه نمی کردند، اسرائیل به عنوان یک ملت قطع می شد، مانند درختی که با تبر قطع می شود. کسانی که به هشدار گوش دادند و توبه کردند، در رود اردن غسل تعمید گرفتند. عیسی نیز توسط یحیی تعمید یافت. یحیی گفت که عیسی نیازی به توبه نداشت و بنابراین نیازی به تعمید نداشت. با این حال، دلایل دیگری نیز وجود داشت که چرا عیسی باید تعمید بگیرد. بنابراین عیسی تعمید یافت. خدا این تعمید را تأیید کرد و صدای تأیید از آسمان و همچنین هدیه روح القدس به عیسی داد.

روز 103: متی 11

وقتی یحیی تعمید دهنده درباره توبه از گناه صحبت کرد، همه پیام او را دوست نداشتند. یکی از رهبران که می خواست به گناه خود ادامه دهد، یحیی را به زندان انداخت. زندانی شدن یحیی برای بسیاری، به ویژه برای شاگردان یحیی مشکل ساز بود. یوحنا شاگردانش را فرستاد تا درباره عیسی بیاموزند، زیرا آنها نیاز داشتند که به عیسی ایمان بیاورند و از او پیروی کنند. عیسی مژده را موعظه کرد و بیماران از جمله مردگان را شفا داد. این شواهدی بود که شاگردان یوحنا باید به عیسی ایمان بیاورند. بسیاری از مردم با وجود معجزات زیادی که عیسی انجام داد، به عیسی ایمان نداشتند. عیسی مردم سه شهر را نام برد. وقتی عیسی به این فکر کرد که چه کسی به این پیام ایمان آورد، خدا را شکر کرد. این عاقل یا باهوش نبود که گوش می داد. این کسانی بودند که کلمه "بچه های کوچک" را دریافت کردند. عیسی مسیح با درخواست دوست داشتنی برای کسانی که برای یافتن استراحت خسته شده اند به پایان می رسد. همه ما باید مانند بچه های کوچک شویم و به پیام او ایمان داشته باشیم.

روز 104: مرقس 6: 14-56

مرقس 6 مرگ یحیی تعمید دهنده را توصیف می کند. این یک مرگ نجیب بود زیرا او برای انجام کار درست جان خود را از دست داد. علت مرگ او به دور از نجیب بود. با مرگ یوحنا، عیسی بدون دوستی باقی ماند که مأموریت او را به درستی درک کند. عیسی سعی کرد مدتی برای خود برای عزاداری داشته باشد، اما مردم از او پیروی کردند. آنها مانند گوسفندانی رفتار می کردند که به دنبال چوپان می گشتند. عیسی مانند یک شبان خوب به آنها غذا می داد. سپس عیسی بیشتر شب را در دعا گذراند و با پدرش صحبت کرد، قبل از اینکه نزد شاگردانش روی سطح آب قدم بزند. ما نمی دانیم چند نفر از شاگردان یحیی در میان جمعیت بودند. اگر بودند، بسیار تشویق می شدند. مأموریت یحیی با مأموریت عیسی ادامه یافت.

روز 105: متی 19

پیام یحیی و عیسی توبه و تغییر بود. از راه انسان تغییر دهید و راه های خدا را دنبال کنید. این امر در بسیاری از جنبه های زندگی صدق می کند. اکنون چندین قرائت در مورد برخی از این تغییرات وجود دارد. این متن با ازدواج شروع می شود. عیسی در مورد آن چه فکر می کرد؟ عیسی در مورد طلاق چه فکر می کرد؟ عیسی در پاسخ خود آنها را به ابتدای کتاب مقدس برمی گرداند، زمانی که خدا ازدواج را طراحی کرد. او از پیدایش درس می گیرد. این فصل با واکنش عیسی به فرزندان ادامه می یابد، که با توجه به اینکه ازدواج بچه دار می شود، جالب است. کودکان مهم هستند. بیابید فرزندان را نیز نزد عیسی بیاوریم. در نهایت، ما با یک مرد ثروتمند آشنا می شویم که به نظر می رسد کارهای درست را انجام می دهد. با

این حال، او حاضر نبود ثروت خود را پشت سر بگذارد. این ثابت کرد که قلب او واقعا کجاست. او ثروت خود را بیشتر از خدا دوست داشت. ما نمی توانیم این کار را انجام دهیم. ما باید خدا را بیشتر از چیزهای دیگر دوست داشته باشیم.

روز 106: افسسیان 5

خدا ازدواج را از ابتدا به گونه ای طراحی کرد که یک مرد و یک زن باشد. وقتی خدا به آنچه ساخته بود نگاه کرد، آن را "بسیار خوب" نامید. این شامل ازدواج نیز می شد. بیشتر در مورد آنچه خدا در ازدواج انتظار دارد با توصیه هایی در مورد نقش ها و مسئولیت های زن و شوهر به ما گفته می شود. بر اساس اینکه عیسی مسیح چگونه کلیسا را دوست داشت، درس هایی به ما داده می شود، که الگویی از اینکه چگونه شوهر همسر را دوست دارد، بود. مسیحیان باید ازدواج خود را بر اساس روشی که عیسی کلیسا را دوست داشت و کلیسا عیسی را دوست داشت، الگوبرداری کنند. بخش اول این فصل به ما در مورد نیاز مسیحیان به مقدس بودن می گوید. مقدس بودن در ازدواج تنها یکی از جنبه های مقدس و درست بودن با خدا است.

روز 107: افسسیان 6

نامه به ایمانداران در افسس، پس از صحبت در مورد ازدواج، با توصیه هایی برای فرزندان ادامه می یابد. این نصیحت یکی از ده فرمان است. برخلاف 10 فرمان دیگر، فرمان اصلی با یک وعده همراه بود. اگر شخصی به والدین خود احترام بگذارد، عمر طولانی خواهد داشت. چه نعمتی! در مورد فرزندان، پدران نباید از موقعیت خود در خانواده سوء استفاده کنند. آنها قرار نبود فرزندانشان را ناامید کنند. آنها باید آنها را بزرگ می کردند تا خدا و راه های خدا را بشناسند. نقش هایی برای بردگان و اربابان نیز وجود دارد. این موارد می تواند به طور کلی در مورد خدمتکاران با اربابان یا کارمندان کارفرمایان اعمال شود. در نهایت، ما باید در خداوند قوی باشیم و زره خدا را بپوشیم. اینها برای حمله نیستند بلکه برای دفاع هستند. از شمشیر می توان برای دفاع و حمله استفاده کرد، اما ما از کلام خدا برای حمله به مردم استفاده نمی کنیم، بلکه فقط از دروغ استفاده می کنیم. ما باید از خود در برابر راه های جسم (یعنی راه های انسان) دفاع کنیم، خواه از درون خودمان باشد یا از دیگران. بزرگترین دفاع ما دعا است.

روز 108: رومیان 13

مسئولیت های ما در قبال حاکمانی که تحت آنها زندگی می کنیم در رومیان فصل 13 آورده شده است. ما باید تسلیم آنها شویم. مسیحیان شورشی یا نافرمان نیستند. در واقع، خداوند مقامات را در جای خود قرار داده است، حتی مقامات بد. اگر ما آنچه را که درست است انجام دهیم، نمی توانیم انتظار هیچ مشکلی با مقامات داشته باشیم. ما باید به کسانی که در قدرت هستند احترام بگذاریم و به آنها احترام بگذاریم زیرا خداوند آنها را بر ما ترجیح داده است. ما باید مالیات را به مقامات بپردازیم.

ما همچنین در قبال یکدیگر مسئولیت داریم. ما باید یکدیگر را دوست داشته باشیم. ما باید نشان دهیم که به خدا و راه های نور تعلق داریم، نه انسان و راه های تاریکی. ما باید مثل عیسی رفتار کنیم. رفتار مانند عیسی مانند پوشیدن لباس عیسی است. ما باید انتخاب کنیم که مانند عیسی رفتار کنیم، درست مثل اینکه لباس هایمان را انتخاب کرده ایم.

روز 109: رومیان 14

مسئولیت یک مسیحی در قبال مسیحی دیگر در رومیان فصل 14 ادامه دارد. یکی از راه های دوست داشتن آنها این است که از اختلاف با آنها اجتناب کنید. اگر کسی ایمان ضعیفی داشته باشد و فکر کند که خوردن فقط سبزیجات ضروری است، کسی می تواند با نخوردن گوشت در مقابل او به او کمک کند. آنچه مهم است این است که ما باعث نشویم که مسیحی دیگری ایمانش را از دست بدهد. مثال دیگر این می تواند این باشد که یک مسیحی خاص فکر می کند که برای یک روز خاص حیاتی است. همین موضوع نیز صدق می کند. ما به آنها اجازه می دهیم آن را حفظ کنند و آنها را به تعویق نمی اندازند. به این ترتیب می توانیم عشق خود را به دیگری نشان دهیم. ما باید مراقب باشیم زیرا باید به خدا بگوییم که چگونه با دیگران رفتار می کنیم. ما باید بهترین کار را برای کمک و تشویق یکدیگر انجام دهیم، حتی اگر به معنای انجام ندادن آنچه می خواهیم باشد.

روز 110: رومیان 11

یکی از روابط مهم، رابطه مسیحی با یهودی است. رومیان فصل 11 به ما می گوید که خدا انتخاب کرده است که تعداد کمی از یهودیان را با فیض حفظ کند. او یهودی را رد نکرده است. این فصل به ما می گوید که یهودیان و مسیحیان غیر یهودی (غیریهودیان به عنوان "غیریهودیان" شناخته می شوند) هر دو را می توان بخشی از درخت زیتون در نظر گرفت. یهودیان مانند شاخه ها هستند. برخی از شاخه های بد قطع شده اند. مسیحیان غیریهودی مانند شاخه های دیگری هستند که به تنه یهودیان پیوند زده شده اند. درست همانطور که همه آنها بخشی از یک درخت هستند، همه ما نیز در مسیح یکی هستیم. و خدا عادلانه است. اگر هر یک از شاخه های یهودی یا غیریهودی بد شود، بدون توجه به اینکه چه کسی باشد، قطع می شود. این نشان دهنده مهربانی و شدت خدا است. اگرچه باید نگران باشیم، اما نباید بیش از حد نگران قطع شدن باشیم. خدا می خواهد به یهودیان و غیریهودیان رحم کند. این فصل با سرود ستایش رحمت خدا به پایان می رسد.

روز 111: اعمال رسولان 8

وقتی در مورد کار بچی تعمید دهنده می خوانیم در مورد تعمید یاد گرفتیم. حالا درباره تعمید در کلیسای اولیه خواهیم خواند. ما چندین متن را خواندیم که در آن ما مسیحیان به عنوان پاسخ به پیام انجیل تعمید گرفتیم. اعمال رسولان 8 کامل ترین نمونه از تعمید را به ما می دهد. این فصل با دوره ای از آزار و اذیت مسیحیان توسط مردی به نام شائول آغاز می شود. این امر منجر به پراکندگی مسیحیان از اورشلیم شد. وقتی پراکنده بودند، پیام انجیل را با خود بردند. فیلیپ پیام را به سامره برد. او مژده ملکوت خدا و چیزهایی را در مورد عیسی مسیح تعلیم داد. در نتیجه پیام انجیل، مردم شهر تعمید یافتند. فیلیپ سپس با یک زائر اتیوپیایی ملاقات کرد. اتیوپیایی در حال خواندن متنی از عهد عتیق بود که در مورد قربانی عیسی تعلیم می داد. فیلیپ این متن را توضیح داد و در مورد عیسی به او آموزش داد. اتیوپیایی متوجه شد که باید تعمید بگیرد. وقتی آب کافی پیدا کرد، تعمید گرفت. او با فیلیپ به داخل آب رفت. این به ما می آموزد که تعمید پوششی با آب است. سپس از آب بیرون آمدند و خوشحال شدند. این روند تعمید را پوشش می دهد - ابتدا آموزش، که منجر به درک و تعهد می شود و پس از آن تعمید می شود.

روز 112: رومیان 6

رومیان فصل 6 به ما در مورد معنای تعمید می آموزد. تعمید تعهد به توقف گناه است. کسانی که تعمید می گیرند در عیسی تعمید می گیرند. یعنی وقتی کسی به داخل آب می رود، مرگ عیسی را نشان می دهد. وقتی از آب بیرون می آیند، مثل این است که رستخیز عیسی را انجام دهند. تعمید مرگ و رستخیز عیسی را انجام می دهد. اگر مردم خود را با مرگ و رستخیز عیسی در تعمید مرتبط می دانند، به این معنی است که حتی اگر بمیرند، از مرگ برمی خیزند. برای اینکه این اتفاق بیفتد، آنها باید به روش درست زندگی کنند و از گناه دوری کنند. اگر به گناه ادامه دهیم، مثل این است که برده گناه هستیم. اگر گناه کنیم، پس مستحق مرگ خواهیم بود. اما اگر زندگی مقدسی داشته باشیم و از گناه دوری کنیم، آنگاه از طریق عیسی مسیح به زندگی ابدی خواهیم رسید.

روز یکصد و سیزدهم: اعمال رسولان 9

مثال دیگری از بازگشت و تعمید در اعمال رسولان 9 آورده شده است. این از طرف کسی بود که کمترین انتظار را داشت. شائول به یک رهبر افراطی یهودیان تبدیل شده بود که در آزار و اذیت مسیحیان رهبری می کردند. مسیحیان را زندانی می کرد و می کشت. با این حال شائول هنگام سفر به دمشق تغییر کرد. شائول با ظهور عیسی به او واقعیت عیسی را درک کرد. به محض اینکه می توانست، شائول تعمید یافت. تغییر دین او برای دوستان و دشمنان سابقش غافلگیر کننده بود. صلح را برای مسیحیان به ارمغان آورد. شائول توسط خدا انتخاب شده بود تا انجیل را به بسیاری از مردم، به ویژه غیریهودیان (غیر یهودی) برساند.

روز 114: اعمال رسولان 10

اعمال رسولان باب 10 نمونه دیگری از بازگشت و تعمید است. همچنین این رویداد کلیدی است که منجر به رفتن انجیل به غیریهودیان (غیر یهودیان) شد. آن شخص یک غیریهودی معمولی نبود. او مردی به نام کورنلیوس بود که اتفاقاً از ارتش اشغالگر منفور روم بود. او فقط یک سرباز معمولی نبود، بلکه یک افسر رومی بود که یک واحد ارتش را کنترل می کرد. خدا با دقت کورنلیوس را برای مثالی که ارائه می داد انتخاب کرد. اگر یک افسر رومی منفور می توانست مسیحی شود، پس هر کسی می توانست.

در اعمال رسولان 1 آمده است که پیام انجیل ابتدا به اورشلیم، سپس به یهودیه (مناطق یهودی)، سپس به سامره (همانطور که در موعظه فیلیپ در مناطق سامری دیدیم) و سپس به اقصی نقاط زمین (مناطق غیریهودی) می رود. وقایع اعمال رسولان 10 رویداد حیاتی برای مرحله بعدی برای رساندن انجیل به غیریهودیان بود. خدا این را برنامه ریزی کرده بود. نمونه دیگری از این طرح، هدیه روح القدس بود که اجازه می داد انجیل به زبان های دیگر صحبت شود تا بتوانند آن را درک کنند. این واقعیت که عهد جدید به یونانی نوشته شده بود، یکی از زبان های امپراتوری روم، به جای زبان یهودی عبری، راه دیگری برای رساندن پیام به غیریهودیان بود.

روز ۱۱۵: اعمال رسولان ۱۱

وقایع اعمال رسولان 10 چنان پیامدهای عظیمی داشت که رسولان برای بحث در مورد آن گرد هم آمدند. اعمال رسولان 11 آنچه را که اتفاق افتاده است ثبت می کند. وقتی ایمانداران شنیدند که خدا به ایمانداران غیریهودی هدایای روح القدس داده است، برای همه روشن شد که خدا از آنها می خواهد که برکات روحانی را با یهودیان تقسیم کنند. در انطاکیه در سوریه مدرن بود که آنها شروع به آموزش انجیل به غیریهودیان (در این مورد یونانیان) کردند. و در همان شهر بود که کسانی که از عیسی پیروی کردند برای اولین بار مسیحی نامیده شدند. تغییر دین غیریهودیان مورد استقبال همه یهودیان قرار نگرفت. در چندین نامه عهد جدید، ما پیام هایی را برای غلبه بر این مقاومت می خوانیم. در تمام این متن ها به ما گفته شده است که خدا می خواست غیریهودیان در کنار یهودیان نجات یابند.

روز 116: غلاطیان 1: 11-2: 10

اکنون به زندگی شائول باز می گردیم. شائول یکی از چهره های کلیدی عهد جدید بود. شائول نام خود را تغییر داد و به پولس معروف شد. او حدود نیمی از کتاب های عهد جدید را نوشت که نامه هایی به کلیسیا و افراد بود. پولس یک بازگشت معجزه آسا داشت که در اعمال رسولان 9 درباره آن می خوانیم. ما می توانیم در مورد سال های اولیه او از این بخش در نامه او به ایمانداران غلاطیه بیاموزیم. پولس انجیل را مستقیماً از طریق مکاشفه از عیسی یاد گرفت، نه از هیچ دیگری. ما از اولین ملاقات او با پیتر مطلع می شویم. آنها توافق کردند که پطرس به یهودیان موعظه کند و پولس برای غیریهودیان موعظه کند.

روز 117: اعمال رسولان 13

پولس رسول با سفر به کشورهای مختلف نزد غیریهودیان (غیر یهودیان) رفت. او به طور خاص توسط خدا برای رفتن به سفرهای بشارتی انتخاب شد. او در اولین سفر تبلیغی خود با برنابا سفر کرد و از انطاکیه در سوریه امروزی آغاز کرد. برنابا از قبرس آمد و قبرس اولین جایی بود که آنها موعظه می کردند. آنها یک حریف اصلی در قبرس داشتند که جادوگر بود. پولس با استفاده غیر معمول از هدایای روح القدس، جادوگر را کور کرد. این به موفقیت موعظه کمک کرد. سپس قبرس را ترک کردند و به مکان دیگری به نام انطاکیه رفتند. این یکی در ترکیه مدرن بود. آنها به یک مکان ملاقات مذهبی یهودیان به نام کنیسه رفتند و در آنجا موعظه کردند. این کار به خوبی کار کرد تا اینکه یهودیان به موفقیت موعظه های پولس حسادت کردند. این الگویی از موعظه های پولس را رقم زد - ابتدا در کنیسه نزد یهودیان می رفت و بعد از آن نزد غیریهودیان می رفت.

روز 118: اعمال رسولان 14

اعمال رسولان فصل 14 بخش دوم اولین سفر بشارتی پولس را توصیف می کند. این شامل بازگشت او به نقطه شروع انطاکیه در سوریه است. ما در مورد موفقیت و همچنین چالش هایی که آنها با آن روبرو بودند بیشتر یاد می گیریم. در پایان سفر، آنها آنچه را که اتفاق افتاده بود به کلیسای خود (کلمه عهد جدید برای کلیسا) گزارش دادند. پولس کلیساهای زیادی را تأسیس کرد که دریافت کننده بسیاری از نامه های او شدند. پولس به کلیسیا نامه نوشت تا آنها را تشویق کند و با مشکلات مختلفی که پیش می آمد مقابله کند. این اطلاعات به ما می آموزد که امروزه کلیسای ها چگونه باید اداره شوند - و چگونه نباید اداره شوند. نامه های پولس منبع اصلی در مورد نحوه اداره کلیسای ها است.

روز 119: اعمال رسولان 28

بقیه کتاب «اعمال رسولان» گزارشی از سفرهای بشارتی پولس رسول است. پولس در اولین سفر با برنابا همراهی شد. سفرهای بعدی او شامل همراهان سفر دیگری مانند تیموتائوس، تیتوس و سیلاس بود. هنگامی که پولس در اورشلیم بود، دستگیر شد و به دروغ توسط یهودیان متهم شد. در نتیجه، او مجبور شد برای محاکمه عادلانه به سزار درخواست تجدید نظر کند. از این طریق بود که او را به رم بردند. کتاب اعمال رسولان با غرق شدن کشتی او در نزدیکی مالت و ورود او به روم به پایان می رسد. در مرکز امپراتوری روم، پولس به موعظه انجیل به غیریهودیان ادامه داد. این کتاب با موعظه پولس در مورد ملکوت خدا و درباره عیسی مسیح به پایان می رسد. این پایانی مناسب برای کتابی است که توضیح می دهد چگونه کلام خدا از اورشلیم به یهودیه، به سامره و سپس به اقصی نقاط زمین (روم) می رود.

روز 120: رومیان 8

نامه پولس به کلیسیه روم قبل از ورود او به روم نوشته شده بود. رومیان فصل 8 یک فصل دوست داشتنی است که فواید بودن در مسیح را توضیح می دهد. سرنوشت مسیحیان برای زندگی (از طریق رستاخیز) است، نه اینکه مرگ پایان نهایی آنها باشد. اما مسیحیان باید از راه خدا پیروی کنند تا راه انسان. راه انسان گاهی اوقات "جسم" یا "طبیعت گناهکار" نامیده می شود. راه خدا را راه روح نیز می نامند. کلمه "روح" می تواند چندین معنی داشته باشد، از جمله آموزش، ذهن و نگرش. اما لازم نیست گیج شویم. در اینجا به معنای راه خدا است. اینها دو راهی هستند که می توانیم دنبال کنیم. اما فقط راه خدا به حیات منتهی می شود. اگر در مسیح باشیم، هیچ چیز - چیزی تکرار نمی کنیم - نمی تواند مانع از برکات ما در مسیح شود. این یک تشویق بزرگ برای مسیحیان است.

آنچه در ماه چهارم آموختیم و آنچه می توانیم در ماه پنجم انتظار داشته باشیم

در ماه چهارم ما در مورد چندین ایماندار کلیدی که در کتاب مقدس یافت می شوند یاد گرفتیم. ما در مورد سلیمان پسر داوود آموختیم و در مورد حکمت او آموختیم. سلیمان معبد باشکوه خدا را در اورشلیم ساخت. ملکه سبا شاهد سلیمان در بزرگترین حالت خود بود. معبد تعلیم می داد که خدا می خواهد با انسان زندگی کند، اما برای اینکه این کار انجام شود، انسان باید مراقب باشد که راه های خدا را دنبال کند.

ما در مورد یحیی تعمید دهنده و تعمید یاد گرفتیم. ما در مورد ازدواج و مسئولیت های درون آن یاد گرفتیم. ما در مورد مسئولیت های مسیحی در قبال دولت ها، یهودیان و کار یاد گرفتیم. سپس ما در مورد پولس رسول و مأموریت رساندن انجیل به غیریهودیان یاد گرفتیم. خدا می خواهد که همه مردم با پیروی از راه درست نجات پیدا کنند.

در ماه 5 ما در مورد تعالیم پولس رسول بیشتر خواهیم آموخت. ما از نامه های او به تیموتائوس خواهیم خواند، جایی که او در مورد چگونگی زندگی به روش درست صحبت می کند. سپس به عهد عتیق نگاه می کنیم تا یاد بگیریم که چگونه عهد عتیق بسیاری از چیزها را در مورد عیسی پیش بینی کرده است. ما با شریعت موسی شروع می کنیم، سپس به مزامیر و سپس پیامبران نگاه می کنیم که همه آنها از قبل در مورد عیسی صحبت کرده اند. سپس به شخصیت های عهد عتیق که در عهد جدید ذکر شده اند نگاه می کنیم - افرادی مانند لوط، یونس، راحاب، ایلیا و دانیال. همه اینها آموزه های مهمی برای ما دارند. اینها به ما می آموزند که چگونه عهد جدید بر اساس عهد عتیق است. این به ما ارزش متون عهد عتیق را می آموزد که اگر می خواهیم پیام کامل کتاب مقدس را درک کنیم، باید آنها را درک کنیم.

روز 121: 1 تیموتائوس 1

تیموتائوس یکی از دستیاران پولس رسول در سفر بشارتی او بود و به برپایی کلیسایی کمک کرد. پولس در نامه هایی به تیموتائوس به او و ما می آموزد که چگونه به عنوان یک مسیحی زندگی کنیم و کلیسایی ها را راهنمایی کنیم. کسانی که کلیسایی ها را راهنمایی می کنند باید بدانند که چه هدفی را دارند و چگونه با مشکلاتی که پیش می آید کنار بیایند. پولس تیموتائوس را در افسس رها کرد تا کلیسا را از تعالیم و استدلال های نادرست دور کند. هدف کلیسا این است که با عشق، با قلبی پاک و با ایمان صادقانه زندگی کنید. متأسفانه، همه از این پیروی نمی کنند. پولس به یاد می آورد که چگونه زمانی که ایمانداران را مورد آزار و اذیت قرار می داد، یکی از کسانی بود که با ایمان مخالف بود. ما در این مورد در فصل های آغازین اعمال رسولان می خوانیم. با این حال، هنگامی که عیسی در راه دمشق بر او ظاهر شد، عیسی به او رحمت و فیض نشان داد. پولس استدلال می کند که اگر عیسی می تواند این کار را برای من، یک گناهکار بزرگ، انجام دهد، پس عیسی می تواند این کار را برای هر گناهکاری انجام دهد. هیچ زندگی گذشته آنقدر بد نیست که رحمت و فیض خدا بر آن غلبه کند.

روز 122: 1 تیموتائوس 4

پولس به یاورش تیموتائوس گفت که همه ایمانداران در ایمان باقی نخواهند ماند. برخی از ایمانداران معلمان چیزهای نادرست می‌شوند، مانند منع ازدواج مردم و دستور دادن به مردم برای نخوردن غذای خاص. دیگران داستان‌های احمقانه‌ای را آموزش می‌دهند. هیچ‌یک از اینها مفید یا درست نیست. به عنوان مثال، پرهیز از برخی غذاها درست نیست زیرا می‌توان آن را با خواندن دعای شکر خدا خورد. این یکی از چندین موردی است که به مؤمنان گفته می‌شود که تشکر از غذا خوب است. ما می‌توانیم از نظر جسمی خودمان را برای تناسب اندام آموزش دهیم، اما مفیدتر است که خودمان را برای خداپرستی آموزش دهیم. این زندگی را بهتر می‌کند و در آینده به ما زندگی می‌دهد. به تیموتائوس گفته می‌شود که در هر جنبه‌ای از زندگی خود برای کمک به ایمانداران الگو باشد. همه معلمان باید با رفتار و همچنین با تدریس خود به عنوان مثال آموزش دهند.

روز 123: 1 تیموتائوس 6

پولس اولین نامه خود به تیموتائوس را با هشدارهای بیشتر در مورد معلمان دروغین به پایان می‌رساند. بسیاری از آنها هستند که آموزه‌های نادرست مختلفی را آموزش می‌دهند. این ایمانداران حقیقت را داشتند اما سپس به چیزهایی که مفید نیستند علاقه مند شدند. آنها باعث مشاجره شدند. یک نمونه از آموزه‌های اشتباه این است که خداپرستی به فرد کمک می‌کند تا پول به دست آورد. در عوض، پولس تعلیم می‌دهد که خداپرستی منجر به رضایت می‌شود. ما باید به آنچه داریم راضی باشیم. کسانی که عاشق پول هستند و سعی می‌کنند ثروتمند شوند در وسوسه قرار می‌گیرند. البته مشکل پول نیست. این عشق به پول است. کسانی که می‌خواهند خداشناس باشند باید از این دام دوری کنند. جایزه بزرگی برای کسانی که زندگی خداپسندانه دارند ارائه می‌شود. اگرچه این فقط خدا است که فناپذیر است، اما کسانی که خداشناس هستند حیات جاودان خواهند داشت. مانند تیموتائوس، هر ایمانداری برای رسیدن به این هدف باید در مبارزه خوب ایمان بجنگد.

روز 124: 2 تیموتائوس 2

پولس نامه دوم خود به تیموتائوس را با کلماتی مشابه نامه اولش ادامه می‌دهد. وضعیت واقعا تغییر نکرده است. معلمان دروغین زیادی وجود دارند که باعث ایجاد مشکل می‌شوند. کاری که ایمانداران باید انجام دهند این است که روی کلام خدا (کتاب مقدس) تمرکز کنند، آن را به درستی درک کنند و آن را تعلیم دهند. بهترین راه برای انجام این کار از طریق آموزش ملایم است. تیموتائوس باید به دیگران بیاموزد که معلم چیزهای خوب باشند. به این ترتیب انجیل پخش خواهد شد. اگر فقط به تیموتائوس تکیه می‌کرد، خیلی گسترش نمی‌یافت. با این حال، این امر مستلزم انتخاب افرادی است که به جای آموزش نادرست، چیزهای درست را آموزش دهند. پل از سربازان، ورزشکاران و کشاورزان نمونه می‌گیرد و از هر یک درس می‌گیرد. ما باید رستائیز عیسی را از مردگان به یاد آوریم و اینکه کسانی که با ایمان می‌میرند با او زندگی خواهند کرد. کسانی که با عیسی در سختی‌های زندگی تحمل می‌کنند، با او سلطنت خواهند کرد. و هشداری برای کسانی که عیسی را ترک می‌کنند وجود دارد. عیسی آنها را ترک خواهد کرد!

روز 125: 2 تیموتائوس 3

پولس به تیموتائوس توضیح داده بود که معلمان دروغین زیادی وجود دارند. اما اکنون او می‌گوید که در آینده معلمان دروغین بیشتری وجود خواهند داشت. ما می‌دانیم که این اتفاق در تاریخ مسیحیت رخ داده است. شرح مشکلات در این فصل می‌تواند توصیف مشکلات معنوی در روزگار ما باشد. ما باید از اینها اجتناب کنیم. با وجود این همه معلم دروغین در اطراف، چگونه کسی می‌تواند به روش درست زندگی کند و آن را حفظ کند؟ پولس پاسخ روشنی می‌دهد. کتاب مقدس را بخوانید. اینجاست که حکمت خدا را می‌گیرید تا شما را نجات دهد. با خواندن کتاب مقدس است که می‌توانیم به روش درست هدایت شویم. ما باید آموزه‌هایمان را از آن بگیریم. ما باید در صورت لزوم به سرزنش آن گوش فرا دهیم. وقتی راه درست را ترک می‌کنیم باید به اصلاح آن گوش دهیم. به این ترتیب می‌توانیم به یک شخص کامل و بالغ خدا تبدیل شویم. زندگی و آموزش ما باید بر اساس کتاب مقدس باشد و نه بر اساس ایده‌های انسان.

روز 126: تثبیه 18: 9-22

اکنون به عهد عتیق برمی گردیم تا در مورد چگونگی ارتباط آن با عهد جدید بیشتر بدانیم. ما با بازگشت به شریعت موسی شروع می کنیم. نکته مورد توجه در بخش دوم این متن است. این بخش با واضح ترین محکومیت جادوگری در کتاب مقدس آغاز می شود. جادوگری شامل خواندن نشانه ها، صحبت کردن با مردگان، ادعای داشتن قدرت و مواردی از این قبیل است. قوم خدا نباید درگیر این چیزها شوند. سپس در بخش دوم فصل، ما یک پیشگویی مهم داریم. خدا پیامبری را می فرستد که مانند موسی باشد. همانطور که مردم باید به موسی گوش می دادند، باید به این پیامبر جدید نیز گوش می دادند. موسی یک پیامبر منحصر به فرد بود زیرا مستقیماً با خدا صحبت می کرد، معجزه می کرد و دستورات خدا را دریافت می کرد. این پیامبر جدید نیز همین کار را می کرد. اکنون می دانیم که این پیامبر "مانند موسی" عیسی است. عیسی مستقیماً با خدا صحبت کرد، معجزات انجام داد و به او فرمان داده شد. پیشگویی می گوید که مردم باید به او گوش دهند. یهودیان به دنبال این پیامبر بودند و نزد عیسی آمدند و به دنبال نشانه هایی بودند که نشان دهد عیسی این پیامبر است. با وجود نشانه های بسیار، آنها دلتنگ او شدند! در عوض، آنها با عیسی طوری رفتار کردند که گویی یک پیامبر دروغین است (متن دیگری برای آن وجود دارد). نتیجه 18 چندین بار در عهد جدید به طور مستقیم و غیرمستقیم اشاره شده است. بخش های بسیار دیگری از شریعت موسی وجود داشت که در مورد عیسی تعلیم می داد.

روز 127: مزمور 22

حالا به سراغ مزامیر می رویم تا ببینیم چطور درباره عیسی صحبت می کنند. مزمور 22 توسط داوود نوشته شده است. با این حال، این کلمات در مورد عیسی صدق می کند. این با کلماتی شروع می شود که عیسی هنگام مرگ بر روی صلیب به کار برد. این شامل کلماتی است که کسانی که او را بر روی صلیب مسخره می کردند. این کتاب توضیح می دهد که چگونه دست ها و پاها عیسی باید سوراخ می شد و چگونه دشمنانش برای لباس های او قرعه می انداختند. اگرچه عیسی ممکن است این کلمات را به خاطر آورده و آنها را گفته باشد، اما نمی توان این را در مورد کسانی که او را مسخره کردند یا قرعه انداختند گفت. این مزمور نشان می دهد که چگونه خدا می داند چه اتفاقی قرار است مدت ها قبل از وقوع آن بیفتد. اینکه خدا چگونه این کار را انجام می دهد فراتر از درک ما است. خدا به همه حق انتخاب آزاد می دهد، اما خدا هنوز می داند. این متن و بسیاری دیگر به ما می آموزند که خدا زندگی، مرگ، رستخیز و پادشاهی عیسی را از ابتدا بر اساس برنامه خدا برنامه ریزی کرده بود.

روز 128: مزمور 118

همانطور که مزمور 22 مزموری در مورد عیسی است، مزمور 118 نیز همینطور است. مزامیر 118 آخرین هفته عیسی و سفر او به اورشلیم و قربانی او را توصیف می کند. چندین عبارت هنگام ورود عیسی به اورشلیم گفته شد. این کتاب آنچه را که مردم به عیسی گفتند و آنچه که در ورود پیروزمندانه او به اورشلیم با او انجام دادند، توصیف می کند. آنچه عیسی به حاکمان گفت را توصیف می کند. باز هم، سخنان عیسی ممکن است از خاطرات او از مزامیر آمده باشد، اما سخنان دشمنانش اینطور نبود. مزمور به ما بینشی در مورد نگرش عیسی در سفر به صلیب می دهد. او خدا را بخاطر محبتش شکر کرد! عیسی به خدا اعتماد کرد و از انسان نمی ترسید. عیسی از رهایی و نجات خود سرود خواند. او گفت که نمی میرد بلکه زنده خواهد ماند. این اشاره ای به رستخیز او است که عیسی به آن اعتقاد داشت. عیسی چنان به خدایش اعتماد داشت که کار درست را انجام دهد.

روز 129: اشعیا 53

ما از شریعت و مزامیر به نحوه صحبت آنها در مورد زندگی عیسی از قبل اشاره کرده ایم. اکنون یک مثال از پیامبران می گیریم. شاید معروف ترین نمونه باشد. این همان چیزی است که زائر اتیوپیایی در حال خواندن آن بود که فیلیپ رسول نزد او رفت (در اعمال رسولان 8). فیلیپ به او گفت که اشعیا 53 در مورد عیسی است. عیسی بره ای بود که برای ذبح برده شد. او شلاق خورد، زخمی شد و سوراخ شد. ظاهر او چنان خراب شده بود که مردم وحشت زده شدند و نمی خواستند به او نگاه کنند. او به خاطر گناهان ما زخمی شد و مجازات شد. این نقشه خدا بود که عیسی خودش را برای گناهان ما تقدیم کند. و این برنامه خدا بود که عیسی را از قبر بازگرداند تا بتواند بسیاری دیگر را نجات دهد. وقتی کسی به رنجی که عیسی برای ما متحمل شد فکر می کند، چه می تواند بگوید؟ جای تعجب نیست که اتیوپیایی برای تعمید تحت تأثیر قرار گرفت!

روز 130: متی 2

انجیل متی به گونه ای نوشته شده بود که گویی مخاطبانش عهد عتیق را می شناختند. بارها در مورد عیسی می گوید که "این برای تحقق آنچه نوشته شده بود." متی 2 چهار مثال دارد. برخی از نمونه ها واضح هستند، اما برخی دیگر واضح نیستند. این نشان می دهد که نمونه های واضحی از تحقق پیشگویی های عیسی و همچنین بسیاری از متون کمتر آشکار وجود دارد. کسانی که این را درک می کنند، وقتی عهد عتیق را می خوانند، به دنبال ارتباط با عیسی مسیح هستند. در بسیاری از جاها اشاراتی به عیسی پیدا خواهید کرد. البته، همه اینها توسط خدا در آنجا قرار داده شده است، که زندگی و کار عیسی را از ابتدا برنامه ریزی کرد. این ارجاعات گواه این است که کلام خدا دقیقا همان چیزی است که می گوید - سخنان خدایی که می داند با جهان چه می کند. هیچ دیگری نمی تواند چنین پیچیدگی و هماهنگی را در کتابی که در طول قرن ها توسط افراد مختلف از فرهنگ های مختلف نوشته شده است، بکنجد. این هماهنگی یکی از بزرگترین شواهد برای حقیقت کتاب مقدس است.

روز 131: یونس 1 و 2

ما به یونس نبی عهد عتیق نگاه خواهیم کرد زیرا او درس های مهمی در مورد عیسی به ما می آموزد. بخش هایی از زندگی یونس الگویی از زندگی عیسی است. اگر به زندگی بسیاری از افراد در کتاب مقدس نگاه کنیم، این را خواهیم دید. یونس 1 و 2 به ما می گوید که یونس نمی خواست پیامبر شود و نمی خواست برود و به شهر غیریهودی نینوا موعظه کند. او از خدا فرار کرد و با کشتی در جهت مخالف رفت. البته فرار از حضور خدا امکان پذیر نبود. خدا طوفانی فرستاد تا او را متوقف کند. یونس خود را پیشنهاد کرد که برای نجات جان کسانی که در قایق بودند به دریا انداخته شود. زمانی که یونس آماده بود جانش را از دست بدهد تا غیریهودیان را در قایق نجات دهد، خدا می دانست که یونس واقعا نظرش را تغییر داده است. خدا ماهی فرستاد تا یونس را بلعد و نجات دهد. یونس در شکم ماهی به درگاه خدا دعا کرد، انگار که قبلا در قبر است. خدا دعای او را اجابت کرد و او را نجات داد.

روز 132: یونس 3 و 4

خدا بار دوم به یونس گفت که به نینوا برود. این بار یونس رفت. او مانند سایر پیامبران توبه از گناه را موعظه می کرد. با کمال تعجب، شهر توبه کرد. خدا شهر را ویران نکرد و اکنون که آنها توبه کرده بودند، خدا نیازی به این کار نداشت. یونس از نتیجه راضی نبود. او به خدا شکایت کرد که می داند خدا مهربان، دلسوز، خشم کند و سرشار از عشق است. چه چیزی برای شکایت است! خدا به یونس درسی با یک گیاه آموخت. خدا می تواند به توبه حتی از غیریهودیان پاسخ دهد، زیرا خدا اینگونه است. او مهربان و مهربان است. ما باید خدا را ستایش کنیم و شکر کنیم که او اینگونه است!

روز 133: متی 12: 38-50

داستان یونس داستانی دوست داشتنی است، اما چیزی فراتر از این بود. این الگویی از عیسی بود. این را در این بخش از متی فصل 12 می خوانیم. همانطور که یونس 3 شبانه روز در ماهی بود، عیسی نیز 3 روز و 3 شب در قبر بود. وقتی یونس در ماهی بود، انگار در قبر بود. زمان یونس در ماهی الگویی از عیسی بود که در قبر بود و سپس از آن بیرون آمد. این الگویی از مرگ و رستاخیز عیسی بود. این نشانه ای برای یهودیان است که به آنها کمک می کند تا ایمان بیاورند. همانطور که ملکه سبا رفت تا به حکمت سلیمان گوش دهد، مردم نیز باید به حکمت عیسی گوش دهند. اما چون یهودیان به عیسی گوش ندادند، مانند یک مرد بیمار با روح شیطانی بودند. با وجود اینکه آن نسل تا حدی به عیسی گوش فرا دادند و توسط او شفا یافتند، اما در نهایت بدتر شدند و او را کشتند. آنها نسلی شرور بودند. اگر این تمام چیزی بود که آنها بودند، پس آموزش انجیل بی فایده بود. اما کسانی بودند که گوش دادند و به خانواده معنوی او تبدیل شدند.

روز 134: 2 پطرس 1

سخنان پیامبران عهد عتیق توسط پطرس رسول در نامه دوم خود اشاره شده است. ما باید کتاب مقدس (کلام خدا) را به عنوان نوری ببینیم که ما را در این دنیای تاریک راهنمایی می کند. جهان ممکن است تاریک و بدون هدف به نظر برسد، اما نور نیز وجود داشت. سخنان پیامبران نور بود. پطرس روشن می کند که سخنان پیامبر از طرف خود پیامبر نیست، بلکه از طرف خدا آمده است. خدا کلمات را به پیامبران داد و آنها آنها را نوشتند. پطرس به کلام خدا اشاره می کند که خودش از آسمان شنیده است. این اشاره ای به زمانی است که پطرس با عیسی در کوه تغییر شکل عیسی بود. این سخنان از جانب خدا بود نه از جانب انسان. از آنجا که کتاب مقدس درست است و از طرف خدا است، باید به آن ایمان داشته باشیم. هنگامی که به این ایمان آوریم،

ایمانداران باید چیزهای دیگری را به ایمان خود اضافه کنند. پطرس چیزهایی را فهرست می کند که ایمانداران باید به ایمان خود اضافه کنند. خوبی، دانش، خویشتن داری، پشتکار، خداپرستی، محبت برادرانه و عشق عمومی. به عبارت دیگر، ایمان به تنهایی کافی نیست. باید در زندگی ایماندار به کار رود.

روز 135: پیدایش 19

پیدایش فصل 19 روایت لوط است که برادرزاده ابراهیم بود. در عهد جدید چندین بار به لوط اشاره شده است. لوط با عمویش ابراهیم به سرزمین کنعان سفر کرد. با گذشت زمان، هر دوی آنها آنقدر گله، گله و خدمتکار داشتند که برای کنار هم بودن بسیار بزرگ بودند. ابراهیم به لوط این امکان را داد که کجا برود. لوط منطقه سدوم و عموره را انتخاب کرد. این انتخاب عاقلانه ای نبود، زیرا لوط در نهایت به شهر شریر سدوم نقل مکان کرد. شهر آنقدر شرور بود که خدا تصمیم گرفت شهر را نابود کند. قبل از اینکه این اتفاق بیفتد، خدا فرشتگانی را فرستاد تا لوط و خانواده اش را نجات دهند. در این صورت، به دلیل کمی اکراه، فرشتگان مجبور شدند لوط و خانواده اش را با دست بگیرند و آنها را بیرون ببرند. حتی در آن زمان همسر لوط به عقب نگاه کرد، گویی قلبش هنوز در شهر است. او به ستونی از نمک تبدیل شد. ما داستانی از مجازات و رحمت داریم. خدا شریران را مجازات می کند و پرهیزکاران را نجات می دهد. خدا همچنین می خواهد خانواده ها را نجات دهد.

روز 136: لوقا 17

عیسی به حادثه لوط در لوقا 17 اشاره کرد. لوقا 17 در مورد آمدن پسر انسان صحبت می کند، که روش دیگری برای گفتن آمدن عیسی به زمین است. شباهت هایی بین زمان لوط و زمان آمدن عیسی وجود دارد. در هر دو مورد، قضاوت به طور ناگهانی و غیرمنتظره اتفاق افتاد. در هر دو مورد، شریران مجازات شدند و درستکاران نجات یافتند. خانواده نوح و لوط نجات یافتند اما همسر لوط نجات پیدا نکرد. این رویدادها به عنوان هشدار به ما داده می شود تا مطمئن شویم که ما و خانواده ها برای آمدن عیسی آماده هستیم. برای انجام این کار، ما باید به آموزه های کتاب مقدس ایمان داشته باشیم و با ایمان خود زندگی کنیم. اما ما باید مطمئن شویم که واقعا دنیا را دوست نداریم، بنابراین مانند همسر لوط نیستیم. شاگردان عیسی باید مراقب خودشان باشند تا گناه نکنند و با گناهکاران دیگر نابود نشوند.

روز 137: خروج 14

ما دیدیم که چگونه به یونس و لوط در عهد جدید اشاره شده و برای آموزش درس های مهم به ما استفاده می شود. همین امر در مورد زمانی که قوم اسرائیل از مصر بیرون آمدند نیز صدق می کند. این رویدادی است که ما آن را به عنوان "خروج" می شناسیم و در کتاب خروج آورده شده است. خروج فصل 14 به ما می گوید که چگونه مردم با عبور از دریای سرخ مصر را ترک کردند. اسرائیل پس از 10 بلا در مصر از مصر فرار کرده بود. با وجود اینکه فرعون به آنها اجازه داده بود که آنجا را ترک کنند، فرعون نظرش را تغییر داد. او ارتش خود را به دنبال آنها فرستاد تا آنها را دستگیر کند و به عنوان برده بازگرداند. اگر خدا دخالت نمی کرد، ارتش مصر به راحتی این کار را انجام می داد. هنگامی که ارتش به مردم در حال فرار نزدیک می شد، خدا فرشته خود را بین دو گروه فرار داد تا از قومش محافظت کند. سپس خدا بادی فرستاد تا راهی را در دریای سرخ باز کند. اسرائیل در خشکی از دریا عبور کرد. هنگامی که ارتش مصر تصمیم گرفت از آنها پیروی کند، آنها فقط اجازه داشتند تا بخشی از راه را طی کنند. اجازه داده شد که آب روی آنها برود. این حادثه در جای دیگری از کتاب مقدس به آن اشاره شده است. این نمونه ای از این است که چگونه خدا می تواند قومش را نجات دهد.

روز 138: اول قرنطیان 10

وقایع خروج در اول قرنطیان فصل 10 به آن اشاره شده است. به ما گفته شده است که وقایع عهد عتیق برای ما نمونه ها و درس هایی هستند. عهد عتیق برای مسیحیان مناسب است که از آن بیاموزند. ما الگوهای زیادی را می بینیم. یک الگو تعمیم است. هنگامی که اسرائیل از مصر بیرون آمد و از میان ابر و دریا گذشت، مثل تعمیم آنها بود. آنها از خدا محافظت می کردند و این الگویی بود که خدا قومش را نجات می داد. وقتی بعدا نافرمانی کردند، در بیابان نابود شدند. این الگویی از نافرمانی و تنبیه بود. وقتی مرتکب گناهی مانند فساد جنسی می شدند، مجازات می شدند. در حالی که خدا در حال حاضر به روش های دراماتیکی مانند این مداخله نمی کند، خدا این رویدادها را به عنوان هشدار برای ما می دهد تا از آنها بیاموزیم. ممکن است در این زندگی مشکلاتی داشته باشیم، اما خدا به ما اطمینان می دهد که می توانیم آنها را تحمل کنیم و از آنها عبور کنیم. ما باید

از شرکت در اعمال شیطانی اجتناب کنیم زیرا مجازات خواهد شد. ما باید آنچه را که درست است انجام دهیم زیرا با نجات پاداش خواهد گرفت.

روز 139: خروج 17

در این متن، ما به خروج و چند نمونه از نحوه رفتار اسرائیل نگاه می‌کنیم. نمونه‌های زیادی از نگرش ضعیف اسرائیل به خدا در سفر بیابان وجود دارد. پس از نجات از طریق دریای سرخ، غذای روزانه معجزه آسای به شکل من نیز به آنها داده شد. اندکی بعد تشنه شدند و نزد خدا شکایت کردند. این یک درخواست فروتنانه نبود بلکه یک تقاضا بود! خواست این بود که خدا را در معرض آزمایش قرار دهد که آیا می‌تواند یا می‌خواهد به آنها کمک کند. با توجه به آنچه خدا قبلاً برای آنها انجام داده بود، یک درخواست فروتنانه مناسب تر بود. با وجود رفتار بدشان، خدا آنچه را که می‌خواستند به آنها داد. با این حال، خداوند این مکان را ماسا (به معنای "آزمایش") و مریبا (به معنای "نزاع") نامید. نیمه دوم فصل توضیح می‌دهد که چگونه خدا آنها را از یک دشمن بسیار زنده نجات داد. در جای دیگری به ما گفته شده است که عمالیقیان افراد ضعیفی را که در عقب بودند برداشتند. ما می‌توانیم مردم شاکی را با خدای نجات دهنده مقایسه کنیم. این چیزی است که خدا باید در زمان خروج تحمل می‌کرد.

روز 140: عبرانیان 3

کتاب عبرانیان به این زمان شکایت در هنگام خروج اشاره دارد. فصل 3 عیسی را با موسی مقایسه می‌کند و می‌گوید که عیسی بزرگتر است. این کتاب به زمانی که مردم اسرائیل به مدت 40 سال در بیابان سفر کردند تا به سرزمین موعود برسند، نگاه می‌کند. در این مدت، اسرائیل اغلب بی ایمان و سرکش بود. ما به تازگی یک نمونه از این را در خروج 17 خواندیم. در نتیجه، خدا گفت که نسل به سرزمین موعود نخواهد رسید. این نسل در بیابان مرد. این درسی برای ما است که بی ایمان و سرکش نشویم. اگر پس از اینکه پیروی از خدا را انتخاب کردیم، به راه‌های شیطانی روی آوریم، به پادشاهی موعود نخواهیم رسید.

روز 141: جاشوا 2

در سری فصل‌های بعدی، در مورد شخصیت‌های عهد عتیق که در عهد جدید به آنها اشاره شده است، خواهیم خواند. در یوشع فصل 2 درباره زندگی راحاب می‌خوانیم. راحاب به عنوان نمونه‌ای از ایمان در دو فصل عهد جدید که قبلاً خوانده ایم ذکر شده است - عبرانیان 11 و یعقوب 2. راحاب ای بود که در اریحا زندگی می‌کرد. او در مورد خشک شدن دریای سرخ و سایر رویدادهای خروج شنیده بود و به این باور رسید که خدای اسرائیل تنها خدای است. او در یک عمل ایمانی با کمک به جاسوسان اسرائیلی برای فرار جان خود را به خطر انداخت. آنها به پاس پاس نجات جان خود، موافقت کردند که جان او و خانواده اش را نجات دهند. این چیزی است که بعداً اتفاق افتاد و راحاب عضوی از قوم خدا شد. او حتی مادر در دودمان خانوادگی عیسی شد. این واقعیت که او یک بود نشان می‌دهد که خدا تعصب ندارد و می‌تواند هر کسی را که واقعا توبه کند و روش خود را تغییر دهد بپذیرد.

روز 142: 1 پادشاهان 17

اول پادشاهان ۱۷ ما را با ایلیا نبی آشنا می‌کند. خدا ایلیا را زمانی فرستاد که اسرائیل از نظر روحانی در وضعیت بدی قرار داشت. آنها خدای اسرائیل را رها کرده بودند و خدای دروغینی به نام بعل را پرستش می‌کردند. ایلیا فرستاده شد تا آنها را به خدای اسرائیل برگرداند. کاری که او انجام داد ممکن است تعجب آور به نظر برسد. ایلیا برای باران دعا کرد. دلیل این امر این بود که اسرائیل فکر می‌کرد که بعل کنترل باران را در دست دارد. ایلیا می‌خواست به آنها نشان دهد که خدا کنترل را در دست دارد. سه سال باران نیارید و اوضاع خیلی بد شد. برای شروع، ایلیا در کنار رودخانه پنهان شد و خدا با استفاده از کلاغ‌ها به او غذا داد. سپس، هنگامی که آن رودخانه خشک شد، خدا او را نزد یک بیوه غیریهودی فرستاد. بیوه زن به خدای اسرائیل و سخنان ایلیا ایمان داشت. در یک عمل با ایمان بزرگ، او و پسرش نجات یافتند. این حادثه اولین باری را در کتاب مقدس توصیف می‌کند که کسی از مردگان برخاسته است. این پاداش دیگری برای ایمان بیوه زن بود.

روز 143: اول پادشاهان 18

پس از 3 سال، خدا به ایلیا گفت که بر اسرائیل باران خواهد فرستاد. وقایعی که منجر به این امر شد چشمگیر بود. ایلیا با اخاب پادشاه شیرین ملاقات کرد و درخواست ملاقات با پیامبران دروغین را در بالای کوه کرد. هم خدا و هم بعل (و زن بعل آشره) باید مورد آزمایش قرار می گرفتند که آیا می توانند آتش برای سوزاندن قربانی تولید کنند یا خیر. از یک جهت، این یک رقابت نابرابر بود. 850 پیامبر بعل و اشیره و تنها یک پیامبر خدا وجود داشت. پیامبران دروغین گریه کردند و خود را بریدند تا خدایان خود را متوجه و پاسخ دهند. اما هیچ چیز وجود نداشت. سپس ایلیا به درگاه خدا دعا کرد و آتش از آسمان آمد. مردم فریاد زدند که خدای ایلیا خدای واقعی است. ایلیا قوم اسرائیل را به سوی خدای حقیقی برمی گرداند.

روز 144: لوقا 9: 18-62

لوقا 9 دو بار به ایلیا اشاره می کند. بعضی ها فکر می کردند که عیسی ایلیا است که زنده می شود. ولی عیسی اینطور نبود. عیسی مسیح بود، یعنی مسح شده (یعنی برگزیده خدا). مدت کوتاهی پس از این وقایع، ما با تغییر شکل روبرو هستیم که در آن شکل عیسی تغییر کرد و او به طرز خیره کننده ای درخشان شد. به ما گفته شده است که عیسی با موسی و ایلیا در کوه صحبت کرد. اینکه آیا این فقط یک رویا بود یا اینکه موسی یا ایلیا واقعی زنده شدند، نمی توانیم مطمئن باشیم. ولی آنها با عیسی درباره مرگش صحبت کردند. صدایی از آسمان بود که به شاگردان می گفت به عیسی گوش دهند. این ما را به یاد کلمات تثبیه 18 می اندازد، جایی که اسرائیل باید به پیامبری مانند موسی گوش می داد. پطرس بعدا در متنی که از دوم پطرس 1 می خوانیم به این رویداد اشاره کرد. این فصل با مثالی از شفا که فقط عیسی می توانست انجام دهد و توصیه هایی در مورد چگونگی شاگرد بودن ادامه می یابد.

روز 145: 2 پادشاهان 5

الیاس نبی در کار نبوی خود توسط پیامبر دیگری به نام الیشع جانشین شد. ایلیا و الیشع هر دو پیامبران غیرعادی بودند زیرا می توانستند معجزه کنند. عیسی مسیح به رویداد دوم پادشاهان 5 اشاره کرده است. فرمانده سپاه دشمن به نام نعمان بود. نعمان جدام داشت. او یک کنیز از اسرائیل داشت که در مورد الیشع به او گفت که می توانست معجزه کند. نعمان رفت تا الیشع را پیدا کند. اما نعمان در آزمون فروتنی قرار گرفت. او مجبور شد در رودخانه شستشو کند. هنگامی که او خود را در برابر خدای اسرائیل فروتن کرد، او شفا یافت. در یک پیچ و تاب غم انگیز، خدمتکار الیشع وسوسه شد که سریع ثروتمند شود و به نعمان دروغ گفت. او در نهایت به جدام مبتلا شد. این رویداد به ما می آموزد که خدا می تواند بیماری را بدهد و از بین ببرد. این به ما می آموزد که باید در برابر خدا فروتن باشیم و پول را دوست نداشته باشیم.

روز 146: لوقا 4: 14-44

عیسی در لوقا فصل 4 به ایلیا و الیشع اشاره کرده است. عیسی در کنیسه ای در زادگاهش ناصره بود. اما آنها او را باور نکردند. عیسی به این نکته اشاره کرد که هیچ پیامبری در زادگاهش پذیرفته نمی شود. و او از نمونه های ایلیا یا الیشع استفاده کرد که هیچ کدام به زادگاهشان فرستاده نشدند. هر دوی آنها نزد غریبهودیان فرستاده شدند که تماشاگران یهودی را خوشحال نکرد. مردم زادگاه عیسی سعی کردند عیسی را با هل دادن او از صخره بکشند. عیسی در تعالیم خود به متنی از اشعیا اشاره کرد که عیسی و کارش را پیشگویی می کرد. می بینیم که تنها در لوقا فصل 4، عیسی سه بار به عهد عتیق اشاره کرد. این تعجب آور نیست زیرا عهد عتیق کتاب مقدس عیسی بود و چیزهای زیادی در مورد زندگی خود او آموخت. عیسی مسیح در مورد پادشاهی خدا در کنیسه ها از عهد عتیق تعلیم داد و بیماران را شفا داد.

روز 147: دانیال 1

دانیال یکی از شناخته شده ترین پیامبران است. او کتابی به نام او دارد. دانیال 1 آغاز زندگی خود را به عنوان یک مرد جوان با 3 دوست خود توضیح می دهد. آنها از اسرائیل به بابل تبعید شده بودند و در زبان و ادبیات بابل آموزش دیده بودند. دانیال و دوستانش نمی خواستند غذای ناپاک بخورند، بر اساس نیاز آنها به حفظ شریعت موسی. وقتی شریعت خدا را از طریق موسی نگاه داشتند، خدا آنها را برکت داد. هنگامی که پادشاه بابل از آنها سؤال کرد، مشخص شد که از خرد و درک عالی

برخوردارند. بنابراین، آنها در خدمت پادشاه استخدام شدند. این حادثه اهمیت انجام کارهای درست را نشان می دهد. اگر این کاری است که انجام می شود، پس نیکوکاران می توانند برکت یابند.

روز 148: 2 قرننیاں 6

دانیال مانند پولس رسول سختی های خود را داشت. ایمانداران حتی اگر کارهای درست انجام دهند، این چیزها را تجربه خواهند کرد. یک ایماندار باید به انجام کار درست ادامه دهد، حتی اگر سختی وجود داشته باشد. پولس رسول در قرنتس از ایمانداران درخواست کرد - از بی ایمانان جدا بمانید. درستکاری و شرارت بسیار متفاوت هستند. بنابراین، مؤمنان نباید با بی ایمانان ارتباط نزدیک داشته باشند. ایمانداران باید از هم جدا باشند. این کاری است که دانیال و دوستانش انجام دادند. آنها خود را از ناپاکی بابل جدا کردند. سپس پولس نیاز به جدایی را با وضوح بیشتری توضیح می دهد. ایمانداران معبد خدا هستند. خدا می خواهد در میان مؤمنان زندگی کند. او تنها در صورتی می تواند این کار را انجام دهد که ایمانداران مقدس و جدا از شرارت اطرافشان باشند. اگر آنها این کار را انجام دهند، خدا خدای آنها خواهد بود و از آنها مراقبت خواهد کرد.

روز 149: دانیال 2

یکی از سختی هایی که دانیال و دوستانش با آن روبرو بودند، مجازات اعدام در دانیال 2 بود. پادشاه بابل از یک رویای دراماتیک آشفته شده بود. او از مشاورانش خواست که خواب را به او بگویند و سپس آن را تعبیر کنند در غیر این صورت کشته خواهند شد. دانیال به دنبال رحمت خدا بود تا پاسخ بگیرد. خدا دعای او را مستجاب کرد. سپس دانیال خواب و تعبیر را برای پادشاه شگفت زده بابل تعریف کرد. رویا در مورد جانشینی امپراتوری های بزرگ بود. اینها با مجسمه مردی نشان داده می شدند که بابل رئیس آن بود. اگرچه آنها در آن زمان نمی دانستند، امپراتوری دوم قرار بود مادها و پارسیان باشند، پس از آن یونانیان، پس از آن رومیان و به دنبال آن زمان ملل قوی و ضعیف. رویا تاریخ امپراتوری ها بود. این واقعیت که خدا جانشینی امپراتوری ها را پیش بینی کرده است نه تنها نشان می دهد که خدا از آنچه قرار است اتفاق بیفتد می داند، بلکه آن را محقق می کند. رویا با آمدن سنگی برای نابودی امپراتوری ها و پر کردن زمین به پایان رسید. این نشان دهنده ملکوت خدا است. منطقی است که نتیجه بگیریم که اگر جانشینی امپراتوری ها اتفاق افتاده است، بخش پایانی این رویا نیز اتفاق خواهد افتاد.

روز 150: دانیال 7

به پادشاه دوم بابل رویایی شبیه به رویایی در دانیال 2 داده شد. رویای دانیال 7 نیز در مورد توالی امپراتوری ها بود. آنها همان دانیال 2 بودند. در این حالت، امپراتوری ها توسط جانوران مختلفی که از دریا بیرون می آمدند نشان داده می شدند. شیر بابل بود. خرس مادها و پارسیان بودند. پلنگ یونانی ها بودند. آخرین جانور ترسناک مانند رومی ها بود. سپس شخصی به نام "باستان ایامها" بود که روی تخت نشسته بود و کتاب ها را باز می کرد. این یک رویا از خدا بود. کسی که "پسر انسان" نامیده می شد به کسی که بر تخت نشسته بود نزدیک شد. عبارت "پسر انسان" عبارتی است که عیسی برای اشاره به خود استفاده کرد. عیسی داشت به خدا نزدیک می شد. خدا زمانی را برنامه ریزی کرده است که عیسی بر زمین حکومت خواهد کرد و پادشاهی او تا ابد باقی خواهد ماند. این پادشاهی خداست که خدا برنامه ریزی کرده است. همانطور که چهار امپراتوری به وجود آمدند، پادشاهی خدا نیز رخ خواهد داد. مؤمنان پرهیزکار در این ملکوت خواهند بود.

آنچه در ماه پنجم آموختیم و آنچه می توانیم در ماه ششم انتظار داشته باشیم

ماه با نگاهی به نصیحت پولس رسول به تیموتائوس جوان آغاز شد که توصیه های مهمی برای ایمانداران دارد. سپس به نمونه هایی از اینکه چگونه عهد عتیق وقایع عیسی را پیش بینی می کند و چگونه عهد جدید اغلب به عهد عتیق اشاره می کند، نگاه می کنیم. این نشان داد که دو بخش کتاب مقدس ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و چگونه عهد جدید بر اساس عهد عتیق است. این دو قسمت نباید از هم جدا شوند. عهد عتیق برای کمک به توضیح عهد جدید مورد نیاز است.

ما در مورد افرادی که در عهد جدید به آنها اشاره شده است، مانند یونس، لوط، راحاب، ایلیا و الیشع یاد گرفتیم. اینها افراد عادل بودند. ما با دانیال نبی و پیشگویی ها در مورد امپراتوری های آینده جهان به پایان رسیدیم. کار پیامبران تا حدی هدایت مردم به راه خدا و تا حدی توضیح آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد بود. آنها نشان می دهند که خدا کنترل وقایع جهان را در

دست دارد. خدا می داند که در آینده چه کاری انجام خواهد داد. گاهی اوقات، خدا بخش هایی از این اطلاعات را به پیامبران خود داده است. پیام پادشاهی آینده خدا یکی از اینها است.

برای ماه ششم، ما بر عهد جدید تمرکز خواهیم کرد. ما دیدیم که چگونه عهد عتیق به وقایع عهد جدید منتهی می شود. این ما را به عیسی رسانده است. کار عیسی در عهد جدید توسط رسولان ادامه یافت. ما با نگاهی به سخنان یوحنا و پطرس شروع می کنیم که دو نفر از نزدیکترین شاگردان عیسی بودند. سپس نامه یعقوب را کامل می کنیم. ما این مقدمه کتاب مقدس را با نگاهی دیگر به زندگی عیسی به پایان می رسانیم. این بار به تولد، مرگ و رستاخیز او نگاه خواهیم کرد. این چیزی است که خدا می خواست. این یک پیام امید برای خواننده و مسیری در زندگی برای آنها فراهم می کند تا از آنها پیروی کنند.

روز 151: 1 یوحنا 1

یوحنا رسول شاگردی بود که عیسی به ویژه او را دوست داشت. نامه های او حامل پیام عشق است. این توضیح می دهد که عشق چیست و چگونه شاگردان باید آن را نشان دهند. فصل اول کوتاه اما مهم است. نقطه شروع ایمان به عیسی است. شاگردان عیسی قیام کرده را دیده بودند و لمس کرده بودند و به رستاخیز او ایمان آورده بودند. این اعتقاد به عیسی است که امید به زندگی ابدی را می دهد. کسانی که ایمان می آورند با حی و خدا و عیسی معاشرت دارند. این منجر به شادی می شود. کسانی که در مشارکت هستند به عنوان «راه رفتن در نور» توصیف می شوند. کسانی نیز هستند که در تاریکی راه می روند. کسانی که «در نور راه می روند» با دیگرانی که «در نور راه می روند» در معاشرت هستند. اگر آنها با هم در مشارکت زندگی کنند، قربانی عیسی آنها را از گناه نجات می دهد. ایمانداران نمی توانند بگویند که گناهی ندارند، چون همه مردم گناه کرده اند (به جز عیسی).

روز 152: 1 یوحنا 2

یوحنا با گفتن اینکه ایمانداران نباید از راه گناه پیروی کنند، ادامه می دهد. با این حال، اگر ایمانداران گناه کنند، پس این پایان کار نیست. عیسی می تواند آن گناه را برطرف کند. ایمانداران باید دستورات را رعایت کنند، که شامل دوست داشتن برادر خود می شود. ولی ایمانداران نباید همه چیز را دوست داشته باشند. آنها نباید دنیا را با آرزوها و غرورهایش دوست داشته باشند. جهان از بین خواهد رفت، اما کسی که دستورات را نگاه می دارد، از بین نخواهد رفت. ایمانداران نیز نباید کسانی را که علیه مسیح هستند دوست داشته باشند. اینها افرادی هستند که انکار می کنند که عیسی مسیح (مسح شده یا برگزیده خدا) بود. یوحنا این افراد را «ضد مسیح» می نامد چون مخالف مسیح هستند. از سوی دیگر، ایمانداران واقعی توسط خدا مسح شدند (یعنی برگزیده شدند). آنها از حق پیروی می کنند و از باطل پیروی نمی کنند. این چالشی است که همه ایمانداران با آن مواجه هستند.

روز 153: 1 یوحنا 3

یوحنا به ایمانداران می گوید که کسانی که کار درست را انجام می دهند، «فرزندان خدا» نامیده می شوند. این یک امتیاز عظیم است. خدا پدر ایمانداران می شود و با فرزندان خود مانند فرزندان خود رفتار می کند. خدا کسانی را که دستورات او را نادیده می گیرند و زندگی گناه آلود را دنبال می کنند، دوست ندارد. این افراد را «فرزندان شیطان» می نامند. شیطان اصطلاحی است به معنای «کسی که به دروغ شخص دیگری را متهم می کند». این یک اصطلاح معقول برای افرادی است که دستورات خدا را نادیده می گیرند زیرا با کلمات خدا طوری رفتار می کنند که گویی دروغ هستند. در واقع، آنها می گویند که خدا دروغگو است. آنها به دروغ خدا را به دروغ متهم می کنند. یوحنا از مثال قائن برای نشان دادن این موضوع استفاده می کند. قائن دستورات خدا را می دانست، اما آنها را نادیده گرفت. او کار شرارتی را انتخاب کرد و برادرش را کشت. قائن طوری رفتار کرد که گویی خدا وقتی فرمان ها را می داد منظورش چیزی نبود. یک فرد نمی تواند انتظار داشته باشد که اگر اینگونه رفتار کند به او حیات ابدی داده شود. خداوند به یک فرد شرور اجازه نمی دهد تا ابد شرارت کند. عیسی به ما نشان داد که محبت واقعا چیست، نه با کشتن کسی، بلکه با اجازه دادن به دیگران که او را به خاطر محبتش به دیگران بکشند. ایمانداران برای اینکه مانند عیسی باشند، باید با عمل و نه فقط با گفتار محبت کنند.

روز 154: اعمال رسولان 5

ما به برخی از فصل های اولیه اعمال رسولان باز می گردیم تا بفهمیم اندکی پس از رفتن عیسی به آسمان چه اتفاقی افتاد. ما تا فصل 4 را خوانده ایم اما فصل های 5 و 6 را از دست داده ایم. اعمال رسولان 5 داستان تاسف بار حنائیا و یاقوت کبود را توصیف می کند. این زوج به کلیسای اولیه پول دادند اما در مورد اینکه چقدر دادند دروغ گفتند. با این کار نشان دادند که پول را بیشتر از خدا دوست دارند. در نتیجه، و در کمال تعجب همه، هر دو بلافاصله درگذشتند. این یک مثال هوشیارانه بود. هر کسی که این را می شنود مراقب است که به خدا دروغ نگوید و پول را بالاتر از خدا دوست نداشته باشد. این درس مهمی برای این زمان و همچنین امروز بود. بسیاری از ایمانداران به کلیسا پول اهدا می کردند و خطر جذب کسانی که عاشق پول بودند وجود داشت. خدا این درس را داد تا کلیسای اولیه را از عشق به پول دور نگه دارد.

اعمال رسولان 5 آزار و اذیت های بیشتری را که شاگردان متحمل شدند توصیف می کند. رسولان به زندان انداخته شدند، ولی فرشته ای آنها را آزاد کرد. آنها برای بار دوم دستگیر شدند و در برابر قضات ارشد کشور حاضر شدند. در توصیف آنچه اتفاق افتاده است، درس مهمی به ما داده می شود. در جایی که خواسته های حکومت انسان با دستورات خدا در تضاد است، ایمانداران باید از خدا پیروی کنند. علیرغم آنچه حاکمان گفتند، خدا از آنها خواست که به موعظه ادامه دهند، کاری که آنها انجام دادند.

روز 155: اعمال رسولان 6

اعمال رسولان باب 6 موردی از تنش را توصیف می کند که در کلیسای اولیه به وجود آمد. این مربوط به توزیع غذا برای بیوه ها بود. بیوه های غیریهودی احساس می کردند که در مقایسه با بیوه های یهودی سهم عادلانه ای دریافت نمی کنند. این مشکل با گرد هم آوردن گروهی از برادران وفادار برای اطمینان از انصاف حل شد. این مثال اهمیت مراقبت از نیازمندان، از جمله بیوه هایی را که از فقیرترین ها هستند، نشان می دهد. همچنین راهی برای کمک به ایمانداران فقیر به ما نشان می دهد. ما باید اطمینان حاصل کنیم که سایر ایمانداران غذای روزانه دارند. ممکن است راه های زیادی وجود داشته باشد که می توان به این افراد کمک کرد، اما توصیه های کتاب مقدس ثابت است که گرسنگان باید سیر شوند و لباس برهنه بپوشند. بخش دوم اعمال رسولان 6 استیفان را پوشش می دهد. درست مانند عیسی، یهودیان به دروغ استیفان را به کفر متهم کردند. توهین به مقدسات یکی از 10 فرمان در شریعت موسی است که در آن مردم از بدگفتن در مورد خدا منع شده اند. مجازات اعدام را به همراه داشت. مانند عیسی، حاکمان یهودی از شریعت سوء استفاده کردند و بی گناهان را کشتند. تعجب آور نیست که خدا از دست آنها خشمگین بود.

روز 156: اعمال رسولان 12

آزار و اذیت مسیحیان در زمان استیفان یکی از مراحل آزار و اذیت ناشی از مخالفت یهودیان بود. اعمال رسولان 12 شامل مرحله بعدی است که آزار و شکنجه ای بود که توسط هیروودیس اغریپاس اول انجام شد. هیروودیس یعقوب رسول را کشت و پطرس را به قصد کشتن او زندانی کرد. خدا مداخله کرد تا پطرس را آزاد کند و سپس هیروودیس را برکنار کند. خدا مداخله کرد تا از مؤمنان محافظت کند و اجازه دهد کلام خدا گسترش یابد. ما نمونه دیگری از محافظت خدا از کلیسای اولیه را می بینیم. پطرس رسول در مورد جنبه های آزار و اذیت به ایمانداران نوشت. ما به نامه اول او نگاه خواهیم کرد.

روز 157: 1 پطرس 1

کتاب پطرس بسیاری از جنبه های زندگی مسیحی را به ما می گوید که دانستن آنها برای ایمانداران مهم است. او در فصل اول به موضوع محاکمه می پردازد که شامل آزار و اذیت می شود. مشکل آزمایشات و رنج در سراسر نامه تکرار می شود. اگر ایمانداران با وفاداری آزمایش ها را تحمل کنند، این برای خدا خشنود است. برای مؤمنان باید مهمتر از طلا در نظر گرفته شود. کسانی که برای ایمان خود صبر می کنند "نجات روح شما" را دریافت خواهند کرد که به این معنی است که از گناه و مرگ نجات خواهند یافت. برای اینکه این اتفاق بیفتد، ایمانداران باید مقدس باشند. کلمه "مقدس" به معنای "جدا" است و به این معنی است که آنها از جهان جدا هستند. آنها این کار را با زندگی مانند غریبه ها در کشوری که در آن زندگی می کنند انجام می دهند. آنها در کشور زندگی می کنند، اما بیشتر شبیه شهروندان خدا هستند تا شهروندان کشوری که در آن زندگی می کنند.

پطرس می گوید که عیسی قبل از خلقت جهان انتخاب شد. این بدان معناست که او از ابتدا در برنامه خدا بود و در زمان های اخیر آشکار شده است. پیامبران در عهد عتیق این زمان آینده را پیش بینی کردند، البته بدون اینکه نقشه را به وضوح ببینند. ایمانداران از کلام خدا «تولد تازه» شده اند. به این ترتیب فرزندان خدا شده اند.

روز 158: 1 پطرس 2

وقفه های فصل در کتاب مقدس توسط خدا در آنجا قرار نداده شده است. فصل ها و آیات توسط مردانی ساخته شده اند که آنها را ساخته اند تا امکان ارجاع آسان فراهم شود. با این حال، وقفه های فصل همیشه به ما کمک نمی کند تا آنچه گفته می شود را درک کنیم زیرا جریان فکر را می شکند. در فصل قبل که ایمانداران از کلام خدا متولد شده اند. اکنون به ما گفته می شود که این افراد باید بر اساس کلام خدا رشد کنند. کلام خدا مانند شیر آنها است و آنها نوزادان روحانی بودند. وقتی سخنان خدا را می خوانند و نگه می دارند، به ایمانداران بالغ تبدیل می شوند.

راه دیگر برای نگاه کردن به موقعیت ایمانداران این است که خانه خدا یک ساختمان است. عیسی سنگ گوشه اصلی است که سازنده از آن برای هدایت قرار دادن سنگ های دیگر استفاده می کند. مؤمنان سنگ های دیگری هستند که همراه با سنگ گوشه خانه را تشکیل می دهند.

مؤمنان باید تسلیم مقامات حاکم بر این سرزمین شوند و زندگی خوبی داشته باشند تا کسی نتواند از آنها شکایت کند. بردگان (می توان گفت کارمندان) باید تسلیم اربابان خود شوند (می توان گفت کارفرمایان). اگر ایمانداران باید رنج بکشند، پس بگذارید برای انجام نیکی باشد. اگر آنها این کار را انجام دهند، مانند پیروی از عیسی است که برای انجام کار درست رنج کشید.

روز 159: 1 پطرس 3

پطرس موضوع کتاب مقدس را ادامه می دهد و در مورد اهمیت ازدواج و نقش زن و شوهر در ازدواج صحبت می کند. زن باید تسلیم شوهرش شود. مهم تر این است که زن از درون زیبا باشد تا بیرون. شوهر باید به زن توجه داشته باشد، به ویژه برای اینکه آنها هدیه معنوی زندگی ابدی را با هم به دست آورند. اگر شوهر همسرش را اینگونه دوست نداشته باشد، بر او تأثیر می گذارد. دعاهای او چندان موثر نیستند. زن و شوهر باید با هم ایماندار باشند و به خداوند خدمت کنند. دستورالعمل هایی در مورد رفتار مسیحی وجود دارد که برای یک مسیحی لازم است برای نجات از آنها پیروی کند. عیسی اکنون با تمام قدرت در آسمان است تا این اتفاق بیفتد.

روز 160: 1 پطرس 4

ایمانداران نباید از راه های گناه پیروی کنند. راه های گناه باعث مرگ می شود. پطرس در مورد کسانی که راه گناه را دنبال می کنند به عنوان "مرده" صحبت می کند. آنها مرده اند به این معنا که اگر توبه نکنند این همان اتفاقی است که برای آنها خواهد افتاد. ایمانداران دیگر نباید زندگی خود را صرف لذت خودخواهانه کنند، بلکه باید بر اساس اصول خداپسندانه زندگی کنند. مسیحیان ممکن است برای ایمان خود رنج بکشند، اگر این خواست خدا باشد. این همان اتفاقی است که برای عیسی افتاد، بنابراین ممکن است برای پیروانش نیز اتفاق بیفتد.

روز 161: 1 پطرس 5

پطرس نامه خود را با خطاب به بزرگان به پایان می رساند. بزرگان نباید به شدت حکومت کنند. آنها باید مانند چوپانانی باشند که از گوسفندان مراقبت می کنند. آنها مراقب هستند نه حاکم. این آخرین نصیحت عیسی به پطرس در انجیل یوحنا بود و پطرس اکنون آن را به سایر بزرگان منتقل می کند. همه ایمانداران باید فروتن باشند. آنها باید تسلیم خدا و فرمان های او شوند.

پطرس با اشاره دیگری به رنج به پایان می رسد. آنهایی که باعث آزار و اذیت می شوند، «شیر» نامیده می شوند. یعنی آنها مانند شیرهایی هستند که منتظر فرصتی هستند تا به طعمه های خود حمله کنند. اگر مسیحی مجبور است رنج بکشد، پس باید بفهمد که این فقط برای مدت کوتاهی است. این رنج در مقایسه با جلال ابدی که صالحان دریافت خواهند کرد، چیزی نیست.

روز 162: 4 جیمز

ما یعقوب فصل 1 تا 3 را خوانده ایم و اکنون فصل های باقیمانده نامه را کامل می کنیم. نامه یعقوب حاوی بسیاری از همان نکات است که توسط یوحنا و پطرس مطرح شده است. به عنوان مثال، یعقوب همچنین از نیاز به اطاعت از خدا و فروتن بودن

صحبت می کند. مؤمنان باید با کسانی که در جهان از چیزهای دنیوی پیروی می کنند متفاوت باشند. ایمانداران نباید دوستان جهان باشند، بلکه باید دوستان خدا باشند. آنها نمی توانند هر دو باشند و باید انتخاب کنند. مؤمنان نباید با یکدیگر بجنگند و به یکدیگر تهمت بزنند. آنها نباید مغرور باشند یا لاف بزنند. ایمانداران باید بدانند که واقعا کنترلی بر زندگی خود ندارند. زندگی آنها توسط خدا اداره می شود. وقتی در مورد نقشه هایشان صحبت می کنند، باید بگویند، "اگر اراده خداوند باشد" من این یا آن کار را انجام خواهم داد.

روز 163: جیمز 5

جیمز با هشدار به ثروتمندان به پایان می رسد. اگر آنها از راه های ناعادلانه ثروتمند شده باشند، مجازات خود را دریافت خواهند کرد. فقرا باید صبورانه منتظر بازگشت عیسی باشند، زمانی که مشکلات زندگی از بین می رود. آنها باید نمونه پیامبران یا ایوب را در نظر بگیرند. ایوب مردی بود که رنج های بسیار کوتاه مدت را متحمل شد. با وجود اینکه سخت بود، او ایمان خود را تا پایان درد و رنج حفظ کرد. یک کتاب کامل از کتاب مقدس درباره ایوب وجود دارد. یکی از راه هایی که ایمانداران می توانند با رنج کنار بیایند، دعا است. دعای وفادارانه یک مرد عادل واقعا کار می کند. ایلیا به عنوان نمونه ای از این ایمانداران باید یک زندگی دعایی قوی داشته باشند. اگر عادل باشند و صادقانه برای چیزهای درست دعا کنند، در پایان عمرشان خواهند گفت که دعا واقعا جواب می دهد.

روز 164: لوقا 1: 38-1

اکنون به بررسی جزئیات بیشتری به آغاز و پایان زندگی عیسی می پردازیم. تولد عیسی با جزئیات بیشتر در انجیل لوقا آورده شده است. نقطه شروع در واقع یحیی تعمید دهنده و تولد او است. پدر یحیی از فرشته ای خواست که او را ملاقات کند. اما پدرش پیام فرشتگان را باور نکرد و به همین دلیل صدای خود را در طول دوران بارداری از دست داد. در مقابل، مریم فرشته ای را که به دیدار او می آمد باور کرد. تولد عیسی باید به دلیل آمدن روح القدس بر او بود، به طوری که او پسری بدون پدر طبیعی به دنیا آورد. پسرش به عنوان "پسر خدا" شناخته می شود. فرشته روشن کرد که آنچه اتفاق می افتد در تحقق وعده خدا به داوود است.

روز 165: لوقا 1: 39-80

مریم به دیدار الیزابت، مادر یحیی تعمید دهنده رفت. الیزابت با یک سلام ویژه از مریم استقبال کرد. سپس مریم چیزی را که به عنوان "آهنگ مریم" شناخته می شود، ارائه داد. کمی شبیه آهنگ هانا است. هر دو خدا را به خاطر برکت دادن به فروتن و فرومایه ستایش کردند. مریم به وعده ای که خدا به ابراهیم و اسرائیل داده بود اشاره کرد. عیسی راهی بود که خدا از طریق آن به وعده های خود به ابراهیم، اسرائیل و داوود عمل می کرد. سپس لوقا 1 تولد یحیی را توصیف می کند. پدرش اکنون به خدا ایمان آورد و خدا را ستایش کرد. او همچنین به وعده ابراهیم و سخنان پیامبرانی اشاره می کند که از قبل در مورد عیسی صحبت کردند. ما متوجه تأکید بر وقایع عیسی می شویم که در عهد عتیق پیشگویی شده است. یحیی تعمید دهنده قوم خدا را برای آمدن عیسی آماده می کرد تا به عیسی گوش فرا دهند.

روز 166: لوقا 2

تولد عیسی در لوقا فصل 2 شرح داده شده است. مریم قبل از ازدواج بچه دار شد. هم مریم و هم یوسف به این دلیل از شرم جامعه رنج می بردند. چوپانان بیت لحم اولین کسانی بودند که از تولد مطلع شدند. طبق شریعت موسی، هر فرزند پسر باید در روز هشتم ختنه می شد. وقتی این اتفاق افتاد، نام "عیسی" به او داده شد. این نام به معنای "نجات دهنده" ("کسی که نجات می دهد") است، زیرا او مردم را از گناهشان نجات می دهد. پس از 40 روز، والدین مجبور شدند طبق شریعت موسی در معبد هدیه ای تقدیم کنند.

به دو اسرائیلی وفادار اجازه داده شد که نوزاد عیسی را ببینند - شمعون و حنا. سپس عیسی به شهری به نام ناصره برده شد و در آنجا دوران کودکی خود را گذراند. به عنوان اسرائیلی های مطیع قانون، مردان باید جشن های زیارتی را برگزار می کردند، که به معنای سفر سه بار در سال به اورشلیم بود. در یک مورد، عیسی در حال صحبت با آموزگاران شریعت باقی ماند.

عیسی با فهم خود آموزگاران را شگفت زده کرد. عیسی مانند هر کودکی بزرگ شد. او به عنوان یک کودک خوب، از پدر و مادرش اطاعت می کرد و هم خدا و هم انسان را خشنود می کرد.

روز 167: متی 1

متی فصل 1 شروع واضحی برای عهد جدید نیست، اما کار را به خوبی انجام می دهد. با بیانیه ای شروع می شود تا خواننده را به چالش بکشد. عیسی مسیح موعود است. آیه 1 روشن می کند که عیسی هم پسر ابراهیم و هم داوود بود. این خواننده را به فکر وعده هایی که خدا به ابراهیم و داوود داده بود سوق می دهد. عیسی پاسخ وعده ها است. ما صلاحیت های عیسی را داریم، یعنی شجره نامه او، که ثابت می کند او پسر آنها بوده است. این نکته بسیار مهمی برای یهودیان است.

گزارش متی از تولد عیسی بر دیدگاه یوسف متمرکز است. یوسف متوجه شده بود که همسر آینده اش باردار است. او باید چه کار می کرد؟ خدا در خواب با یوسف صحبت کرد تا یوسف با مریم از دواج کند. تولد باکره برای تحقق برنامه خدا که در عهد عتیق در مورد آن صحبت شده بود، مورد نیاز بود.

روز 168: متی 4

خدمت عیسی با تعمید او آغاز شد. عیسی در این زمان قدرت های روح القدس را دریافت کرد و صدایی از آسمان به مردم گفت که عیسی پسر خدا است. هر دوی این چیزها وقتی به بیابان برده شد، برای او وسوسه فوری شد. عیسی وسوسه شد که از قدرت خود به دلایل شخصی سوء استفاده کند. اما عیسی از درست کردن نان از سنگ برای رفع گرسنگی خود امتناع ورزید. ثانیاً، او از استفاده از فرزندی خود برای نشان دادن محافظت خدا از او به دیگران امتناع کرد. ثالثاً، او از استفاده از توانایی های خود برای تبدیل شدن به یک پادشاه دنیوی در آنجا و سپس خودداری کرد. از آنجا که عیسی در طول زندگی خود در برابر وسوسه ها مقاومت کرد، بدون گناه مرد.

عیسی مأموریتی از جانب خدا داشت. این برای آموزش مژده ملکوت خدا بود که قرار بود بیاید. به عنوان مدرکی مبنی بر اینکه این پیام از طرف خدا آمده است، عیسی توانست معجزه کند و کسانی را که از بیماری رنج می بردند شفا دهد. جای تعجب نیست که او علاقه زیادی به خود جلب کرد. عیسی با دقت برخی از مردم را انتخاب کرد تا از او به عنوان شاگردان خود پیروی کنند.

روز 169: متی 7

بزرگترین آموزه ای که از عیسی داریم موعظه روی کوه است. ما قبلاً به بخش هایی از آن نگاه کرده ایم. حالا قسمت پایانی را می خوانیم. پیروان عیسی دیگران را به سختی قضاوت نمی کردند، به ویژه زمانی که خودشان کامل نیستند. آنها باید مطمئن شوند که راه عیسی را با دقت دنبال می کنند. یافتن راه انجام این کار آسان نیست. معلمان دروغین زیادی وجود دارند. جویندگان باید با دقت به دنبال آن باشند. کسانی که این راه را دنبال می کنند باید با دیگران همان رفتار را کنند که دوست دارند دیگران با آنها رفتار کنند. این روش زندگی است که یک شاگرد را به عنوان واقعی نشان می دهد. معلم بودن و صدا زدن به نام عیسی کافی نیست تا شاگرد واقعی عیسی نامیده شوید. یک شاگرد واقعی عیسی کسی است که مانند یک نفر رفتار می کند. مثل سازندگان خردمند و احمق برای آموزش این درس داده شد.

روز 170: متی 8

متی 8 در مورد برخی از معجزاتی که عیسی انجام داد و برخی از افرادی که ملاقات کرد به ما می گوید. عیسی توانست بیماری های صعب العلاج مانند جذام و بیماری های روانی را شفا دهد. او جذامی و دیو را لمس کرد و شفا داد. توانایی او در شفا تحقق اشعیا پیامبر عهد عتیق بود. عیسی ایمان یک غیریهودی خاص را تحسین می کرد. او یک افسر رومی منفور بود. افسر رومی به دلایل خودخواهانه به عیسی متوسل نمی شد، بلکه از طرف خدمتگزارش بود. خدمتکار احتمالاً یهودی بود. در اینجا درسی در مورد ایمان برای یهودیان بود.

عیسی درسی در مورد شاگردی داد. یکی از شاگردان می خواست پدرش را دفن کند. این بدان معنا بود که او می خواست تا زمانی که پدرش بمیرد با پدرش زندگی کند و بعد از سالها می توانست عیسی را دنبال کند. ولی مردم نباید در پیروی از عیسی

تأخیر کنند و خانواده خود را نیز نباید قبل از عیسی قرار دهند. سرانجام ما آرام کردن طوفان توسط عیسی را داریم که نشان داد عیسی بر باد و امواج قدرت دارد. چرا کسی از مردی با چنین قدرت و سخنانی از جانب خدا پیروی نمی کند؟

روز 171: متی 9

متی 9 نمونه های شفا را ادامه می دهد. اینها بسیار انتخابی هستند زیرا عیسی بسیاری از مردم را شفا داد. شفاى مرد فلج بیماری این مرد را با گناه و شفاى او را با بخشش مرتبط می کند. ما نمی توانیم این کار را برای هر بیماری انجام دهیم. عیسی آمد تا گناهکاران را نجات دهد و بیماران را شفا دهد. عیسی حاضر بود به هر کسی که مایل به گوش دادن بود رحم کند. هر بر اساس شریعت موسی نجس بود، می توانست توسط عیسی پاک شود.

این فصل با تعلیم در مورد ملکوت خدا به پایان می رسد. ملکوت خدا در حال آمدن بود و همه نیاز داشتند که پیام را بشنوند. عیسی شاگردانش را فرستاد تا این را تعلیم دهند تا همه بشنوند. یکی از گروهی که به آنها گفته شد فریسیان بودند. آنها گروهی از معلمان عهد عتیق بودند که فکر می کردند عادل هستند و عیسی عادل نیست. آنها عیسی را "دیوانه" نامیدند و ادعا کردند که او قدرت شیطانی دارد.

روز 172: متی 15

عیسی در موارد زیادی با فریسیان ملاقات کرد. فریسیان قوانین زیادی را به شریعت موسی اضافه کردند تا سعی کنند حتی بیشتر عادل شوند. این قوانین اضافی «سنت های بزرگان» بودند. فریسیان این قوانین اضافی ساخته دست بشر را به اندازه شریعت موسی مهم می دانستند. عیسی اشاره کرد که این قوانین اضافی ناقص بودند. برخی از آنها حتی شریعت موسی را زیر پا گذاشتند! وقتی عیسی این را به آنها اشاره کرد، آنها این را دوست نداشتند. تفاوت این بود که عیسی نکته شریعت موسی را درک کرد، در حالی که فریسیان این کار را نکردند. ناپاکی از قلب ناپاک ناشی می شود - نه (مثلاً) از شستن دست ها. یک زن کنعانی این را نشان داد. اگرچه او طبق شریعت موسی نجس بود، اما قلبی متواضع داشت، نیاز او به رحمت را درک می کرد و به عیسی ایمان داشت. عیسی به همه کسانی که نزد او آمدند صادقانه کمک کرد. غذا دادن به 4000 نفر نشان دهنده تمایل عیسی برای مهربان بودن نسبت به همه کسانی بود که به دنبال عیسی هستند.

روز 173: متی 21

پس از بیش از 3 سال خدمت، عیسی برای هفته آخر وارد اورشلیم شد. انجیل ها توجه زیادی به این هفته آخر دارند. اولین ورود او با تشویق جمعیت زیادی مورد استقبال قرار گرفت. آنها معجزاتی را که عیسی انجام داده بود دیده بودند و انتظار چیزهای بزرگی را داشتند. عیسی به معبد رفت و دید که معبد مقدس بیشتر شبیه یک تجارت فاسد اداره می شود. وقتی او تجارت را متوقف کرد، باعث محبوبیت او در بین حاکمان معبد نشد.

سپس نفرین غیرمعمول درخت انجیر را داریم. این باید به عنوان یک مثل واقعی درک شود. قوم اسرائیل مانند درخت انجیری بودند که باید میوه روحانی (یعنی توبه و کارهای نیک) بدهد. وقتی این کار را نمی کردند، نفرین می شد. با توجه به اینکه معبد مقدس مانند یک تجارت اداره می شد، واضح بود که مذهب در اسرائیل در وضعیت بدی قرار دارد. رهبران عیسی را به چالش کشیدند. عیسی این موضوع را تغییر داد و آنها را با سه مثل (دو در این فصل و یکی در فصل بعدی) به چالش کشید. پیام های این تمثیل ها روشن است.

روز 174: متی 26

رهبران مذهبی اسرائیل تعالیم عیسی را دوست نداشتند. در طول هفته آخر، مخالفان آنها خصمانه تر و خصمانه تر شد. عیسی می دانست که این کار به مرگ او ختم خواهد شد. با این حال، عیسی از آن اجتناب نکرد. او در آمادگی برای خاکسپاری اش مسح شد. او می دانست که یکی از شاگردان نزدیکش به او خیانت خواهد کرد. عیسی با همه شاگردانش مهربان بود، حتی خائن (یهودا). در شام آخر، عیسی جشن جدیدی را برای شاگردان معرفی کرد. به این "شکستن نان" می گویند. شاگردان باید می شکستند و نان بخورند تا خاطره بدن شکسته او باشد. و آنها قرار بود به عنوان خاطره خون ریخته شده او شراب بنوشند. عیسی می دانست که یکی دیگر از شاگردانش (پطرس) او را انکار خواهد کرد و همه شاگردانش از دست او فرار خواهند کرد. شاگردانش در آخرین ساعات زندگی برای او منبع قدرت نبودند. قوت او از دعا به پدرش می آمد. عیسی در زمان دستگیری

مقاومت نکرد و برای محافظت از شاگردانش اقدام کرد. در اولین محاکمه او در مورد آنچه درست بود صحبت کرد. این امر منجر به حکم اعدام او شد.

روز 175: متی 27

وقایع در آن روز آخر به سرعت پیش رفت. رهبران یهودی نزد رهبر رومی رفتند تا حکم اعدام را به دست آورند. آنها این را با فریاد زدن و فریاد زدن به جای دنبال کردن راه عدالت به دست آوردند. رومی ها به بی عدالتی و وحشیگری و تمسخر ادامه دادند. خائن (یهودا) به اشتباه خود پی برد و خودکشی کرد. وقایع مصلوب شدن توسط یک افسر رومی شاهد بود که به این نتیجه رسید که عیسی باید پسر خدا باشد. رویداد عجیب برخاستن مردم از مردگان نشانه ای از اثربخشی عیسی در زنده کردن مردگان بود. هنگامی که حاکمان مطمئن شدند که عیسی مرده است، او را در مقبره ای دفن کردند و از او محافظت کردند. نگهبان باید از ادعاهای دروغین در مورد رستاخیز جلوگیری می کرد.

روز 176: متی 28

تمام انجیل ها با رستاخیز عیسی به پایان می رسند. عیسی به مدت سه روز در قبر مرده بود، اما در سحرگاه روز سوم از مردگان برخاست. خدا فرشته ای فرستاد تا او را زنده کند. با وجود اینکه نگهبان فرشته را می دید، آنها بیشتر به پول علاقه مند بودند و حاکمان خود را خشنود می کردند. آنها دروغ گفتن را برای پول انتخاب کردند. فرشته به زنان ظاهر شد. سپس عیسی بر آنها ظاهر شد. آنها او را ننگ داشتند و تأیید کردند که او واقعی و زنده است. عیسی نیز به شاگردانش ظاهر شد. عیسی به آنها گفت که خدا تمام قدرت را به او داده است. عیسی به شاگردان اختیار داد تا مژده ملکوت خدا را تعلیم دهند و تعمید دهند. سخنان پایانی برای همه شاگردان آرامش بخش است. عیسی همچنان با شاگردانش است.

روز 177: اول قرنیتیان 15

انجیل ها با رستاخیز عیسی به پایان می رسند. رستاخیز مردگان در بسیاری از جاها آموزش داده می شود. بزرگترین فصل در این مورد اول قرنیتیان 15 است. پولس تأکید می کند که رستاخیز وجود دارد و هر ایمانداری باید به آن ایمان داشته باشد. امید مسیحیان به رستاخیز ایمانداران مرده بستگی دارد. درست همانطور که مرگ برای همه نوادگان آدم قطعی است، رستاخیز به زندگی نیز برای همه پیروان عیسی قطعی است. در زمان های مختلف، معلمان دروغین آمده اند و رستاخیز را انکار کرده اند. آنها سوالاتی را مطرح کرده اند تا مردم را از اعتقاد به آن دور کنند. این معلمان دروغین هنوز هم وجود دارند. پولس روشن است - رستاخیز از مردگان برای ایمانداران وجود دارد. سپس ناگهان در یک صدای شیپور تغییر خواهد کرد. آنها از گوشت و خون فانی به فناپذیر تبدیل خواهند شد. وقتی این شیپور به صدا در می آید، برخی از ایمانداران هنوز زنده خواهند بود. اینها به عنوان افرادی توصیف می شوند که همه "خوابیده اند". در اینجا خواب مانند مرگ توصیف می شود. مرگ مانند خواب است به این معنا که هر دو حالت بیهوشی هستند.

روز 178: 1 تسالونیکیان 4

کلیسیا در تسالونیکیه کسانی را داشت که واقعا به رستاخیز اعتقاد نداشتند. برخی فکر می کردند که مردگان برای همیشه از بین رفته اند. اما پولس آنچه را که در آینده اتفاق خواهد افتاد توصیف می کند. عیسی از آسمان خواهد آمد. سپس فرمان بلندی خواهد داد. این منجر به صدا زدن فرشته اصلی و صدای شیپور می شود. در این مرحله، کسانی که با ایمان به عیسی جان خود را از دست داده اند، از مردگان برخاستند. این افراد در کشورهای مختلف از سراسر جهان زندگی کرده اند، بنابراین باید نزد عیسی آورده شوند. این اتفاق می افتد با حمل و نقل هوایی، و یا از طریق "هوا" به عنوان نامه می گوید. آنگاه تا ابد با عیسی خواهند بود. ایمانداران باید با این امید به یکدیگر تسلی دهند، به ویژه زمانی که ایمانداران می میرند.

روز 179: 1 تسالونیکیان 5

پولس رسول در مورد بازگشت عیسی به زمین به ما می گوید. این ناگهانی و غیرمنتظره خواهد بود. ایمانداران باید مراقب باشند که به جای خواب روحانی، از نظر روحانی بیدار باشند. متوجه می شویم که یک فصل به دو روش مختلف در مورد

خواب صحبت می کند و هیچ یک از آنها خواب معمولی نیست که هر شب داریم. یکی از خواب به عنوان مرگ یاد می کند. دیگری به کسانی اشاره دارد که دیگر مسیحیان فعال نیستند اما از نظر روحانی در خواب هستند. کتاب مقدس اغلب از معانی تحت اللفظی کلمات بدون هشدار در متن تغییر می کند. ما باید به دقت در مورد متن ها فکر کنیم تا مطمئن شویم که با داشتن دیدگاه اشتباه گمراه نمی شویم. برای افرادی که تازه وارد خواندن کتاب مقدس شده اند، این کار دشوار است. با این حال، با تمرین، خوانندگان یاد خواهند گرفت که کتاب مقدس چگونه در مورد چیزها صحبت می کند. این نامه با توصیه هایی در مورد اینکه چگونه یک مسیحی فعال باشید و چگونه به دیگران نیز کمک کنید، به پایان می رسد.

روز 180: فیلیپیان 3: 12-4: 23

این متن آخرین قرائت این سری از فصل های کتاب مقدس است. این یک پایان خوش است! ما باید مطمئن شویم که مسیحیان فعالی هستیم. این چیزی است که پولس بود. او از فعالیت دست برداشت و ما نیز نباید این کار را انجام دهیم. ما باید از پرت شدن حواس خود را با تفکر دنیوی پرهیز کنیم. ما باید تفکر خداپسندانه یا آسمانی داشته باشیم. اگر به چیزهای خدا فکر کنیم، می توانیم در خداوند شاد شویم. ما می توانیم از دعا استفاده کنیم تا به ما کمک کند نگران چیزهای این زندگی نباشیم. ما باید از چیزهای دنیا روی برگردانیم. ما باید به چیزهایی فکر کنیم که خوب و درست و پاک و دوست داشتنی هستند. ما باید از زندگی خود راضی باشیم. اگر نگران توانایی خود در انجام هر کاری هستیم، بیایید مانند پولس باشیم که می تواند همه کارها را از طریق کسی که به او قدرت داده است (یعنی خدا) انجام دهد. خدا از طریق دعاهايمان نیز به ما کمک خواهد کرد. بیایید در زندگی خود نیز به یکدیگر کمک کنیم. باشد که تمام جلال برای خدا باشد. و باشد که فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باشد.

آنچه در ماه گذشته آموختیم

ما به نصیحت سه شاگرد کلیدی - یوحنا، پطرس و یعقوب گوش داده ایم. آنها چیزهای مشابهی برای گفتن و همچنین چیزهای متفاوتی داشته اند. مسیحیان به روش های مختلف رنج می برند. از این نظر، آنها مانند عیسی هستند. ما همچنین باید یکدیگر را به روشی که مسیح دوست داشت دوست داشته باشیم. کلید این شیوه زندگی داشتن طرز تفکر خداپسندانه است و نه طرز تفکر دنیوی. راه دیگر برای بیان این موضوع این است که مسیحیان زندگی و تفکر عیسی را دنبال کنند.

ما با نگاهی دیگر به زندگی عیسی، عمدتاً از طریق انجیل متی به پایان رسیدیم. کار زندگی او این بود که ملکوت خدا را آموزش دهد و پادشاهی را قادر سازد تا از طریق مرگ بی گناه او بیاید. سپس خدا عیسی را از مردگان برخیزاند و به عیسی این اختیار را داد که از آسمان حکومت کند و به زمین بازگردد. این رستاخیز مردگان است که پیروان عیسی را قادر می سازد تا عیسی را ملاقات کنند و در پادشاهی با او باشند.

خواندن ما از کتاب مقدس نشان داده است که کتاب مقدس همه به هم مرتبط است. خدا از ابتدا برنامه ای داشت و خدا در حال پایان دادن به آن نقشه است. این برای برقراری پادشاهی او بر روی زمین است، با عیسی به عنوان پادشاه و با مؤمنان به عنوان شهروندان این پادشاهی. خدا تمام قدرت را دارد و می تواند این کار را انجام دهد. ملکوت خواهد آمد و پیام عیسی این بود که همه برای آن آماده شوند.

مروری بر 6 ماه خواندن کتاب مقدس

ما تقریباً 180 فصل از کتاب مقدس را خوانده ایم. 86 از عهد عتیق و 94 از عهد جدید. ما حدود 15 درصد از کتاب مقدس و حدود 36 درصد از عهد جدید را خوانده ایم. این مقدمه خوبی برای هر دو است. ما به متونی نگاه کرده ایم که می توانند به ما کمک کنند تا سریعترین رشد دانش و درک را داشته باشیم. ما سه کتاب مقدس را به طور کامل خوانده ایم: یونس، یعقوب و اول پطرس.

در متونی که خوانده ایم، برخی از قسمت های مهم را انتخاب کرده ایم. اینها ریشه ها، نتیجه گیری ها، آموزه های اصلی و رویدادها و افراد مهم را پوشش می دهند. ما موضوعات پیچیده تر یا طولانی تر را پوشش نداده ایم.

شما ارجاعات زیادی به مشکلات معلمان دروغین دیده اید و این موارد هنوز هم وجود دارد. تنها راه مقابله با این موارد این است که همه چیز را با کتاب مقدس بررسی کنیم و همه چیز را از کتاب مقدس ثابت کنیم. یک آیه برای ایجاد یک آموزه کافی

نیست، زیرا خطر سوء تفاهم آن وجود دارد. خوشبختانه، تمام آموزه های اصلی کتاب مقدس را می توان از آیات زیادی ثابت کرد.

ما نمونه هایی از زبان کتاب مقدس را دیده ایم که در آن همه چیز به معنای واقعی کلمه در نظر گرفته نمی شود. این یکی از راه هایی است که مردم کتاب مقدس را اشتباه تفسیر می کنند. این بدان معنی است که ما باید هنگام خواندن کتاب مقدس به دقت فکر کنیم. داشتن دانش از کل کتاب مقدس کمک واقعی است. به عنوان مثال، ما دیدیم که چگونه عهد جدید بر اساس عهد عتیق است. نگاه کردن به کل کتاب مقدس برای ایجاد آموزه های مهم مفید است.

ما با خواندن مزمور 1 شروع کردیم و یاد گرفتیم که باید هر روز کتاب مقدس را بخوانیم و در مورد آن مدیتیشن کنیم. ما این روش را توصیه می کنیم. به این ترتیب دانش خود را از کتاب مقدس افزایش می دهید و یک مسیحی بالغ خواهید شد. همانطور که کتاب مقدس می گوید، شما از کسی که از شیر تغذیه می کند به کسی که از گوشت تغذیه می کند، رشد خواهید کرد. قرائت ها و آموزه های دیگری نیز وجود دارد که ما برای کمک به شما در این زمینه ارائه می دهیم. همچنین توصیه می کنیم با کسی صحبت کنید تا به سوالات شخصی شما پاسخ داده شود و بتوانید از نظر معنوی با سرعتی که برای شما بهترین است رشد کنید.

این دوره مقدماتی شما را با بخش های زیادی از کتاب مقدس آشنا کرده است. با این حال، هنوز برای خواننده کافی نیست که به هر بخشی از کتاب مقدس برود و آن را به راحتی بخواند. هنوز ۳۱ کتاب از کتاب مقدس وجود دارد که ما معرفی نکرده ایم یا نخوانده ایم. از آنجایی که 66 کتاب در کتاب مقدس وجود دارد، این مقدار قابل توجهی است. بنابراین توصیه می کنیم به مراحل دوم خواندن کتاب مقدس بروید. در این مقاله نمونه هایی از تمام کتاب های کتاب مقدس را مرور می کنیم و آنها را معرفی می کنیم. کتاب مقدس را به ترتیب زمانی مرور می کند و افراد و رویدادهای اصلی را پوشش می دهد. هدف از این دوره ارائه پیشینه کافی به خواننده است تا بتواند هر بخشی از کتاب مقدس را با درک بخواند.

هر قدمی که بردارید، خداوند به شما برکت دهد زیرا صادقانه و فروتنانه به آنچه خدا از کتاب مقدس به شما می گوید گوش می دهید. آرزوی ما این است که شما در زندگی خود به خدا احترام بگذارید و از خداوند عیسی پیروی کنید. خوشحال می شویم که به شما کمک کنیم از مرگ نجات پیدا کنید و زندگی ابدی را در ملکوت خدا به دست آورید.